

ماراتن کتاب سال از نگاه نویسندگان

◆ نخستین شرطی که داوران جایزه کتاب سال باید مورد توجه قرار دهند، دوری از خطر سلیقه زندگی است

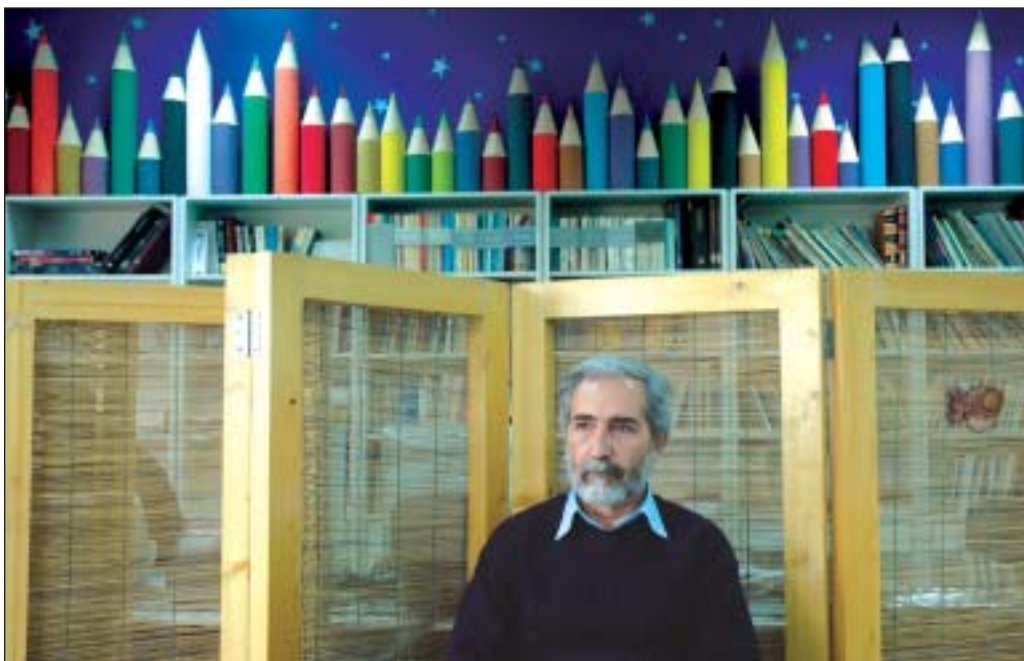
۲۳

ناشران به نمایشگاه بیست و یکم پیشنهاد دادند

زیباسازی جشن کتاب

هرچند مدیریت و برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برعهده معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است اما این معاونت برای برگزاری این جشن بزرگ کتاب، همواره خود را ملزم به مشورت با ناشران کشور می‌کند و در تلاش است تا علاوه بر پاسخ به نیازهای این صنف، نیازهای مخاطبان را نیز از خاطر نبرد. با این همه با تلاش‌های فراوانی که در جهت برپایی هرچه باشکوه‌تر نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران صورت می‌گیرد، هنوز می‌توان نکات دیگری را برای برپایی بهتر این جشن بزرگ کتاب بیان داشت.

سیدجلال فهیم هاشمی، مدیر نشر روزبهان در ابتدا به برگزاری نمایشگاه کتاب تهران توسط معاونت فرهنگی و توجه این نهاد به نیازهای ناشران اشاره می‌کند و می‌گوید: «خوشبختانه سال گذشته و در جریان بیستمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، نخست بنا بود که نمایشگاه به صورت دو تکه برگزار شود. اما معاونت فرهنگی وزارت ارشاد به خواسته ناشران پاسخ مثبت داد و موافقت کرد که این نمایشگاه به صورت یکپارچه برگزار شود. خوشبختانه نمایشگاه کار خود را با موفقیت به اتمام رساند و این میسر نبود مگر با همکاری ناشران و وزارت ارشاد.»



امیرحسین فردی از ضرورت توجه به ادبیات داستانی انقلاب می‌گوید

گلایه پس از ۳۰ سال

«چمن»، «یک دنیا پروانه»، «کوچک جنگلی» و... رادر کارنامه‌اش داشت و هم اکنون نیز جلد دوم «اسماعیل» را در دست نوشتن دارد. امیرحسین فردی متولد ۱۳۳۸ از توابع شهرستان اردبیل است و به عنوان مدیر مسئول کیهان بچه‌ها در عرصه رسانه نیز حضوری فعال دارد. عضویت در شورای داستان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، نیروی مقاومت بسیج و مدیریت کارگاه قصه و رمان حوزه هنری، عضو هیئت داوران کتاب سال ادبیات دفاع مقدس در بخش داستان و رمان کودک و نوجوان، از جمله فعالیت‌های فرهنگی وی محسوب می‌شود.

«اسماعیل» عنوان رمانی به قلم امیرحسین فردی است که به تازگی از سوی انتشارات سوره مهر چاپ و منتشر شده است. رمان «اسماعیل» داستان زندگی شخصیتی است به نام علی خالدار که قهوه‌خانه‌دار است اما کسی نمی‌داند از کجا آمده و گذشته او چه بوده است. فردی درباره رمان خود می‌گوید: «نسل من و تمام دوستانی که تجربه‌ای از انقلاب دارند و در آن دوران زندگی می‌کردند مدیون انقلاب هستند. ما حق نداریم آنچه دیده‌ایم و می‌بینیم در سینه خود پنهان کنیم که شاید روزی با فراخ‌بال بنویسیم، چراکه تضمینی برای بودن ما در فردا نیست، ما بدهکار این انقلاب و نسل‌های آینده‌ایم». امیرحسین فردی قبل از نوشتن رمان «اسماعیل» آثاری چون «آشیانه در مه»، «سیاه

۱۰

۹

نگاه کارشناسان به تأسیس یک رشته دانشگاهی جدید

ادبیات کودک پشت درهای دانشگاه

گفت‌و شنود پرداخته و نظرات آنها را در این زمینه جویا شویم. حسن ذوالفقاری، استاد دانشگاه و مولف کتاب‌های درسی، به اهمیت جنبه‌های زبانی اشاره می‌کند و معتقد است: «این رشته باید به «زبان و ادبیات کودک» تغییر نام دهد چرا که جنبه‌های زبانی، یکی از مهم‌ترین مواردی است که در بررسی شعر و ادبیات کودک، باید به آن پرداخته شود؛ از طرفی، رشته‌های دیگر چون روانشناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و... بر ادبیات کودک تأثیر می‌گذارند و به شناخت بیشتر و دقیق‌تر ما از کودک می‌انجامند، به همین خاطر، رشته زبان و ادبیات کودک، جزو «بین‌رشته‌ای‌هاست و این ماهیت بین‌رشته‌ای کمک می‌کند تا افق‌های گسترده‌تری به روی شعر و ادبیات این گروه سنی گشوده شود.»



«همه‌انگهی‌های نهایی برای راه‌اندازی رشته‌ای دانشگاهی با عنوان «ادبیات کودک» در مقطع کارشناسی ارشد انجام شده و در صورت تصویب وزارت علوم، این رشته از سال آینده در دفترچه ثبت نام سازمان سنجش برای این مقطع تحصیلی قرار خواهد گرفت.» انتشار این خبر از سوی مرتضی خسرونیژاد عضو هیئت علمی و مدیر بخش ادبیات کودک دانشگاه شیراز از یک سو و این که رشته ادبیات کودک و نوجوان باید به چه نیازهایی پاسخ دهد، چه سرفصل‌هایی برای آن در نظر گرفته شود و آیا کتاب‌های نظری ما در این زمینه، آنقدر پربار هست که در سطح دانشگاهی تدریس شود از سوی دیگر، ما را بر آن داشت تا با چند تن از صاحب‌نظران در حوزه کودک و نوجوان به

۱۶

۵

محمود اکرامی فر خبر داد

شاعران جهان در جشنواره فجر

دبیر دومین جشنواره شعر فجر با تشریح برنامه‌های این جایزه از قطعی بودن برگزاری آن به صورت رقابتی و در سطح بین‌المللی خبر داد.

محمود اکرامی فر با اشاره به مراحل برگزاری این جشنواره، افزود: امسال جشنواره در دو، سه مرحله برگزار می‌شود؛ اول مرحله استانی است که متولی اصلی برگزاری مراسم‌های آن ادارات کل ارشاد در سراسر کشور هستند. در این مرحله و از هر استان ۶ نفر در ۶ رشته برگزیده می‌شوند و از میان آنها یک نفر به مرحله کشوری راه می‌یابد.

کتابخانه

شنبه ۱ دی ۱۳۸۶
۱۱ ذی‌الحجه ۱۴۲۸، ۲۲ دسامبر ۲۰۰۷
شماره ۱۱۲، پیاپی ۷۶۳
صفحه ۲۰۰، تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
سردبیر: پدram پاک‌آیین
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۱۰، طبقه چهارم
تلفن: ۰۵-۶۶۹۶۶۱۵۱
سازمان آگهی‌ها: ۰۵-۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: ایرانچاپ

www.ketabehafteh.ir

قدردانی از ۲۲ مؤلف
دانشگاهی

همزمان با برگزاری جشنواره پژوهش در دانشگاه تهران، از ۲۲ مؤلف دانشگاهی تقدیر به عمل آمد. این جشنواره از سال ۱۳۶۸ تاکنون، هر سال همزمان با هفته پژوهش برگزار می‌شود. مراسم شانزدهمین دوره جشنواره پژوهش، ۲۶ آذرماه با حضور رئیس دانشگاه و معاون پژوهشی، مدیران و کارشناسان این دانشگاه در تالار علامه امینی دانشگاه تهران برگزار شد. در این مراسم از برگزیدگان کتاب‌های سال دانشگاه‌ها، پژوهشگران و دارندگان طرح‌های برجسته و نمونه تجلیل شد.

ع

WWW.GAJ.IR
Tel: 6419 [100 Lines] SMS: 1000 125

فیزیک پایه - فیزیک پیش دانشگاهی

میکرو
طبقه‌بندی

گاج

ناشر کتاب‌های آموزشی با طرح‌های متفاوت

کتابی را فرض کنید که کسی از عربی یا انگلیسی، به فارسی ترجمه کند، در حالی که خود این شخص حتی بر زبان اصلی آن کتاب تسلط ندارد. حالاً نداشتن تسلط بر زبان فارسی هم بلا و گرفتاری دیگر ماست! اولین شرط انتقال مطلبی از یک زبان به زبانی دیگر این است که انسان بر هر دو زبان تسلط داشته باشد... لذا چقدر اشتباهات فاحش در این زمینه به وجود می آید و چه افرادی گمراه می شوند و بازار و محیط کتاب، چه حالت عوام زدگی پیدا می کند و تابع هوچیگری ها می شود.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار برگزیدگان مراسم کتاب سال ۷۲/۱۰/۷

گلایه دکتر پرویز از کتاب هفته

دکتر محسن پرویز معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با ارسال نامه ای به سردبیر کتاب هفته، از نحوه چاپ و تعبیر به کار رفته در مصاحبه خود، گلایه کرد.

دکتر پرویز در آغاز این نامه، خطاب به پدram پاک آیین- سردبیر کتاب هفته- آورده است: ضمن تشکر از زحمات جنابعالی و همکاران کتاب هفته، لازم دیدم دونکنه اساسی را در مورد گفت و گوی چاپ شده در صفحه ۶ شماره ۱۱۱ (۱۳۸۶ آذرماه) یاد آور شوم. در مقدمه مطلب، تعریف و تمجیدی از اینجانب شده که به هیچ روی برای اینجانب پذیرفتنی نیست. موكدا، از تعریف و تمجیدهای اینچنینی در نشریه کتاب هفته پرهیز شود.

در ادامه این نامه آمده است: به هیچ وجه شایسته نمی دانم در نشریه ای که با حمایت معاونت فرهنگی به چاپ می رسد، چنین امری مشاهده شود.

معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در این نامه یادآور شده: اگر چه از آن نوشته بوی چاپلوسی به مشام نمی رسد ولی شایسته تر آن است که اگر کار مثبتی انجام می شود، دیگران به نقل آن پردازند تا مجموعه های همکار.

در ادامه این نامه آمده است: دوم آن که پیش از این نیز درخواست شده بود، عزیزان در انتخاب تیتراصلی و تصاویر دقت کافی کنند تا در هر شماره، مهمترین رخداد فرهنگی در صفحه اول بنشیند و تا آنجا که ممکن است، از چاپ تصویر حقیر (آن هم در ابعاد بزرگ) بپرهیزید.

دکتر پرویز در خاتمه نامه آورده است: امید است در سایه توکل به حضرت حق- جل و علا- در انجام وظایف خود موفق باشیم.

گفت و گوی اختصاصی کتاب هفته با معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، با عنوان منزلت نویسنده، نشر حرفه ای و ارتقای فرهنگ در شماره گذشته به چاپ رسیده بود.

همراه با اصلاح عبارتهای کتاب صورت گرفت عذرخواهی ناشر خارجی از تحریف نام خلیج فارس

اخیرا کتابی توسط انتشارات Mosby منتشر شد که در آن به جای واژه خلیج فارس از خلیج عربی استفاده شده بود. پس از پیگیری وزارت ارشاد؛ این انتشارات در ویرایش جدید عبارت مورد نظر را تغییر داده و آن را تبدیل به خلیج فارس کرده است. محمد رضا وصفی، مدیر کل مجامع؛ شکل ها و فعالیت های فرهنگی در این باره گفت: شرکت غزال جوان نماینده انتشارات Mosby در ایران است. این شرکت رسماً از اشتباه پیش آمده عذرخواهی کرده و در اولین فرصت به ویرایش این اشتباه اقدام کرد. وی ادامه داد: کتاب چاپ شده در حوزه علوم است که چندین بار از واژه خلیج عربی به جای خلیج فارس استفاده کرده بود که پس از پیگیری های این کلمه حذف شد و خلیج فارس در جایهای مورد نظر نوشته شد.

بخش کودک و نوجوان کتابخانه ملی تجویز می شود

کتاب های کودک جهان در راه ایران



توسعه فناوری های بیوتکنولوژی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در زمینه مخابرات را از جمله برنامه های آینده این سازمان برشمرد.

سیدرضا سجادی نیز در این مراسم با اشاره به سابقه تشکیل این دفتر، توسعه فناوری نانو را از جمله فعالیت های مهم توسعه ای کشور دانست و افزود: بر اساس مطالعات انجام شده، سهم این فناوری تا ۱۰ سال آینده در جهان به بیش از یک هزار میلیارد دلار خواهد رسید.

وی، تدوین سند ۱۰ ساله توسعه فناوری نانو را اقدام مهم ایران برای حصول سهمی ویژه از این بازار دانست و افزود: با چهار برنامه توسعه منابع انسانی، توسعه زیرساختها، ایجاد بنگاهها و ترویج و آشنا کردن مردم با این تکنولوژی، در حال توسعه این فناوری هستیم.

رئیس کتابخانه ملی ایران از جمع آوری برترین کتاب های کودک و نوجوان جهان در بخش تخصصی کودک و نوجوان کتابخانه ملی خبر داد و گفت: کتابخانه ملی آثار نویسندگان ایرانی کودک و نوجوان دیگر کشورها را نیز به ایران می آورد.

علی اکبر اشعری رئیس کتابخانه ملی ایران و مشاور رئیس جمهور با بیان این مطلب گفت: طرح تجهیز بخش کودک و نوجوان کتابخانه ملی آغاز شده و قرار است علاوه بر تمام کتاب های کودک و نوجوان نویسندگان داخلی، کتاب های نویسندگان بزرگ جهان نیز به این بخش اضافه شود.

مشاور فرهنگی رئیس جمهور هدف از جمع آوری کتاب های کودک و نوجوانان نویسندگان برتر جهان را ارتقای سطح آثار داخلی و کمک به محققان ادبیات کودک عنوان کرد.

وی همچنین از جمع آوری کتاب های کودکان و نوجوانان نویسندگان ایرانی مقیم خارج خبر داد و گفت: بخش کودک و نوجوان کتابخانه ملی آثار نویسندگان ایرانی دیگر کشورها را نیز به ایران می آورد.

به گفته اشعری این بخش تخصصی از کتابخانه ملی کشورمان به مرور زمان مجهزتر خواهد شد.

فناوری نانو در کتابخانه ملی

در عین حال براساس تفاهم نامه همکاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی و دفتر همکاریهای فناوری ریاست جمهوری، سیستم جمع آوری، پردازش و اطلاع رسانی اطلاعات فناوری نانو راه اندازی می شود.

این تفاهم نامه همکاری هفته گذشته در مراسمی در محل کتابخانه ملی، به امضای علی اکبر اشعری مشاور فرهنگی رئیس جمهور و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی و مهندس سیدرضا سجادی رئیس دفتر همکاری های فناوری ریاست جمهوری رسید.

در بخشهای داستان، شعر و فلسفه معرفی شدند

نامزدهای انتخاب کتاب سال



نامزدهای بیست و پنجمین دوره جایزه کتاب سال در بخش ادبیات داستانی، شعر و فلسفه (اسلامی و غرب) معرفی شدند.

در زمینه ادبیات داستانی: «سبب سرخ گرد غلطان» آذر معصومی، «زندگی مطابق خواسته تو پیش می رود» امیرحسین خورشیدفر، «وقت نیایش ماهی ها» مصطفی جمشیدی، «خط تیره، آیلین» ماه منیر کهباسی و «سالمرگی» اصغر الهی نامزد شده اند.

بخش شعر نیز با این نامزدها همراه است: «اقلیت» فاضل نظری، «سیماب های سیمین» م. مؤید، «در ملکوت سکوت» سیدحسن حسینی، «زنبورهای عسل دیابت گرفته اند» اکبر اسکیر و «من و خزان و تو» مفتون امینی.

اما در بخش فلسفه اسلامی، نامزدها به این شرح اعلام شده اند: «فلسفه اسلامی و یهودی به روایت ژیلسون» حسن فتحی، «رسائل الشجرة الهیة فی علوم الحقایق الربانیة» تصحیح نجفقلی حبیبی، «دردهای اساسی فلاسفه بزرگ» منوچهر شادان، «تراز اندیشه» لطف الله نبوی و «مار و روباه: مقدمه ای بر منطق» ترجمه فریبرز مجیدی.

در بخش فلسفه غرب هم «اخلاق در تفکر غرب» حمید شهریاری، «زمینه و زمانه پدیدارشناسی» سیاوش جمادی، «تسلائی فلسفه» ترجمه سایه میثمی، «تاریخ فلسفه قرن هفتم» ترجمه اسماعیل سعادت، «هستی در اندیشه فیلسوفان» ترجمه حمید طالب زاده، «نظریه های امروزی شناخت» ترجمه علی حقی، «مسائل اخلاقی» ترجمه علیرضا آل بویه، «هنر دوران مدرن: فلسفه هنر از کانت تا هایدگر» ترجمه ایرج قانونی، «زیباشناسی و ذهنیت از کانت تا نیچه» ترجمه فریبرز مجیدی و «مبانی اخلاق» ترجمه غلامحسین توکلی و علی عسگری یزدی، نامزد شده اند.

بیست و پنجمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران زیر نظر معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اجرای خانه کتاب برپا می شود. دبیر علمی این جایزه منوچهر اکبری است.

آموزش فهرست نگاری آثار اسلامی در لندن

بزرگ اسلامی ایران در نظر دارند به منظور حفظ این آثار، دوره فوق را با مشارکت یکدیگر در تهران برگزار کنند. کلاسهای عملی و نظری این دوره آموزشی از تاریخ ۲۸ آوریل تا ۱۶ می (۸ تا ۲۶ اردیبهشت ۸۷) در تهران برگزار می شود. علاقمندان می توانند با ارسال رزومه کاری خود به موسسه میراث اسلامی الفرقان تا تاریخ ۱۵ آوریل ثبت نام کنند.

ارزشمند اسلامی و قرار دادن آنها در دسترس محققان و مراکز آموزشی است.

از آنجا که اتفاقاتی مثل جنگ و حوادث طبیعی باعث از بین رفتن نسخ ارزشمندی در سرتاسر جهان شده است و از سوی دیگر همچنان نسخ ارزشمندی در کتابخانه های عمومی و شخصی نگهداری می شود، موسسه میراث اسلامی الفرقان و مرکز دایرة المعارف

موسسه الفرقان لندن، دوره آموزشی فهرست نگاری نسخه های خطی اسلامی را در مرکز دایرة المعارف اسلامی برگزار می کند.

این دوره ویژه کتابخانه های عمومی و مراکز آموزشی و همچنین کتابخانه های شخصی است که در آنها نسخ اسلامی نگهداری می شود. این آموزش شامل تمام شیوه های تخصصی برای حفظ میراث

جای خالی پایان نامه های ادبیات در بازار نشر

مظاهر مصفا که هفته گذشته در نشست نقد و بررسی کتاب موسیقی شعر حافظ اثر دره دادجو در سرای دایمی اهل قلم سخن می گفت، با انتقاد شدید از وضع تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشکده های ادبیات، از ناکارآمدی دوره های تحصیلی زبان و ادبیات فارسی انتقاد کرد.

مصفا که استاد راهنمای دکتر دره دادجو در تدوین پایان نامه تحصیلی دوره دکترایش با عنوان موسیقی شعر حافظ بوده است، در این نشست گفت: زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ها در حال انقراض است. وی با تاکید بر این که برنامه های تحصیلی این رشته بسیار ناکارآمدند، افزود: در مجموع چهار سال دوره تحصیلی لیسانس ادبیات فارسی، دانشجویان حداکثر با ۲۰۰ صفحه از متون ادب کهن فارسی آشنا می شوند.

مصفا ادامه داد: به باور من زبان فارسی در آستانه افول است و یکی از مهم ترین دلایل تخریب آن نیز، صدا و سیما است. برخی گویندگان برنامه های صدا و سیما امروز از کسانی هستند که زبان فارسی نمی دانند.

این استادبازنشسته دانشگاه تهران در بخش دیگری از سخنانش یادآور شد: دره دادجو استاد موسیقی است و انتخاب موضوع پایان نامه ایشان از دو جهت شایسته بود؛ نخست تبحر ایشان در موسیقی و سپس دانشی که از متون ادب فارسی در مقام معلم ادبیات داشتند.

مصفا خاطر نشان کرد: در بین بیش از ۵۰۰ پایان نامه دوره دکتری دانشجویانم که راهنمایی ایشان را در بیش از ۵۰ سال تدریس بر عهده داشته ام، به ندرت پایان نامه هایی به مرحله انتشار رسیدند. پایان نامه خانم دادجو از شایسته ترین کارهایی بود که در قالب



پایان نامه تحصیلی در مدت تدریس من به انجام رسید و سرانجام نیز منتشر شد.

وی با اشاره به این که شاگردش به خوبی از عهده این کار برآمده است، اضافه کرد: هم اکنون بیش از چند صد هزار پایان نامه دوره دکتری در زیرزمین های کتابخانه های دانشگاه های سراسر کشور با جلد زرکوب و نقره کوب خاک می خورند. اگر این پایان نامه ها به درد کسی می خورد، از بین این تعداد

زیاد موسسات انتشاراتی یک موسسه اقدام به انتشار آنها می کرد.

مصفا دلیل به وجود آمدن این شرایط را در بی دقتی استادان و دانشجویان در انتخاب موضوع پایان نامه دانست و گفت: این مسئله نشان می دهد کسانی که به انجام این کارها پرداخته اند، صلاحیت و شایستگی لازم را برای بر عهده گرفتن چنین باری نداشته اند.

انتشار هزار و ۲۷۵ عنوان کتاب در یک هفته

قدیانی با بهای ۱۷۵۰ ریال ارزان ترین کتاب این هفته بود.

در این هفته پرکارترین مترجم، بهروز بیضایی محمدآبادی با ۳۳ عنوان در صدر قرار داشت. انتشارات قدیانی نیز با ۶۰ عنوان کتاب پرکارترین ناشر بود.

بنا بر این گزارش ۱۱۹۳ عنوان (۹۴ درصد) از کتاب ها را ناشران تهرانی و ۸۲ عنوان (۶ درصد) از کتاب های منتشر شده در این هفته توسط ناشران شهرستانی به چاپ رسیده است.

(۱۷ درصد)، علوم طبیعی و ریاضیات با ۱۸۷ عنوان (۱۵ درصد)، علوم اجتماعی با ۱۷۲ عنوان (۱۳ درصد)، دین با ۱۵۲ عنوان (۱۲ درصد)، کلیات با ۹۷ عنوان (۸ درصد)، زبان با ۸۲ عنوان (۶ درصد)، فلسفه با ۴۷ عنوان (۴ درصد)، هنر با ۴۱ عنوان (۳ درصد) و تاریخ و جغرافیا با ۳۲ عنوان (۲ درصد) قرار گرفته اند.

از میان ۱۲۷۵ عنوان کتابی که در هفته گذشته منتشر شد، ۲۷۶ عنوان (۲۲ درصد) برای کودکان و نوجوانان و ۳۰۴ عنوان (۲۴ درصد) به کتاب کمک درسی و آموزشی اختصاص داشته است. کتاب آموزش روخوانی و روان خوانی قرآن کریم نور از انتشارات تلاوت در ۱۰۰ هزار نسخه منتشر شد که بیشترین شمارگان را داشت. کتاب سردار نامی، زندگی داریوش از نشر قصه پرداز نیز با بهای ۷۵۰ هزار ریال گران ترین و کتاب مکانیک، ماشین های ساده، انرژی از انتشارات

۱۲۷۵ عنوان کتاب از ۱۹ تا ۲۵ آذرماه در کشور منتشر شد.

بر اساس آمار موجود در بانک اطلاعات خانه کتاب این کتاب ها در شمارگان ۴ میلیون و ۲۱۹ هزار و ۴۳۸ جلد منتشر شده که شمارگان متوسط هر عنوان ۲۳۵۴ جلد می شود.

شایان ذکر است این ۱۲۷۵ عنوان در ۸۹۷ هزار و ۶۳۳ صفحه انتشار یافته و هر کتاب به طور متوسط در ۲۲۹ صفحه منتشر شده است.

بنا بر این گزارش در هفته ای که گذشت از میان ۱۲۷۵ عنوان کتابی که به چاپ رسیده، ۵۱۳ عنوان (۴۰ درصد) چاپ نخست و ۷۶۲ عنوان (۶۰ درصد) چاپ مجدد، ۹۶۱ عنوان (۷۵ درصد) تالیف و ۳۱۴ عنوان (۲۵ درصد) ترجمه بوده است.

در این هفته، بیشترین کتاب ها با ۲۵۵ عنوان (۲۰ درصد) در موضوع ادبیات منتشر شد و پس از آن به ترتیب موضوع های علوم عملی با ۲۱۰ عنوان

تدوین دایرةالمعارف اسلامی با ۵۰۰هزار منبع

معاون علمی پژوهشی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی از استفاده از ۵۰۰هزار مرجع برای نگارش دایرةالمعارف اسلامی خبر داد.

دکتر محمد صادق سجادی، معاون علمی پژوهشی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در همایش دایرةالمعارف نویسی دفتر تبلیغات اسلامی مشهد، با ارائه گزارشی از روند نگارش دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، افزود: وظیفه یک دایرةالمعارف تنها ارائه اطلاعات نیست، بلکه یک دایرةالمعارف باید به ارائه تحلیل های جدید، دیدگاه های نو و مثال های نوین بپردازد. وی خاطر نشان کرد: مشکل امروز ما تأمین منابع و مأخذ نیست، بلکه مهمترین مشکل، یافتن نویسندگان محقق و باتجربه است.

وی ادامه داد: در تهیه این دایرةالمعارف از پژوهشگران پاکستانی، مصری، عراقی و مسلمانان آمریکا و اروپا بهره گرفته شده و از این رو مؤسسه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به مرجعی برای بسیاری از مؤسسه های پژوهشی جهان تبدیل شده است.

وی در ادامه به بیان روند تولید مقالات این دایرةالمعارف پرداخت و در پایان به پرسش های شرکت کنندگان در این همایش پاسخ گفت.

یادداشت

نادر قدیانی *



مهم تر از ناشران

چیزی در حدود هشت ماه از بیستمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران گذشته است. شاید اکنون بهترین فرصت باشد که به نقد عملکرد مسئولان اجرایی و تصمیم گیران و برگزارکنندگان نمایشگاه گذشته بنشینیم تا برای آنچه پیش رو داریم بهترین ها را انتخاب کنیم.

نمایشگاه گذشته برای نخستین بار در محلی متفاوت از سال های پیشین و با تأدیر و تصمیمات و رویکردی جدید برگزار شد. این بار مصلاهی تهران میزبان این رویداد فرهنگی بود و برگزاری بزرگترین رخداد مربوط به کتاب در یک محل جدید، ویژگی ها، مزایا و کاستی های خود را به همراه داشت.

با یک نگاه کلی و با در نظر گرفتن این نکته که نمایشگاهی با عظمت نمایشگاه کتاب، برای نخستین بار در محلی متفاوت برگزار می شد و این اولین تجربه آن بود، باید گفت که تجربه ای موفق رقم زده شد و آنچه شاهد بودیم در شأن و در خور بود.

هرچند کاستی هایی نیز وجود داشت. اگر از نگاه یک ناشر به ماجرا نگاه کنیم، شاید به این نتیجه برسیم که محل پیشین برگزار نمایشگاه کتاب، برای ناشران مناسب تر بود، اما در مصلاهی تهران مردم برنده شدند.

هرچند اولین تجربه برگزاری این نمایشگاه در مصلا، کاستی هایی به همراه آورد و اندکی از آسایش ناشران کاست، اما به آسایش مراجعان افزود و مردم را راضی کرد و این امر، نکته ای بسیار بااهمیت است. اگر به آن چیزی که مردم می خواهند تن بدیم و آنچه را که اهالی کتاب علاقه دارند فراهم کنیم، در نهایت ناشر نیز سود خواهد برد.

کاستی هایی که برای ناشران وجود داشت عبارت بود از برخی ناهماهنگی ها، چادرها و محل های نامناسبی که در اختیار برخی از ناشران (از جمله ناشران کودک و نوجوان) قرار گرفته بود، مشکلات ناشی از قطع زودهنگام برق نمایشگاه، هوای گرم داخل شبستان و مشکلات جزئی دیگری چون عدم دسترسی به آب آشامیدنی و غیره.

تا جایی که من اطلاع دارم، در ماه های گذشته تمهیداتی اندیشیده و فعالیت هایی آغاز شده است تا نمایشگاه بعدی با کیفیت بالاتری برگزار شود. اما پیشنهاد اصلی من به عنوان مدیر یکی از انتشارات های کشور این است که در فرصت باقیمانده، شورایی از ناشران و برگزارکنندگان تشکیل شود تا با مشورت، به سمتی حرکت کنیم که کاستی ها کاهش یابد.

*مدیر انتشارات قدیانی

انتشارات نور دانش

قابل توجه اهل قلم
مؤلفین و مترجمین

چاپ نوشته های شما در اسرع وقت

با قیمت مناسب
از حرفچینی تا چاپ

آدرس: خیابان ۱۶ آذر، روبروی درب غربی
دانشگاه تهران پلاک ۲۴

سایت: www.noordanesh-pub.com
ایمیل: info@noordanesh-pub.com
تلفن: ۶۶۹۶۶۳۱۳ فکس: ۶۶۴۱۳۳۰۸

انواع زینک های
دو ورقی، جی تی او، چهار و نیم ورقی

Euro
Plate

نماینده انحصاری در ایران
POSITIVE OFFSET PLATE

مورد استفاده
در صنعت چاپ اروپا

با قابلیت ارائه ترام های پایین
ظهور ساده
تیراژ بالا

خیابان عبیرالسلام، کوچه رزاقی، پلاک ۶
تلفن: ۳۳۹۵۸۰۸۳ - ۳۳۹۵۶۶۲۴

قدردانی از ۲۲ مؤلف دانشگاهی

عملیات نوین تالیف دکتر احمد جعفر نژاد نیز از آثار برگزیده گروه ادبیات و علوم انسانی بود. در گروه فنی مهندسی نیز می توان به مهندسی تولید و فناوری ترجمه دکتر محمد کاظم بشارتی گیوی، تهویه و سرمایش طبیعی در ساختمان های سنتی ایران تالیف دکتر مهدی بهادری نژاد، دکتر محمود یعقوبی، مکانیک سیالات و هیدرولیک مهندسی تالیف دکتر هرمز پازوش، نمایش دوره صفوی تالیف دکتر یعقوب آژند، شرح جریان های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر تالیف دکتر سید محسن حبیبی و استاتیک کاربردی تالیف دکتر محمود گلابچی اشاره کرد.

همچنین در این جشنواره علاوه بر دانشگاه های ایران ناشران دیگری از جمله، سازمان مطالعه و تدوین انتشارات سمت، مرکز پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، حوزه علمیه قم، سازمان حفاظت و محیط زیست، انتشارات تیمورزاده، میراث مکتوب، فرهنگستان علوم اتریش، موسسه آموزش عالی حافظ شیراز و موسسه مطالعات زبان ها و فرهنگ های آسیا و آفریقا دانشگاه توکیو شرکت داشتند.

در این مراسم از ۳ پژوهشگر برجسته، ۵ پژوهشگر نمونه، ۱ پژوهشگر پیشکسوت، ۶ طرح پژوهشی بنیادی نمونه، ۳ طرح کاربردی نمونه، ۵ دانشجوی پژوهشگر نمونه مقطع دکتری، ۴ دانشجو پژوهشگر نمونه کارشناسی ارشد و ۵ پایان نامه تحصیلی نمونه نیز تقدیر شد.



چالش میان فارسی و عربی تالیف آذرتاش آذرنوش، سنجش دور حرارتی و کاربرد آن در علوم زمین تالیف دکتر سید کاظم علوی پناه، آشنایی با کتب رجالی شیعه تالیف محمد کاظم رحمان ستایش، فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک اینتایر تالیف دکتر حمید شهبازی، پژوهشی درباره مکتوبات تاریخی فارسی ایران و ماوراءالنهر تالیف دکتر منصور صفت گل و دکتر نوبوکی کندو، حقوق اساسی ایران تالیف دکتر عباسعلی عمید زنجانی، مدیریت تولید و

همچنین در گروه علوم محض، آشنایی با هیات های مثنای و کاربرد آنها ترجمه دکتر محمدصادق منتخب، و در گروه کشاورزی و منابع طبیعی کتاب های بوم شناسی گیاهی ترجمه دکتر داریوش مظاهری، دکتر محسن موحدی دهنوی، سید محمدرضا حاج سیدهادی و محمدتقی درزی و اطلس مناطق حفاظت شده ایران، تالیف علی اصغر درویش صفت رامی توان نام برد. تحسین و تقبیح تعالیمی تصحیح عارف احمد الزغول،

همزمان با برگزاری جشنواره پژوهش در دانشگاه تهران، از ۲۲ مؤلف دانشگاهی تقدیر به عمل آمد. این جشنواره از سال ۱۳۶۸ تاکنون، هر سال همزمان با هفته پژوهش برگزار می شود.

مراسم شانزدهمین دوره جشنواره پژوهش، ۲۶ آذرماه با حضور رئیس دانشگاه و معاون پژوهشی، مدیران و کارشناسان این دانشگاه در تالار علامه امینی دانشگاه تهران برگزار شد.

در این مراسم از برگزیدگان کتاب های سال دانشگاه ها، پژوهشگران و دارندگان طرح های برجسته و نمونه تجلیل شد.

در شانزدهمین دوره انتخاب کتاب برتر دانشگاهی، ۴۵۰ کتاب مورد بررسی قرار گرفت که شامل، ۲۳۱ عنوان تالیف، ۱۸۳ عنوان ترجمه و ۳۶ عنوان تصحیح بود که ۱۱۰، ۴۳، ۶۷، ۶۲ و ۱۶۸ عنوان به ترتیب به گروه پزشکی، علوم محض، فنی مهندسی، کشاورزی و منابع طبیعی و ادبیات و علوم انسانی اختصاص داشت. کتاب های برگزیده در شانزدهمین دوره کتاب

برتر دانشگاهی، از گروه علوم پزشکی شامل، جراحی پلاستیک صورت ترجمه دکتر محسن تراقی، تشخیص بیماری های دهان ترجمه دکتر آرش عزیزی، فارماسیوتیکس ترجمه دکتر هادی افراسیابی گرکانی، دکتر محسن تفقیدی، دکتر سید ابوالقاسم سجادی، دکتر فاطمه صادقی و دکتر بی بی صدیقه فضلی بزاز، اصول جراحی و ووشبری دامپزشکی تالیف دکتر جلال بختیاری و دکتر داود شریفی، آلودگی هوا تالیف دکتر منصور غیاث الدین است.

تا پایان سال صورت می گیرد

نشر ۱۵۰ کتاب تازه توسط آستان قدس

حوزه و سپس دانشجویان دانشگاه ها و علاقه مندان به عرصه دینی اسلامی و نیز محققان و متخصصان رشته های علوم انسانی اند.

الهی خراسانی به تالیف دایرة المعارف بزرگ قرآنی در این مرکز اشاره کرد و گفت: کتاب المعجم فی فقه اللغة القرآن و سره البلاغه در ۱۲ جلد طی ۲۳ سال گذشته و با تلاش ۲۰ پژوهشگر و متخصص به چاپ رسیده که بزرگ ترین دایره المعارف قرآنی به زبان عربی است و در جهان اسلام مشابه ندارد.

وی افزود: کتاب مذکور، تالیفی مؤثر برای تقریب مذاهب به شمار می رود و پیش بینی می شود تالیف آن ۳۰ جلد دیگر ادامه یابد که هر جلد ۹۰۰ صفحه خواهد داشت و مورد استفاده قرآن شناسان و قرآن پژوهان قرار خواهد گرفت.

رئیس بنیاد پژوهش های آستان قدس به دیگر تالیفات مهم در چند سال اخیر در این مرکز اشاره کرد و گفت: تفسیر روض الجنان اثر ابوالفتح رازی طی توافقی با انتشارات سمت بیش از ۱۵ جلد نیز به سفارش این سازمان تالیف کرده ایم.

ترجمه تفسیر هدایت در ۱۸ جلد، تفسیر بنایی در ۴ جلد و تفسیر جوامع الجامع در ۶ جلد از دیگر تالیفات بنیاد پژوهش های اسلامی است.

وی با اشاره به این که در سال جاری چاپ ۱۵۰ جلد کتاب در این مرکز پیش بینی می شود، افزود: در سال گذشته ۱۴۶ جلد کتاب در ۵۹۸ هزار و ۵۰۰ نسخه و ۳۳ هزار و ۷۹۳ صفحه چاپ شد و در سال جاری تاکنون ۱۱۴ جلد و در ۳۱۰ هزار و ۵۰۰ نسخه و ۳۱ هزار و ۳۰۸ صفحه به چاپ رسیده که متوسط هر جلد ۲۷۵ صفحه است.

الهی خراسانی به چاپ ۲۷۰ جلد کتاب در حوزه کودک و نوجوان اشاره کرد و گفت: طی توافق با انتشارات سمت، بیش از ۱۵ جلد نیز به سفارش این سازمان تالیف کرده ایم.

۱۸ هزار کتاب به کتابخانه مرکزی یاسوج رفت

در هشتمین نمایشگاه کتاب ناشران کهگیلویه و بویر احمد که از ۶ تا ۱۲ آذر برپا شد، بالغ بر ۶۷ میلیون تومان کتاب برای کتابخانه مرکزی استان خریداری شد و در قفسه های این کتابخانه قرار گرفت. این کتاب ها در تمام رده های سنی و در حوزه های مختلفی مانند کلیات، دین، فلسفه، علوم اجتماعی، علوم خاص، ادبیات، هنر، تاریخ، فنی و کتب مرجع بوده است.

تعداد این کتاب ها ۱۸ هزار و ۸۷ جلد بوده است که با تخفیف ۲۰ درصدی نمایشگاه خریداری و به کتابخانه مرکزی استان کهگیلویه و بویر احمد منتقل شدند.

کتابخانه مرکزی یاسوج خردادماه امسال و در ساختمانی به زیربنای ۴ هزار متر مربع در مرکز شهر یاسوج افتتاح شد. این کتابخانه دارای مخزنی به ظرفیت ۱۲۰ هزار جلد کتاب و بخش های کودکان، اینترنت، سالن اجتماعات، سالنهای مطالعه مجزا برای برادران و خواهران و فضاهای جنبی دیگر است. کتابخانه مرکزی یاسوج بعد از تبریز دومین کتابخانه مرکزی کشور به شمار می رود.

داوران جشن بزرگ داستان انقلاب

صورت مجموعه داستان چاپ می شود و حق الزحمه آنها به نویسندگان آثار ارسالی پرداخت خواهد شد. همچنین طی توافقی که حوزه هنری با معاونت فرهنگی وزارت ارشاد داشته، بیش از ۲۲ میلیون تومان جوایز نقدی به برگزیدگان جشن بزرگ داستان انقلاب اهدا می شود. بنابراین در بخش زمان و داستان بلند انقلاب به اثر برگزیده مبلغ ۸ میلیون تومان، اثر برتر مبلغ ۶ میلیون تومان و اثر تقدیری مبلغ ۴ میلیون تومان اختصاص یافته است. در بخش داستان کوتاه انقلاب نیز جایزه اثر برگزیده ۲ میلیون تومان، اثر برتر یک میلیون و پانصد هزار تومان و اثر تقدیری یک میلیون تومان خواهد بود.

نویسندگان می توانند آثار داستانی خود را با درون مایه انقلاب اسلامی تا نیمه اول دی ماه سال ۱۳۸۶ به دبیرخانه جشن بزرگ داستان واقع در تقاطع خیابان حافظ و سمیه، حوزه هنری، مرکز آفرینش های ادبی، کارگاه قصه و رمان (دبیرخانه جشن بزرگ داستان) و یا صندوق پستی ۱۵۸۱۵/۱۶۷۷ ارسال کنند.

محسن مؤمنی، احمد دهقان، حسین فتاحی، محمد حمزه زاده و مجید قیصری داورن نخستین جایزه جشن بزرگ داستان انقلاب را برعهده گرفتند. در این جایزه که به دبیری امیرحسین فردی برپا می شود، به بهترین آثار داستانی که با درونمایه انقلاب اسلامی نوشته شده باشند جوایز ویژه ای اهدا می شود.

حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی به منظور حمایت از ادبیات داستانی و نیز نویسندگان این عرصه، اقدام به برپایی مسابقه جشن بزرگ داستان کرده است. دبیرخانه جایزه در نظر دارد پس از معرفی برگزیدگان در بخش های مختلف، کتابی از بهترین داستان های ارسالی را با موضوع انقلاب اسلامی منتشر کند.

آثار برگزیده، برتر و تقدیری و نیز سایر آثار قابل چاپ در شاخه زمان و داستان بلند علاوه بر دریافت جوایز نقدی، پس از عقد قرارداد و پرداخت حق الزحمه به نویسندگان آنها، به صورت کتاب چاپ خواهد شد. داستان های کوتاه برگزیده، برتر و تقدیری نیز به همراه سایر داستان های کوتاه به

سرقتی کتاب فروشی واقع در کریم خان زند

(موقعیت بی نظیر)

۲۴ متر کف - ۲۴ متر بالکن

بین نشر چشمه و نشرنی

به قیمت رسیده آکازبون

(۲۰٪ پایین تر از قیمت کارشناسی)

۰۹۱۲ - ۴۵۹۵۲۲۲

شاعران جهان در جشنواره شعر فجر



دبیر دومین جشنواره شعر فجر با تشریح بر نامه های این جایزه از قطعی بودن برگزاری آن به صورت رقابتی و در سطح بین المللی خبر داد. محمود اکرامی فر با اشاره به مراحل برگزاری این جشنواره، افزود: امسال جشنواره در دو، سه مرحله برگزار می شود؛ اول مرحله استانی است که متولی اصلی برگزاری مراسم های آن ادارات کل ارشاد در سراسر کشور هستند. در این مرحله و از هر استان ۶ نفر در ۶ رشته شعرهای امام و انقلاب، شعرهای آئینی، شعرهای پایداری و انتفاضه، شعرهای اجتماعی، شعرهای کودک و نوجوان و شعرهای با موضوع آزاد برگزیده می شوند و از میان آنها یک نفر به مرحله کشوری معرفی می شود و در نهایت نیز حداکثر ۲۲ نفر به عنوان نفرات برگزیده اعلام می شوند.

بخش ویژه شعر جوان

دبیر جشنواره شعر فجر افزود: از بین ۶ نفر برگزیده هر استان، علاوه بر فرد برگزیده که به مرحله کشوری راه خواهد یافت، یک نفر نیز به عنوان جوانترین شاعر استان معرفی می شود و به این مرحله خواهد آمد و در بخش ویژه ای با عنوان بخش جوان از آنها تقدیر می شود. این بخش امسال به ابتکار علی معلم راه افتاد و ما ضمن تقدیر از این جوانان، یک کتاب شعرشان را در شمارگان بالا و با حق التألیفی قابل توجه چاپ می کنیم. اکرامی فر افزود: در واقع این کار بخشی از برنامه های بخش ویژه شعر جوان است که در این بخش ۶ شاعر جوان را بر اساس بازه سنی شان - و نه بر اساس آثار - انتخاب می کنیم و جایزه نخست را به آنها اهدا خواهیم کرد. به عبارت دیگر جوان گرایی یکی از ویژگی های جشنواره شعر فجر امسال خواهد بود.

کار داوری آثار هم شروع می شود.

جشنواره ای رقابتی و بین المللی

به گزارش مهر وی همچنین با بیان اینکه دومین جایزه شعر فجر امسال قطعاً بین المللی و رقابتی برگزار خواهد شد، افزود: اینکه ما برای جشنواره از خارج از کشور مهمان خواهیم داشت و جشنواره بین المللی برگزار می شود، قطعی است. مسئول بخش بین الملل جشنواره هم انتخاب شده و با کمک مسئولان وزارت ارشاد سرگرم انجام رایزنی برای این کار است اما هنوز نتایج این اقدامات مشخص نشده است. به همین خاطر نمی توان خیلی در این باره اظهار نظر قطعی کرد.

این شاعر اضافه کرد: ما امسال برای اینکه حقی از چهره های جدید ضایع نشود، آثار کسانی را که سال گذشته رتبه آورده و یا برگزیده شده اند، در جشنواره شرکت نمی دهیم تا نوبت به افراد دیگر برسد.

صابر امامی، رئیس کمیته علمی

اکرامی فر با بیان اینکه صابر امامی نیز به عنوان رئیس کمیته علمی دومین جشنواره شعر فجر انتخاب شده است، گفت: رئیس کمیته علمی با کمک شورای سیاستگذاری به زودی داوران جشنواره را مشخص و اسامی آنها را اعلام می کند. بعد از این اقدام هم ملاکهای داوری و نحوه انجام این کار مشخص و

بهارستان سخن با تصحیح آیتی



عبدالمحمد آیتی «نزّه المشتاق» شریف ادریسی را ترجمه می کند. «نزّه المشتاق» از متون کهن عربی درباره علم جغرافیاست که آیتی مشغول ترجمه آن از زبان عربی به فارسی است و از سوی بنیاد ایران شناسی منتشر خواهد شد.

همچنین «بهارستان سخن» درباره تاریخ ادبیات و شاعران هند و پاکستان به قلم شهنازخان با تصحیح آیتی و همکاری حکیمه دسترنجی، توسط انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در حال چاپ است.

شرح آیتی بر قصیده های سروش اصفهانی با عنوان «شمس المناقب» در

مدح پیامبر (ص)، حضرت علی (ع) و ائمه اطهار (ع) نیز توسط نشر کیوان منتشر می شود. همچنین از تجدید چاپ آثار آیتی ۸۱ ساله، به ترجمه او از «قرآن کریم» (چاپ یازدهم)، «تهج البلاغه» (چاپ هجدهم) و «صحیفه سجادیه» (چاپ نهم) می توان اشاره کرد.

زندگی مولانا سریال می شود

فیلم مستند پردیس پاریسی ساخته فرهاد فرشته حکمت چهارم دی ماه امسال از شبکه تلویزیونی ماهواره ای پرس تی وی پخش می شود. فرهاد فرشته حکمت در توضیح مطلب فوق افزود: آذرخش عشق با عنوان جدید پردیس پاریسی در مراحل پایانی فنی قرار دارد و ماه آتی از شبکه پرس تی وی پخش می شود. وی گفت: این مستند در قالب چهار قسمت ساخته شده که دو قسمت آن به تأثیرات مولانا در جهان امروز به ویژه جهان غرب می پردازد و قسمت های دیگر در ارتباط با مولانا و شمس است.

به گزارش ایبنا وی یاد آور شد: در بخشی از این فیلم، با استفاده از حضور نابازیگران، مولانا را معرفی می کنیم و در بخش اماکن واقعی نیز از قونیه، لارنده و دیگر نقاطی که مولانا در آنها اقامت داشته، تصاویری تهیه خواهیم کرد.

انتشار کتاب ماه کلیات

کتاب ماه کلیات به شماره های ۱۱۵ و ۱۱۷ رسید. این شماره که با ویژه نامه ای درباره کتابخانه های دیجیتال همراه است در ۱۱۲ صفحه منتشر شده است.

در سخن سردبیر این شماره آمده است: راه اندازی کتابخانه دیجیتال یکی از بحث هایی است که در چند سال گذشته در نشریات و خبرگزاری ها شاهد مطرح شدن آن و معرفی بعضی از این کتابخانه ها در سمینارها و نشست های مختلف بوده ایم و داشتن کتابخانه دیجیتال برای بعضی از مدیران مراکز پژوهشی و دانشگاهی به یک پز تبلیغاتی و نشان دهنده فعالیت های مثبت آنها تبدیل شده است.

کتاب ماه کلیات همچنین در این شماره دارای بخش هایی مانند گفت و گو، مقاله، نشست، نقد و بررسی کتاب های فارسی، معرفی کتاب های فارسی، نقد و بررسی کتاب های خارجی است.

فناوری «نانو» در کتاب ماه علوم و فنون

ششمین شماره کتاب ماه علوم و فنون در دوره جدید منتشر شد.

این نشریه که به صاحب امتیازی خانه کتاب و سردبیری شهریار غریب زاده منتشر می شود در شماره جدید خود صفحاتی را به بحث «نانو» اختصاص داده است.

در این بخش مطالبی چون: نانو تکنولوژی، آئینه تکنولوژی آفرینش، فناوری نانو مقدمه ای برای ایده های بزرگ، سمت و سوهای تحقیقات در نانو فناوری، نانو فناوری برای مبتدیان و به چاپ رسیده است. بخش هایی چون مقاله های تحلیلی، نقد و بررسی کتاب، گفت و گو، ترجمه کتاب و نقد نقد سایر مطالب کتاب ماه علوم و فنون را تشکیل می دهد.

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا از یک تا ۱۰۰

نمایه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا از شماره ۱ تا ۱۰۰ منتشر شد. این نمایه که عنوان کتاب ماه تاریخ و جغرافیا طی سال های ۷۶ تا ۸۶ را دربرمی گیرد به همراه لوح فشرده نرم افزاری عرضه شده است.

در ابتدای این مجله که به صاحب امتیازی خانه کتاب منتشر شده آمده است: همان گونه که خوانندگان مجله نیز می دانند، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا به لحاظ محتوایی از دو بخش اصلی تشکیل شده است. اول: بخش مقاله ها، شامل مقاله های نقد و بررسی و معرفی کتاب، اخبار، گزارش ها و معرفی نشریات و بخش دوم: فهرست و خلاصه کتاب های منتشر شده در آن ماه. فهرست حاضر و شماره پیش رونمایه مقاله های بخش نخست است و اطلاعات مربوط به بخش دوم به طور کامل در بانک اطلاعات خانه کتاب به نشانی ketab.ir موجود است.

مرکز نشر کتابهای کمک آموزشی
 دفتر: تهران - خیابان ولیعصر - مجتمع کیسپون - طبقه ۵
 تلفن: ۰۲۱-۸۵۰۰۰۰۰۰
 همراه: ۰۲۱-۸۵۰۰۰۰۰۰
 صندوق پستی: ۱۳۱-۱۳۱
 WWW.DEHSARA.COM
 Dehsara - Co

انتشارات
دهسرا
 چاپ سی و سوم



ادامه گفت و گو با دکتر محسن پرویز، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

قصه این روزها را خواهیم نوشت

نوعی معلمی است. در گذشته فکر می‌کردم که چرا می‌گویند معلمی شغل انبیاست. امروز گاهی فکر می‌کنم معلم‌ها تنها شاغلانی هستند که هر روز امتحان می‌شوند. شما هر روز با هر کلاسی که برگزار می‌کنید، در منظر شاگردانتان امتحان می‌شوید و آنها به شما نمره می‌دهند. این که آدم هر روز خودش را در معرض امتحان ببیند، برای خودش خوب است. البته ما معتقدیم که هر روز امتحان می‌شویم و اعمالمان اگر چه پنهان اما ثبت و ضبط می‌شود. منتها برای ما که دورترها را نمی‌بینیم، این که هر روز به شکل عملیاتی در مظان امتحان واقع شویم، مفید است.

معلمی شغل شریفی است و نان معلمی به دلیل زحمت آن، حلال‌ترین نان هاست. نوشتن هم البته از نوعی که ما می‌نویسیم، شکل حرفه‌ای ندارد. در ایران به ندرت کسانی را می‌شناسیم که از راه نویسندگی نان می‌خورند. حجم فعالیت من اعم از داستان و نقد از سال ۶۲ تا به حال شاید بیش از دو سه هزار صفحه نشود؛ در حالی که قاعدتاً این حجم را یک نویسنده حرفه‌ای - حتی اگر با سواست بنویسد - ظرف چهار یا پنج سال خواهد نوشت. کارهایی هم که ویرایش کرده‌ام، حدود چهل تایشان مرتبط با تحصیلاتم است و آنها که ادبی صرف است، حدود چهارده کتاب است که زیاد نیست.

بر خوردن با یک نویسنده یا ناشر در مطب یا تقاضای معاینه یک بیمار در دفتر معاونت فرهنگی؟
البته من اغلب در جمع‌های دوستانه و خانگی و خودمانی طبابت می‌کنم و مطب ندارم. زیاد اتفاق می‌افتد که آشنایان تقاضای معاینه و نسخه‌نویسی یا بررسی آزمایش‌ها را داشته باشند و این موضوع منحصر به محل کارم نیست. به هر حال از آنجا که جنبه گرگ‌گشایی و خدمت دارد، موضوع مبارکی است. حتی گاهی پیش آمده که کسی به من مراجعه کرده و درباره بیماری او تشخیصی داده‌ام که چون مرا به چهره دیگری می‌شناخته، چندان اطمینان نکرده‌است. البته بعد معلوم شده که پزشک متخصص خودش هم همان تشخیص و دارو را داده و این باعث شگفتی‌اش شده است.

آخرین بار که خیلی عصبانی شدید؟
قبلاً کمتر عصبانی می‌شدم، اما در کار اجرایی زیاد اتفاق می‌افتد. اخیراً که شنیدم یکی از کارمندانمان رشوه گرفته، خیلی عصبانی شدم، البته با او برخورد و او اخراج شد؛ اما هنوز تلخی شنیدن آن خبر را حس می‌کنم.

ارزشمندترین و گران‌ترین شیء خانه‌تان؟
ارزشمندترین‌ها، یادگارهایی از جبهه و کربلاست. گران‌ترین شیء هم که معمولاً متعلق به خانم هاست.

آخرین بار به چه کسی و به خاطر چه چیزی خیلی اصرار کردید؟
اهل اصرار کردن به آن معنا نیست. شاید معنای اصرار از نظر بنده و شما متفاوت باشد؛ اما آخرین بار چندی پیش بود که برای یکی از مدیران وزارتخانه - که در حال تغییر شغل است - توضیح دادم که منطقی است در معاونت فرهنگی بماند.

آخرین بار که گریه کردید؟
دیروز.
دلیلش؟
یکی از مشکلات اجتماعی مربوط به بعضی از



باشد. بعد هم که تحصیل طب را به پایان رساندم، به خاطر علاقه به علم و حفظ ارتباط با دانشگاه، در یکی از رشته‌های علوم پایه ادامه تحصیل دادم. البته علاقه اصلی من ژنتیک بود، شرایط اولیه گرفتن بورس و عزیمت من به خارج از کشور هم فراهم شد؛ اما بنا به دلایلی تصمیم گرفتم در داخل ادامه

کمی می‌شود که خورشید برآید؟

محسن پرویز
۱- نمی‌دانم چرا بعضی‌ها از باران گریزانند؛ نمی‌دانم چرا وقتی باران می‌آید، به سایه دیوارهای سرد آجری پناه می‌برند! چقدر لذتبخش است قدم زدن زیر باران؛ نه نم‌نم باران، قدم زدن زیر بارانی که گهگاه سیل آسا از آسمان می‌بارد! مثل بارانهایی که در مکه و در مسجد الحرام می‌بارد و ناخواسته اشک بر چشم می‌نشانند و ذهن را می‌برد به سوی رحمتی که نمی‌تواند نازل شود مگر در حضور آن غائب از نظر.

۲- نمی‌دانم آیا به غروب آفتاب، از بلندای کوه یا در هوایما و از اوج آسمان خیره شده‌اید؟ چقدر غروبها زیباست؛ سرخی زیبایی که همه مغرب را می‌پوشاند و آدم دوست دارد بنشیند و فقط به آن نگاه کند. و زیباتر آن که با اوج گرفتن هوایما، غروب به تاخیر می‌افتد. خورشیدی که در حال غروب است و آسمان مغرب را سرخ کرده، پایین می‌رود و تو بالا می‌روی و برای مدتی این بالا رفتن مانع از ناپدید شدن خورشید می‌شود و این بازی بالا رفتن از یک سو و پایین رفتن از سوی دیگر تا آنجا تداوم می‌یابد که بالاخره خورشید از نظر پنهان می‌شود و تو می‌مانی و آرزوی دیدار دوباره سرخی خورشید فردا؛ نه در هنگام غروب که زمان طلوع.

۳- تا مدت‌ها فکر می‌کردم چرا عصرهای جمعه این قدر دلگیر است و جرأت نمی‌کردم این راز دل را با کسی در میان بگذارم. می‌ترسیدم بخندند و بگویند: «مگر عصر جمعه با عصر دیگر روزها چه فرقی دارد؟»

ولی برای من - از آن زمان که به یاد دارم - فرق داشته است! تا آن که دل شکسته‌ای برابم راز گشود. گفت: «دقت کرده‌ای که عصر جمعه، هر چه به غروب نزدیک‌تر می‌شویم، دل‌تنگی بیشتر می‌شود؟» و من که می‌دیدم هم رأی و هم نظری یافته‌ام، با ذوق و شوق تایید کردم و تازه فهمیدم که در این دل‌تنگی تنها نیستم. ادامه داد: «و حسرت نیامدنش می‌ماند تا جمعه‌ای دیگر که چشم انتظار آمدن «او» باشیم.»

۴- به کنار دریا رفتن را دوست دارم. شاید بیشتر از تن به آب زدن - که چندان اهل آن نیستم - به خاطر تماشای خورشید. منظره طلوع آفتاب از کرانه‌های دریا زیباست؛ زیباتر از آن که به وصف آید و زیباتر از زیبایی منظره طلوع خورشید، آن است که می‌توان خورشید را با همه زیبایی‌هایش دید! چشم تاب نگاه به خورشید ندارد؛ اما هنگام طلوع می‌توان به دوردست‌ها - آنجا که خورشید از آب سر برمی‌آورد - خیره شد و زیبایی را به نظاره نشست.

آیا همین زیبایی، زیباتر و دل‌نشین‌تر از هر زیبایی نیست؟

۵- تشنه‌ام؛ آب می‌جویم، آب! تشنه‌ایم؛ آب می‌جویم، آب! کی می‌شود که جرعه‌ای آب بنوشیم، از دست ساقی؟ سرما جانم را آزرده است؛ گرما می‌جویم، گرما! سرما جانمان را آزرده است؛ گرما می‌جویم، گرما؛ گرمای خورشید! کی می‌شود که خورشید برآید؟

قم - آبان ماه ۸۶

اولین کتابی که خواندید؟

خیلی سؤال سختی است. ما دیگر پیر شده‌ایم. یادم نیست، ولی در سال‌های قبل از انقلاب، از بین آثاری که مطرح بودند، کتاب‌های آقای حکیمی را می‌توانم نام ببرم و صمد بهرنگی را که حجمی کمتر و فضایی خاص داشت. کارهای آقای نادر ابراهیمی هم آن موقع در دسترس بود. در سنین بالاتر و از دهه ۵۰ به این طرف، در یک مقطع زمانی، از کارهای مرحوم دکتر شریعتی و جلال‌الاحمد بیش از سایر کارها استقبال می‌شد و همسین و سال‌های من این طور کارها را معمولاً مطالعه می‌کردند. من هم تقریباً همه‌شان را مطالعه کرده‌ام.

بهترین اسباب بازی دوران کودکی؟

در دوران کودکی ما اسباب بازی زیاد نبود. ماشین بازی می‌کردیم.

اولین نویسنده‌ای که ملاقات کردید؟

قبل از انقلاب و در دوران کودکی و نوجوانی، هیچ‌کس. بعد که وارد عرصه داستان‌نویسی شدم، همسین رفقایی که امروز با آنها آشنایی دارید، آقای فردی، آقای سرشار و آقای آقاغفار؛ البته تقدم و تأخر این دیدارها را به یاد ندارم.

چه شد که هم نویسنده شدید، هم پزشک و هم

تدریس در دانشگاه را برگزیدید؟

در دوره نوجوانی مایعنی دوران رژیم شاهنشاهی، زمینه چاپ و نشر آثار برای نوجوانان فراهم نبود. نشریات کودکان منحصر بود به کیهان بچه‌ها، اطلاعات دختران و پسران و نشریه دیگری که در قم چاپ می‌شد و صفحاتی برای این گروه سنی داشت. طبیعتاً اگر کسی هم استعدادی داشت، امکان کشف آن چندان فراهم نبود و محدود می‌شد به خواندن داستان سر کلاس یا در جمع خانواده. من هم البته خیلی راغب نبودم که مسئله نوشتن بین خانواده و اقوام مطرح شود و هر چه بود، منحصر به خواندن داستان سر کلاس بود. بعد از انقلاب، وقتی اولین داستان من به شکل حرفه‌ای - و نه در بخش آثار رسیده - در مجله نهال انقلاب چاپ شد، دیگر دوره نوجوانی را پشت سر گذاشته بودم و به یک پختگی نسبی در قیاس با آثار خودم رسیده بودم؛ یعنی زمانی که در ازای چاپ داستان، می‌توانستم دستمزد بگیرم. از آن به بعد داستان‌نویسی من تداوم پیدا کرد.

تحصیلات دانشگاهی هم البته در آن روز شرایط و حال و هوای خاصی داشت. دوران جنگ بود. من سال ۶۰ دیپلم گرفتم و سال ۶۴ وارد دانشگاه شدم. در این فاصله ۴ ساله کار می‌کردم، مدتی در جبهه بودم و در جبهه مسئولیتی داشتم. اساساً به خاطر آن احساس وظیفه‌ای که برای حضور در جبهه و فعالیت‌های اجتماعی داشتم، جایی برای تحصیل نمی‌دیدم. در آن شرایط احساسم این بود که اگر طب بخوانم، هم برای خودم مفید است و هم در آینده می‌توانم مفیدتر باشم. در زمان تحصیل می‌نوشتیم و ارتباط‌های فرهنگی‌ام را هم حفظ کردم؛ اتفاقاً اعتقاد این است که قصه‌نویس‌ها الزاماً نباید تحصیلات ادبی داشته باشند. تاریخ ادبیات ما و جهان نشان می‌دهد داستان‌نویسانی موفق‌ترند که وارد فضاهای نو که دیگران به آنها راه نیافته‌اند، شوند.

به همسین دلیل فکر نمی‌کنم نوع تحصیلات آکادمیک افراد، بر نوشتنشان تأثیر ویژه و حیاتی داشته

تکیه کلام همیشگی؟

معمولاً تغییر می کند، در حال حاضر «به گمانم».

تکیه کلام ثابتی ندارم.

بهترین خاطره ملاقات؟

ملاقات با شهید فلاحی و چندتای دیگر از دوستانم که همگی شهید شدند. شهید فلاحی دانشجوی دانشکده راهسازی و از دوستان همکلاسی و هم مدرسه ای من بود که ارتباطمان باهم تا سال های جوانی تداوم پیدا کرده بود. زندگی خانوادگی اش به گونه ای بود که خود ساخته بار آمده بود. تابستان ها با هم می رفتیم کوه و امامزاده داوود و شب های چهارشنبه، جمکران. نکته برجسته ای که در ذهنم مانده، این است که خیلی وقت ها با هم حرف نمی زدیم. از فرحزاد پیاده تا امامزاده داوود می رفتیم، ناهار می خوردیم و نماز می خواندیم و برمی گشتیم. طی هشت نه ساعت پیاده روی، بیشتر از هفت هشت جمله بین ما رد و بدل نمی شد؛ اما در این سکوت، حرف ها و نکات زیادی وجود داشت. دو سه تا از هم مدرسه ای های کم سن و سال تر هم بودند که همگی شهید شدند.

روش های ارزیابی یک فرد ناشناس در برخورد اولیه؟

فوت کوزه گری را به دیگران نمی گویند. گوش می کنم و عکس العمل هایش را می سنجم.

ممکن است روزی وقایع مربوط به حوزه مسئولیتتان را داستان کنید؟

وقتی پایه سن می گذاریم، خیلی از مسائل آن طور که در جوانی در ذهن حک می شود، به خاطر نمی ماند. اگر قرار باشد در میانسالی داستانی نوشته شود، قاعدتاً برگرفته از همین چیزهاست و آدم هایی که با آنها ارتباط داریم، البته باید وقایع را دستکاری کرد و سر و شکل داد.

آخرین احساس پشیمانی؟

کسی را بر سر کاری گذاشته بودیم که بعد پشیمان شدیم.

آخرین خوابی که دیدید؟

هفته پیش، خواب مرحوم پدرم را. خواب خوبی بود.

پنج کتاب برای جزیره تنهایی؟

قرآن و نهج البلاغه قطعی است. نمی دانم که مفاتیح الجنان و نهج الفصاحه را هم با خود ببرم؛ اما دیوان حافظ و تفاسیر قرآن، حتمی است. کتاب هایی را انتخاب می کنم که هر بار بخوانم، برایم نو باشند. در تنهایی به دعا هم البته حتماً نیاز است.

ضرب المثلی که خیلی از آن خوشتان می آید؟

ضرب المثل زیاد به کار می برم. ضرب المثل هایی که از گذرا بودن زندگی - چه خوشی ها و چه سختی هایش - حکایت دارند، با فضای ذهنی ام مانوس ترند. این نیز بگذرد.

بهترین نام برای پسر؟

پسر ندارم و اگر هم داشتیم، تقریباً مطمئنم که آن بهترین نام را نمی توانستم رویش بگذارم؛ چون نامگذاری فرزندان پنجاه پنجاه است! اما از اسم عبدالمجید خوشم می آید. اسمی پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) در درجه بعد در ذهنم قرار می گیرد؛ مگر مناسب خاصی داشته باشد. ما پابندیم به این که اگر فرزندی در روز ولادت یکی از ائمه به دنیا آمد، نام آن امام را رویش بگذاریم.

و بهترین نام دختر؟

نام دخترانم، ریحانه و عارفه.

تا به حال عاشق شده اید؟

اگر منظور تان عشق واقعی است، همه عاشق می شوند؛ اما از نوع عشق هایی که در رمان های بازاری مطرح می شود، نه.

چه لباس هایی را هیچ وقت نمی خرید؟

انتهای خط قرمز من لباس هایی است که نوشته های درشت و تبلیغاتی و با مفاهیم نادرست به زبان های

بیگانه دارند. نمی پوشم؛ حتی اگر مجبور باشم.

بدترین کتابی که خوانده اید؟

به خاطر کارم مجبورم کتاب های بدزبانی بخوانم؛ آن که بیش از همه عصبانی ام کرد کتابی است حاوی روایتی فوق العاده تحریف آمیز از زندگی پیامبر اکرم (ص) که قبل از انقلاب به چاپ رسید و در اواخر حکومت شاه زیاد مطرح شد. من البته بعد از انقلاب آن را خواندم و با عصبانیت زیاد.

شخصیت داستانی مورد علاقه؟

در نوجوانی، شخصیت های داستان بینوایان دغدغه ذهنی ام بودند؛ بعد از آن به شخصیت خاصی علاقه پیدا نکردم.

آخرین سطر از یادداشت های شخصی؟

چند سطر در مراسمی در یکی از جمعه های ماه گذشته و در حال و هوای امام زمان (عج): «کی می شود که خورشید بر آید؟»*

آخرین شیئی که آتش زدید؟

کبریت! خیلی با آتش زدن موافق نیستم.

خاطره تقلب در دوران مدرسه؟

باید خیلی فکر کنم تا جواب مثبت بدهم. تقلب معمولاً ناشی از نیاز است. در دوران کودکی که درسم خیلی خوب بود، بعد از انقلاب هم آن قدر خوب بود که با وجود فعالیت های اجتماعی و حضور کم رنگ در سر کلاس، امتحاناتم را راحت پشت سر می گذاشتم. اهل تقلب رساندن هم نبودم. تا به حال از دانشجویان تقلب گرفته اید؟

چند سالی است که برگزاری امتحانات به عهده بخش آموزش دانشگاه است، اما قبلاً چرا. دو تا از دانشجویان در جلسه امتحان رمزی بین خودشان گذاشته بودند. یکی از آنها دست هایش را بالا و پایین می برد و حرکاتی انجام می داد که جواب تست را به دیگری برساند. جای آن دانشجو را تغییر دادم و اسمش را نوشتم. نمره اش ۴ شد. اصلاً نخوانده بود.

بعد هم پیگیر شدیم که چه مشکلی داشته است. به هر حال دانشجویی ممکن است به دلیل بروز مشکلی در یک مقطع خاص نتواند درس بخواند؛ اما تقلب، حرفه و رویه بعضی هاست و این خطرناک است. این را هم بگویم که امتحانات دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا نوعاً تقلب کردنی نیست؛ چون باید جواب سؤال هایشان را از منابع مختلف مثل کتاب و اینترنت جمع آوری کنند و تقلب، موضوعاً منتفی است.

اخراج دانشجویان از کلاس؟

نه؛ زمینه اش پیش آمده، اما اخراج نکرده ام.

بیشترین مبلغ پولی که شمرده اید؟

پول که زیاد جابه جا نمی شود؛ روزگار، روزگار چک پول و چک رمز دار است. پول نقد؛ شاید هفتصد هشتصد هزار تومان.

زمنزه تنهایی ها؟

یک واژه خاص نیست.

آخرین بار از چه چیزی خیلی ترسیدید؟

بیماری صعب العلاج خودم؛ به علاوه احتمال بیماری سخت یکی دیگر از نزدیکان.

بازیگر مورد علاقه؟

با سینماگرها دعویمان می شود... بازیگر را باید با نوع بازی اش در فیلم سنجید. پرویز پرستویی در بید مجنون.

بهترین پایان بندی داستانی؟

ته نداشته باشد، بیشتر می پسندم.

بدترین بیماری؟

یأس و ناامیدی. واقعاً بیماری است.

راه درمان؟

ایمان و توکل به خداوند.

*پی نوشت:

بعد از پایان گفتگو از دکتر پرویز درخواست شد که یادداشت مورد اشاره را در اختیار کتاب هفته قرار دهند.

این یادداشت با عنوان «کی می شود که خورشید بر آید؟» در صفحه قبل آمده است.

کتابفروشی های تخصصی کودک؛ چرا و چگونه؟



یکی از سیاست های اصلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ۲ سال گذشته گسترش ویرتین های عرضه کتاب بوده است. سیاستی که با حمایت ناشران و فعالان حوزه کتاب مواجه شده است.

در این میان اما برخی گروه های سنی نیازمند توجه بیشتری هستند. به همین علت در ماه های گذشته از سوی انجمن ها و نهادهای مختلف کتابفروشی های ویژه کودکان و نوجوانان با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تاسیس شده اند.

این کتابفروشی ها که قرار است به شکلی نو به این گروه سنی کتاب ارائه کنند، قرار است توجه ویژه ای حتی به چینش کتاب های کودک و نوجوان داشته باشند.

تاسیس این کتابفروشی ها انگیزه ای شد

تا به سراغ چند ناشر کودک و نوجوان برویم و از آنها درباره ضرورت وجود ویرتین مجزای کتاب کودک و نوجوان سوال کنیم.

نادر قدیانی - مدیر انتشارات قدیانی در این باره می گوید: اساساً من به عنوان ناشری که چهار دهه در عرصه نشر کتاب های کودک و نوجوان فعال بوده ام، تصور می کنم با طیف حساس و لطیفی به نام کودک و نوجوان روبه رو هستیم. باید بگویم کمبود فروشگاه های کتاب کودک و نوجوان در تهران و شهرستان ها بستگی به عوامل مختلفی دارد. بر اساس آمار، در ایران نزدیک به ۱۵۰۰ کتابفروشی وجود دارد. نزدیک به شصت تای آنها در حیطه کودک و نوجوان فعالیت دارند که این تعداد برخاسته از متن نهاد آموزش و پرورشند.

قدیانی می افزاید: در عین حال نبود ویرتین های مناسب برای عرضه کتاب مشکل دیگری است. کتاب های کودک و نوجوان به واسطه تفاوتی که با کتاب های بزرگسال دارند باید در سطح چیده شوند تا بیشتر مورد توجه قرار گیرند. در واقع این کتاب ها با وجود این که ویرتین بیشتری طلب می کنند، اما طی این سال ها، از محل عرضه مناسبی برخوردار نبوده اند. همچنین حوزه ادبیات کودک و نوجوان ما برخلاف سایر کشورها از نبود دیدگاه ویژه و تخصصی رنج می برد. البته برخی اعتقاد دارند که تاسیس فروشگاه های کتاب کودک باید به عهده بخش خصوصی واگذار شود تا بتواند به شکوفایی برسد.

قدیانی این طور ادامه می دهد: «اما به هر حال نهادهایی چون امور تربیتی و آموزش و پرورش باید به این عرصه کمک کنند تا ویرتین های عرضه کتاب های کودک و نوجوان افزایش یابد. در واقع هم نهادهای دولتی و هم بخش خصوصی باید با مشارکت یکدیگر به این مقوله بپردازند. اخیراً شنیده ام کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران، طرحی را ارائه کرده است که بر اساس آن به کاربری ناشران توجه می شود. قطعاً با تصویب این طرح در شورای شهر تهران، می توان به افزایش کتابفروشی ها امیدوار بود. علاوه بر این، نگاه وزارت دارایی هم در این زمینه مشکل ساز شده است. به این معنی که در اواخر مجلس پنجم اعلام شد که ناشران و کتابفروشان از دادن مالیات معاف شده اند ولی وزارت دارایی به این مسئله توجه نکرد و فقط ناشران را معاف کرده است. در حالی که تصور می کنم اگر وزارت دارایی، کتابفروشان را هم از دادن مالیات معاف کند بهتر است.

کتاب کودک سودآور نیست

اما محمدرضا توکل صدیقی - مدیر انتشارات صابری در این باره عقیده دیگری دارد: تصور می کنم کمبود فروشگاه های کتاب کودک به این مسئله برمی گردد که امروزه عرضه کتاب کودک اساساً سودآور نیست. روی این اصل، کتاب های کودک و نوجوان باید جنبه های بصری و تصویری شان را ارتقا دهند. کتاب های کودک و نوجوان صرف نظر از تصویرگری خوب باید از شرایطی چون سرمایه گذاری کلان در عرضه کتاب و ویرتین فروش مناسب برخوردار شوند. به هر حال پانزده سال است که در عرصه ادبیات کودک و نوجوان حرف های زیادی از سوی ناشران گفته شده است که عملاً برآیندی نداشته است. شاید به این خاطر که فعالیت فرهنگی اساساً نیازمند یک سیاستگذاری خاص و بلندمدت است. علاوه بر آن کیفیت بعضی کتاب ها در این وادی آن طور که باید خوب نیست. بنابراین نمی توان انتظار زیادی داشت که حتی با گسترش ویرتین های عرضه کتاب به بهره برداری صدها درصدی از این حوزه برسیم.

ویژگی های عرضه کتاب کودک

منصور جام شیر - مدیر نشر نگارینه هم در این باره می گوید: برخلاف نظر دیگران ارائه کتاب های کودک و نوجوان باید با شیوه ارائه کتاب های بزرگسال متفاوت باشد. چینش امروز اغلب کتاب های بزرگسال به راحتی صورت می گیرد، اما کتاب های کودک در این میان به مکان مناسب تری برای عرضه نیاز دارند. گذشته از اینها، فروشنده و ناشر کتاب کودک با مخاطبی سروکار دارد که قدرت انتخاب هم ندارد. بنابراین باید در انتخاب قطع، کاغذ، نحوه ارائه و حتی قیمت گذاری کتاب های کودک، وسواس بیشتری به کار رود. اگر دقت کنیم می بینیم اغلب کتاب های کودک و نوجوان در همان چاپ های اول و دوم می مانند و تجدید چاپ نمی شوند.

به گفته این فعال حوزه نشر، در واقع عملاً بخش خصوصی که مشتمل بر فروشندگان و ناشران هستند عهده دار گرداندن فروشگاه های کتاب شده اند و با نهادهایی چون منادی تربیت و کانون پرورش فکری رقابت می کنند؛ رقابتی که حتی منجر به برگشت مالی هم نمی شود. در حالی که طی ده سال اخیر فنون تصویرسازی، چاپ و ارائه کتاب در این حوزه واقعاً متنوع شده است و نسبت به سابق تحول چشمگیری داشته است. حتی ناشران به نوآوری در زمینه های قطع، تصویرسازی و ملحقات کتاب روی آورده اند. کاری که بخش دولتی روی آن سرمایه گذاری نمی کند. بنابراین پیشنهادم این است که دولت به حمایت بیشتر از ناشران کودک بپردازد و تسهیلاتی هم برای گسترش فروشگاه های کتاب برای این گروه سنی فراهم سازد.



۶۱ درصد تجدید چاپ، ۳۹ درصد چاپ نخست

پیشخوان کتاب در انتظار میهمانان تازه



بر اساس اخباری که هفته گذشته منتشر شد به نظر می رسد آمار کتاب های تجدید چاپ شده به نسبت کتاب های چاپ اول روز به روز بیشتر می شود. در خبرها اعلام شده بود که از میان ۱۲۸۵ عنوان کتاب به چاپ رسیده، ۵۰۱ عنوان (۳۹ درصد) چاپ نخست و ۷۸۴ عنوان (۶۱ درصد) چاپ مجدد بوده است.

برای پی جویی دلیل پیشی گرفتن آمار تجدید چاپ بر چاپ اول - که ظاهراً نه فقط در این هفته خاص، بلکه در سایر هفته ها نیز کمابیش دیده می شود - نظرات چند تن از ناشران را جویا شده ایم. چرا تجدید چاپ بر چاپ اول پیشی گرفته است؟ شاید این پرسش به نوعی کلی به نظر بیاید اما ناشران دلایلی را برای آن برمی شمردند که ما را در یافتن ریشه ها یاری می کند.

علیرضا خدادوست مدیر انتشارات لوح فکر معتقد است که تجدید چاپ آثار قاعدتاً نباید بر اساس محاسبات غیراقتصادی صورت بگیرد. او می گوید: ناشر بدون نیاز بازار دست به تجدید چاپ آثار نمی زند. ناشر زمانی به تجدید چاپ یک اثر روی می آورد که چاپ آن در بازار تمام شده باشد و مخاطبان آن را تقاضا کنند. در چنین شرایطی، چون کتابی امتحان خود را پس داده و تمام نسخه های آن خریداری شده، طبیعی است که ناشر به تجدید چاپ روی می آورد، چون بازگشت سرمایه برای ناشر ضروری است.

او می گوید: «هیچ ناشری صرفاً به این دلیل که کاری برای چاپ اول در اختیار ندارد، به تجدید چاپ روی نمی آورد. زمانی که ناشر کتاب های مجوز گرفته ای را برای چاپ اول در اختیار داشته باشد، طبیعی است که گردش مالی را بر پایه چاپ اول بنا می نهد اما در زمانی که کتاب هایی برای چاپ اول نداشته باشد، نمی تواند گردش مالی کار خود را تعطیل کند. بنابراین طبق نیازهای بازار دست به تجدید چاپ می زند. یعنی اگر کالای نویی برای عرضه نداشته باشد، سرمایه را به سمت عرضه کالای قدیمی هدایت می کند.»

ناشران بزرگ در این میان چه می کنند؟ دکتر سید احمد حبیب نژاد معاون علمی و فرهنگی انتشارات امیرکبیر با ارائه آماری از کتاب های چاپ اول و تجدید چاپ این انتشارات می گوید: «رشد آمار تجدید چاپ - خصوصاً درباره ناشران تخصصی - به بازه های زمانی خاصی نظیر بازگشایی دانشگاه ها و مدارس بستگی دارد. مسلم است که در چنین زمان هایی با رشد عناوین تجدید چاپی مواجه می شویم و چاپ های اول را موقوف به ماه هایی می کنیم که نیاز بازار ما را به سوی تجدید چاپ هدایت نکنند. اما به طور کلی نمی توان فاصله زیادی را میان آمار کتاب های چاپ اول با کتاب های تجدید چاپی مشاهده کرد. انتشارات امیرکبیر در هفت ماهه نخست سال جاری در بخش بزرگسال ۳۱ درصد چاپ اول و ۳۶ درصد تجدید چاپ داشته است و در گروه کتاب های شکوفه هم با ۲۲ درصد تجدید چاپ و ۱۱ درصد چاپ اول مواجه بوده ایم که حداقل در بخش بزرگسال تفاوت چندانی را نشان نمی دهد. نادر قدیانی مدیر انتشارات قدیانی نیز که از ناشران فعال حوزه کودک و نوجوان است، می گوید: کتابی که فروش نرود تجدید چاپ نمی شود. بنابراین، این نیاز بازار است که تعیین می کند کتابی تجدید چاپ شود و نه هیچ ضرورت دیگری.» او ادامه می دهد: «اگر روز به روز آمار انتشارات

و اقتصادی است. چون اثر مجوز انتشار دارد و درباره کتاب های حوزه های عمومی نیازی به ویراست مجدد و تهیه فیلم و زینک جدید نیست. بنابراین تجدید چاپ آسان تر و ارزان تر از چاپ اول است. اما معاون علمی و فرهنگی انتشارات امیرکبیر می گوید: «حداقل در نشر ما این اتفاق نمی افتد. یعنی اهتمامی که برای چاپ اول وجود دارد، در تجدید چاپ هم مشاهده می شود. اکثر کتاب های ما در تجدید چاپ مجدداً حروفچینی می شود و فیلم و زینک از آن تهیه می شود. بنابراین عملاً همان پر و سه را پشت سر می گذاریم و نمی توان گفت دلیل گرایش به تجدید چاپ، فقط آسان تر بودن مراحل آن است. قدیانی نیز می گوید: «در حوزه های عمومی قطعاً مراحل تجدید چاپ آسان تر است ولی یک ناشر یا نویسنده حرفه ای هیچ وقت چیزی چاپ نمی کند و نمی نویسد که با یک بار چاپ بایگانی شود.»

جای خالی دهخدا و معین

مشکلات بسیاری بر سر راه مولفان وجود دارد که آنها را از روی آوردن به تالیفات تازه رویگردان می کند. یکی از این مسائل نبود زمینه تالیف حرفه ای در ایران است و کمتر کسی را می توان یافت که تنها از طریق نوشتن، معاش خود را تأمین کند و به دلیل مشکلات اقتصادی از کیفیت کار او کاسته نشود.

حبیب نژاد که به طور مستمر در انتشارات امیرکبیر در کار انتخاب و گزینش علمی آثار است می گوید: «یکی از بزرگترین مشکلاتی که سبب کاهش انتشار کتاب های چاپ اول، حداقل در حوزه کاری ناشران بزرگ یا تخصصی می شود، این است که در بحث تالیف کمتر فعالیت تازه ای انجام می شود و روحیه تحقیق و تتبع به مرور زمان از بین رفته است. آثار بزرگ و قوی در سال های پیش منتشر شده و خیلی کم امکان دارد که مثلاً در حوزه ادبیات زین کوب یا فروزانفر دیگری متولد شود. تجدید چاپی مادهدخدا

رسیدن به تجدید چاپ از اهداف اصلی یک ناشر است و تصور من این است که کتابی تجدید چاپ می شود که خوب انتخاب شده و شمارگان آن مناسب باشد و بعد از اتمام، به چاپ مجدد برسد اما این مسئله درباره ناشران تخصصی فرق می کند. می توانم به جرئت بگویم که اگر یک ناشر کمک آموزشی ۹۰ درصد گردش سرمایه خود را بر تجدید چاپ بنا نهاده باشد، این درصد درباره کتاب های چاپ اول یک ناشر تخصصی صدق می کند. ما به دلیل داشتن کتاب های دانشگاهی و علمی مخاطبان محدودی داریم و چون کتاب های ما علمی است، در فواصل کوتاهی با معدل حدود سه یا چهار سال یک بار باید کتاب های خود را تجدید چاپ کنیم. در مقوله علم، هر ساله کشفیات تازه ای اتفاق می افتد و باید چاپ های بعدی کتاب ها را به روز کرد. در نتیجه با تمام شدن چاپ اول یک کتاب، در زمان چاپ ویراست جدید دیگر فیلم و زینک چاپ قبلی به درد ما نمی خورد و باید از نو کتاب را چاپ کنیم، پس عنوان چاپ اول را به خود می گیرد. او ادامه می دهد: گاهی ویراست جدید یک کتاب، بسیار زودتر از این که چاپ اول آن تمام شود به بازار می آید و ما به ناچار به رقیب خود دمان تبدیل می شویم و با نادیده گرفتن نسخه های باقیمانده - که به زودی بلااستفاده می شود - دست به انتشار ویراست جدید می زنیم. بنابراین اگر موفق شویم کتابی را در مدت زمانی کوتاه و پیش از به بازار آمدن ویراست جدید آن، تجدید چاپ کنیم، مسلم است که آن کتاب بسیار موفق بوده است.»

تجدید چاپ، آسان تر از چاپ اول

به نظر می رسد که یکی از دلایل گرایش بیشتر به تجدید چاپ این باشد که مراحل انتشار یک کتاب تجدید چاپی به مراتب از یک کتاب چاپ اولی آسان تر است. خدادوست می گوید: «چاپ دوم یک کار عقلانی

کتاب های چاپ اول پایین بیاید اشکالی ندارد چون به اعتقاد من نشر واقعی زمانی نمایان می شود که یارانه کاغذ به طور کامل حذف شود که با اقدام وزارت ارشاد در قطع یارانه و با اتمام کاغذهای یارانه ای که از قبل در دست ناشران موجود بوده است، به زودی آثار آن را شاهد خواهیم بود و در این صورت ناشران واقعی نمایان می شوند و به کار خود در چاپ اول و تجدید چاپ آثاری که نیاز واقعی بازار است، ادامه خواهند داد و کسانی که فقط به خاطر گرفتن کاغذ یارانه ای کار می کردند، از صحنه حذف خواهند شد.»

به اعتقاد قدیانی اثرات قطع یارانه کاغذ را می توان به مرور از نیمه دوم سال جاری که در ماه سوم آن هستیم، مشاهده کرد و ممکن است در این حالت آمار انتشار پایین بیاید اما ناشران حرفه ای به زودی خود را پیدا خواهند کرد.

اوبامثبت ارزیابی کردن چاپ های مجدد می گوید: «تجدید چاپ یعنی این که جامعه کتاب را پذیرفته است که نیاز به چاپ مجدد آن احساس شده است و این مسئله، به هیچ عنوان منفی نیست.» صادق سمیعی مدیر انتشارات کتابسرا نیز معتقد است که پیشی گرفتن تجدید چاپ بر چاپ اول اصلاً اتفاق غریبی نیست. او می گوید: «کتابی که تجدید چاپ می شود، مسلماً موفق بوده، وگرنه هیچ ناشری سرمایه خود را برای کتابی که موفق نبوده و هنوز چاپ اول آن تمام نشده است، صرف نخواهد کرد. این اتفاق عجیب نیست و مسلماً در همه جای دنیا اتفاق می افتد.»

اما وضع درباره ناشران تخصصی فرق می کند و آمار تجدید چاپ آنها از نظر کمی با ناشران عمومی قابل مقایسه نیست. فرهاد تیمورزاده مدیر انتشارات تیمورزاده که ناشر تخصصی کتاب های پزشکی است درباره تجدید چاپ در میان ناشران عمومی می گوید:

یا فرهنگ معین است. چون دیگر کسی نمانده که وقت و عمر خود را بر سر تالیفاتی از این دست بگذارد.

او ادامه می دهد: اگر آثار خوب چاپ اولی وجود داشته باشد، هیچ ناشری خودش را از چاپ اول محروم نمی کند. ما برای هر سال یک جدول چاپ داریم که در آن تعیین شده است که چه میزان کتاب چاپ اول و چه میزان تجدید چاپ را می توانیم منتشر کنیم. اما اگر کتاب چاپ اول مناسبی در اختیار نداشته باشیم که نمی توانیم دستگاه چاپ را بخواهیم! نادر قدیانی به عنوان یک ناشر کودک و نوجوان می گوید: کم کاری مولفان را می توان به این مسئله نسبت داد که برای گذران زندگی ناچارند به شغل های دوم و سوم روی بیاورند، بنابراین کمتر به سراغ تالیف می روند. مسئله دیگری که در ترجمه و خصوصاً ترجمه آثار کودک و نوجوان با آن مواجهیم این است که بیشتر کتاب ها در حوزه های علمی، روانشناسی یا آموزشی در خارج از کشور چاپ می شود و ما کمتر مولفی داریم که در این حوزه های تخصصی کار کند، بنابراین گرایش به ترجمه بیشتر از تالیف در میان ناشران به وجود می آید و چاره ای جز روی آوردن به چاپ کتاب های ترجمه و تجدید چاپ آنها وجود ندارد.

مدیر انتشارات کتابسرا اما معتقد است که اعلام تقاضا به ناشران برای چاپ کتاب های چاپ اول تالیفی کم نشده، بلکه کیفیت پایین بسیاری از کارهای ارائه شده، سبب کم شدن چاپ اول کتاب های تالیفی شده است. او می گوید: این روزها مد شده است که همه تصور می کنند شاعر و نویسنده اند و با خواندن یکی دو کتاب به نوشتن روی می آورند و کم پیش می آید که کارها کیفیت بالایی داشته باشند. در حقیقت در سال های اخیر کتاب، حکم کارت ویزیت را پیدا کرده و هر کس که می خواهد در جایی استخدام شود یا به ملاقات مقامی برود، کتابش را هم زیر بغلش می زند و می برد.

سمیعی ادامه می دهد: در حال حاضر ۸ هزار ناشر در کشور داریم اما ناشران فعال بیش از ۳۰۰ نفر نیستند. من به عنوان ناشری که به کار خود اهمیت می دهد، نمی توانم هر کتابی را چاپ کنم. حتی اگر کسی بخواهد هزینه انتشار را خودش بپردازد، من هر اثر بی کیفیتی را چاپ نخواهم کرد. این مسئله درباره بسیاری از همکاران حرفه ای من هم صدق می کند، به همین دلیل آمار تجدید چاپ آثاری که قبلاً امتحان خود را در حوزه نشر پس داده، بالا می رود.

تیمورزاده اما از زاویه ای دیگر به موضوع نشر حرفه ای نگاه می کند: اگر ناشر تفکر حرفه ای داشته باشد - نه فقط از نگاه اقتصادی - باید فکر کند که وجود من برای چیست. این ناشر رسالت دارد که آثار ترجمه و تالیف را به صورت مکتوب به جامعه عرضه کند. اما اگر قرار باشد فقط به چاپ آثاری بپردازد که از فروش آنها مطمئن است، تکلیف آثار نوقلمان چه می شود؟ اگر ناشر در کنار حرفه ای بودن به رسالت فرهنگی خود هم توجه داشته باشد، مسلماً بخشی از فعالیت خود را بر چاپ اول متمرکز می کند اما اساس ماجرا برمی گردد به این که در اکثر حوزه ها کسی که دست به تالیف بزند، کم پیدا می شود و وضع کتاب های چاپ اول در حوزه تالیف به مراتب بدتر از ترجمه است چون این کارها دلی است و شخص باید در قبال آن احساس مسئولیت داشته باشد. کار تالیف با بسیاری از کارهای دیگر اصلاً قابل مقایسه نیست و از نظر مالی سودی عاید مولف نمی کند. بنابراین به زحمتش نمی ارزد.

او ادامه می دهد: از سوی دیگر ما کمتر مولفی داریم که تحصیلات لازم را در زمینه مورد نگارش داشته باشد و به قدر کافی مطالعه داشته باشد. کسانی هم که علم لازم را دارند، کمتر حاضر می شوند دست به چنین کار سخت و وقت گیری بزنند. می توان گفت که عمق لازم برای پرداختن به تالیف در بیشتر حوزه ها مشاهده نمی شود. این کار عاشق خودش را می خواهد و اگر این عشق نباشد، آثار چاپ اول تالیفی روز به روز کمتر می شود و ناشران دست به تجدید چاپ آثار موفق خود خواهند زد.

ناشران به نمایشگاه بیست و یکم پیشنهاد کردند زیباسازی جشن کتاب



«البته ما انتظار داریم که برنامه ریزی مدون و مشخص برگزار کنندگان در این زمینه زودتر ارائه شود تا از هر گونه سردرگمی ناشران کاسته شود. این برنامه ریزی همچنین به دست اندرکاران و برگزار کنندگان نمایشگاه بین المللی کتاب تهران کمک می کند تا از اشتباهات احتمالی جلوگیری کنند و زیر فشار کاری کمتری قرار گیرند.» مدیر نشر ققنوس اعتقاد دارد که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بهتر است برنامه های خود را تا پایان دی ماه به ناشران ابلاغ کند تا ناشران هم فرصت همکاری و همفکری بیشتری داشته باشند و از سویی خود را برای برپایی بهتر این جشن بزرگ کتاب آماده کنند.

نمایشگاه کتاب بیستم از دیدگاه بسیاری از کارشناسان تحولی در برپایی نمایشگاه های کتاب تهران بود. یکی از مسائل و مشکلاتی که در دوره های قبلی این نمایشگاه وجود داشت، مسئله رفت و آمد بازدید کنندگان بود. بسیاری از علاقه مندان کتاب که خود را با زحمت به نمایشگاه می رسانند، اغلب در بازگشت گرفتار ترافیک خیابان های منتهی به مکان نمایشگاه می شدند، اما مصلاهی تهران بسیاری از این مسائل را مرتفع کرد. از سویی مترو رفت و آمد بسیاری از علاقه مندان را آسان کرد و از سویی دیگر، اتوبوس شرکت واحد علاقه مندان را با سهولت بیشتری جابه جا کردند.

در کنار حل مشکلات حمل و نقل که به احتمال فراوان و با توجه به تجربه های سال گذشته بهتر خواهد شد، مصلی به عنوان محل برپایی نمایشگاهی فرهنگی نیز محل تامل بسیار دارد. هر چند این مکان سال گذشته هنوز به طور کامل آماده بهره برداری نشده بود اما بسیاری از بازدید کنندگان فضای فرهنگی و معنوی آن را مورد توجه قرار دادند. در این میان بسیاری از ناشران خارجی معماری قابل توجه و تزئینات این مکان را ستودند و آن را یکی از اماکن مناسب برای نمایشگاه های فرهنگی از جمله کتاب عنوان کردند.

سعه صدر انتقادات را پذیرا باشند.» نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در طول سال های برگزاری، همواره مورد توجه اهالی کتاب بوده است، به طوری که می توان علاقه مندان بسیاری را مشاهده کرد که برای بازدید از آن، رنج سفر را به خود هموار می کنند و به تهران می آیند. از دیگر سو، نقش بین المللی نمایشگاه کتاب تهران نیز بر کسی پوشیده نیست، چنانچه مسئولان برگزاری این نمایشگاه در گفت و گوهای خود عنوان کرده اند و بسیاری از ناشران تمایل خود را برای امضای تفاهم نامه ای جهت حضور در این ضیافت بزرگ کتاب اعلام کرده اند. در این میان شاید آنچه توسط برخی از ناشران مطرح می شود حفظ و ارتقای زیبایی های محیطی نمایشگاه است تا چهره خوبی از نمایشگاه کتاب تهران در نظر بازدید کنندگان خارجی به نمایش گذاشته شود.

امیر حسین زادگان، مدیر نشر ققنوس ضمن بیان این نکته می گوید: «مسئله بهترین راه برپایی نمایشگاه کتاب امسال می تواند بهره گیری از همفکری ناشران باشد.» وی دلیل این امر را نوع برخورد مخاطبان عنوان می کند و می گوید: «اتحادیه ناشران و کتابفروشان کتاب تهران پس از برگزاری نمایشگاه سال گذشته نظرات خود را طی یک جمع بندی به اطلاع برگزار کنندگان رساند که این نظرات می تواند کمک بسیاری برای برپایی نمایشگاه امسال باشد.» مدیر نشر ققنوس می افزاید: «با این که برخی اعتقاد دارند نمایشگاه سال گذشته با موفقیت توأم نبوده اما بسیاری از ناشران و بازدید کنندگان از آن رضایت داشتند. اما به هر حال و از آن جایی که هیچ کاری را نمی توان بدون نقص انجام داد، انتقادهایی هم به نمایشگاه بیستم وارد بود که امیدوارم امسال مرتفع شود.»

به گفته حسین زادگان ناشران برای مشارکت در برگزاری نمایشگاه بیست و یکم کتاب تهران آمادگی کامل دارند و از هم اکنون خود را برای برپایی این نمایشگاه آماده می کنند. وی می افزاید:

آزاده صالحی: هر چند مدیریت و برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران برعهده معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است اما این معاونت برای برگزاری این جشن بزرگ کتاب، همواره خود را ملزم به مشورت با ناشران کشور می بیند و در تلاش است تا علاوه بر پاسخ به نیازهای این صنف، نیازهای مخاطبان را نیز از خاطر نبرد. با این همه با تلاش های فراوانی که در جهت برپایی هر چه باشکوه تر نمایشگاه بین المللی کتاب تهران صورت می گیرد، هنوز می توان نکات دیگری را برای برپایی بهتر این جشن بزرگ کتاب بیان داشت.

سیدجلال فهیم هاشمی، مدیر نشر روزبهان در ابتدا به برگزاری نمایشگاه کتاب تهران توسط معاونت فرهنگی و توجه این نهاد به نیازهای ناشران اشاره می کند و می گوید: «خوشبختانه سال گذشته و در جریان بیستمین دوره نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، نخست بنا بود که نمایشگاه به صورت دو تکه برگزار شود. اما معاونت فرهنگی وزارت ارشاد به خواسته ناشران پاسخ مثبت داد و موافقت کرد که این نمایشگاه به صورت یکپارچه برگزار شود. خوشبختانه نمایشگاه کار خود را با موفقیت به اتمام رساند و این میسر نبود مگر با همکاری ناشران و وزارت ارشاد.»

فهیم هاشمی سپس به آمادگی همیشگی ناشران برای کمک به برگزاری نمایشگاه کتاب تهران اشاره می کند و امکانات جنبی نمایشگاه کتاب می پردازد که سال گذشته و به دلیل اولین تجربه برگزاری آن در مصلی دچار اشکالاتی بود. مدیر نشر روزبهان می افزاید: «در فضای نمایشگاه امسال بهتر است به پاکیزگی محیط و هر آن چه که می تواند فضای نمایشگاه را زیبا کند توجه بیشتری مبذول شود.»

از طرفی مسئله تهویه مناسب در همه سالن ها به ویژه سالن کودک و نوجوان از جمله مسائلی است که توجه بیشتری می طلبد. وی خاطر نشان می کند: «ناشران این انتظار را از برگزار کنندگان نمایشگاه دارند که همچون سال های گذشته با



امیرحسین فردی از ضرورت توجه به ادبیات داستانی انقلاب می گوید

گلایه پس از ۳۰ سال

«اسماعیل» عنوان رمانی به قلم امیرحسین فردی است که به تازگی از سوی انتشارات سوره مهر چاپ و منتشر شده است. رمان «اسماعیل» داستان زندگی شخصیتی است به نام علی خالدار که قهوه‌خانه‌دار است اما کسی نمی‌داند از کجا آمده و گذشته او چه بوده است. فردی درباره رمان خود می‌گوید: «نسل من و تمام دوستانی که تجربه‌ای از انقلاب دارند و در آن دوران زندگی می‌کردند مدیون انقلاب هستند. ما حق نداریم آنچه دیده‌ایم و می‌بینیم در سینه خود پنهان کنیم که شاید روزی با فراغ بال بنویسیم. چراکه تضمینی برای بودن ما در فردا نیست، ما بدهکار این انقلاب و نسل‌های آینده‌ایم؛ جوان‌هایی که تشنه رمز و راز انقلاب و در پی شناخت فرآیند هستند. ما باید هر آنچه از دستمان برمی‌آید انجام دهیم». امیرحسین فردی قبل از نوشتن رمان «اسماعیل» آثاری چون «آشیانه در مه»، «سیاه چمن»، «یک دنیا پروانه»، «کوچک جنگلی» و... را در کارنامه‌اش داشت و هم‌اکنون نیز جلد دوم «اسماعیل» را در دست نوشتن دارد. امیرحسین فردی متولد ۱۳۳۸ از توابع شهرستان اردبیل است و به‌عنوان مدیر مسئول کیهان‌پچه‌ها در عرصه رسانه نیز حضوری فعال دارد. عضویت در شورای داستان‌کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، نیروی مقاومت بسیج و مدیریت کارگاه قصه و رمان حوزه هنری، عضو هیئت داوران کتاب سال ادبیات دفاع مقدس در بخش داستان و رمان کودک و نوجوان، از جمله فعالیت‌های فرهنگی وی محسوب می‌شود.



این موضوع احتیاج به بررسی و تحقیق دارد. این که نهادهای متعددی متولی ادبیات دفاع مقدس شده‌اند، چقدر در این زمینه تأثیر داشته است؟

ادبیاتی از این نوع حتماً باید مورد حمایت قرار گیرد، ادبیات دفاع مقدس نیاز مبرمی به این حمایت‌ها دارد. منتها این حمایت باید معقول و هوشمندانه باشد بدون این که برای نویسنده تحمیل یا دستوری تلقی شود.

درواقع ارتباط با شاعر و نویسنده، سلوک هوشمندانه‌ای می‌طلبد که نهادهای متولی باید این کار را بکنند. یعنی رفتاری حساس و حساب شده با نویسندگان لازم است، اگر مسئولان بخواهند این معضلات را به حال خود رها نکنند، شاید وضع از این هم که هست بدتر شود.

برخی نویسندگان ادعا می‌کنند که به دلیل خلق آثار انتقادی در حوزه دفاع مقدس مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند. به نظر شما این عده تا چه حد در ادعای خود صادقند؟

کسی این نویسندگان را از حلقه یاران انقلاب نرانده است. آنها خودشان حساب خود را از ما جدا کردند. من چنین اعتقادی ندارم که ما آنها را از خود دور کرده باشیم. وقتی خودشان با یک ملت هم‌آوا نیستند و همگامی ندارند و در بستر این انقلاب و در بازتاب حماسه‌آفرینی و ایثار هشت سال دفاع مقدس هم عقیده‌هم‌نظر نیستند، درواقع خودشان، خودشان را به حاشیه می‌برند. من این تلقی را ندارم که ما آنها را از خود رانده‌ایم. از این گذشته، مگر نویسنده را می‌شود، راند؟ نویسنده‌ای که اعتقاد و تعصبی بر یک مطلب و موضوع داشته

دفاع مقدس در بخش کودک و نوجوان بودید. به نظر شما آثار منتشرشده در بخش بزرگسالان راضی‌کننده نبود؟ آثاری که شما داوری کردید چه وضعی داشت؟

واقعیت این است که ادبیات دفاع مقدس در بخش کودک و نوجوان هم چندان رضایت‌بخش نبود. درواقع بیش از هشت. نه عنوان کتاب برای داوری نداشتیم. کارنامه یک سال تلاش نویسندگان و ناشران و دست‌اندرکاران هشت. نه عنوان کتاب در خوش‌بینانه‌ترین حالت در حد متوسط بودند که مورد ارزیابی قرار گرفتند.

فکر می‌کنید چقدر ضرورت دارد که سیاست‌ها و برنامه‌های اجراشده در این حوزه مورد بازنگری قرار گیرد یا آسیب‌شناسی شود؟

اگر واقعاً برنگردیم و عملکرد خودمان و متولیان فرهنگی را ارزیابی نکنیم، آسیب‌های بیشتری را شاهد خواهیم بود. ما الان داریم به بن‌بست می‌رسیم. برگزاری یازدهمین دوره کتاب سال دفاع مقدس با بضاعت موجود یک هشدار بود. زنگ خطر را برای مسئولان، متولیان فرهنگی و علاقه‌مندان ادبیات دفاع مقدس و دلسوزان نظام به صدا درآورد. الان ما در آثار مربوط به دفاع مقدس با این کمیت و کیفیت که آمارش داده شد، باید واقعاً نگران باشیم. باید برگردیم راه‌طی شده را بازنگری کنیم و آسیب‌شناسی کنیم که دلایل این رکود چیست؟ علت آثار تولیدشده با این حجم و در این حد چیست؟ جنگ با آن عظمت با آن عمق و وسعتش دستمایه بسیار بسیار خوبی برای نوشتن است. این که چنان نویسندگان رویکرد مناسبی به این حوزه ندارند و بسیاری از مسائل دیگر حول

صورت گرفت، آثاری نوشته و منتشر شد. کوشش‌هایی می‌شود و به نظر من اتفاقات خوبی هم در راه هست که آینده ادبیات دفاع مقدس را از آنچه هست، غنی‌تر و درخشان‌تر خواهد کرد.

اما در زمینه ادبیات انقلاب، آن واقعه عظیم که جنگ هم به خاطر آن شروع و بر ملت ما تحمیل شد، یعنی انقلاب، کار چندانی صورت نگرفت. درواقع ادبیات انقلاب به تأخیر افتاد. یعنی نوشتن درباره انقلاب، اولویت اول نویسندگان قرار نگرفت. عده‌ای از نویسندگان معتقدند باید سال‌ها از یک واقعه بزرگ مثل انقلاب و جنگ فاصله گرفت، تا غبارها فرو بنشیند، آن وقت راجع به آن واقعه نوشت. شما این نظریه را چگونه تبیین می‌کنید.

نمی‌دانم این نظریه چقدر درست است و چقدر با واقعیت‌ها همخوانی دارد. اما به هر حال اشکالی ندارد که نویسنده‌ای بخواهد از یک واقعه فاصله بگیرد و بعد راجع به آن بنویسد. ولی حالا سی سال از انقلاب گذشته، پس کو آن اثر شاخص و درخشان که وعده‌اش را می‌دادند؟ سی سال زمان درازی است و برای فاصله گرفتن از یک واقعه هم کافی است. فکر می‌کنم دیگر وقت آن رسیده باشد که اگر این دسته از نویسندگان اثری نوشته‌اند، منتشر کنند. گمان می‌کنم باید منتشر کنند تا به ماجرا دامن زده شود. نویسندگان باید اذهان مردم و نسل‌های آینده را متوجه این حادثه عظیم در تاریخ معاصر ایران بکنند. بالاخره در قرن حاضر انقلابی در این سرزمین شکل گرفته که خارج از سیطره دو بلوک قدرتمند شرق و غرب به پیروزی رسیده است.

آقای فردی شما یکی از داوران کتاب سال ادبیات

لطفاً کمی درباره رمان «اسماعیل» توضیح دهید. به عقیده من رمان «اسماعیل» معطوف به یک سری حوادث جزئی قبل از انقلاب است که می‌خواهد فضای فکری، حسی و عاطفی سال‌ها و ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی را در حدبضاعت و توان خود ترسیم کند. به همین منظور زندگی جوانی را روایت می‌کند که در برخورد با طیف‌های مختلف اجتماعی و سیاسی به نوعی خودآگاهی می‌رسد. او رفته رفته مرحله‌ای را پشت سر می‌گذارد تا به یک نوع تکامل فکری و معنوی دست پیدا کند و در ضمن عبور از این لایه‌ها دچار تنش‌های مختلف و چالش‌های گوناگون می‌شود و با یک سری حوادث عاطفی و انسانی خاصی روبه‌رو می‌شود که بن‌مایه‌های این اثر را تشکیل می‌دهند.

آیا ادبیات دفاع مقدس سبب شد که ادبیات انقلاب آن‌گونه که باید مورد توجه قرار نگیرد؟ آیا رمانی مانند «اسماعیل» نباید در دهه شصت نوشته می‌شد؟

یک گلایه بزرگ تاریخی در این وسط هست. آنهایی که می‌توانستند راجع به انقلاب بنویسند، نوشتند و آنهایی هم که می‌خواستند در این باره بنویسند، درگیر جنگی شدند که هشت سال طول کشید و این عده سرگرم این عرصه شدند. وقتی هم که از جبهه برگشتند با خودشان خاطرات و داستان حوادثی را آوردند که از ذهن و ضمیرشان کنار نمی‌رفت. قطعاً نوشتن از جنگ و ایثار، خون و خاطره، شهید و شهادت برای این گروه از نویسندگان در اولویت اول بود و حق هم همین بود که رویدادهای این عرصه را ثبت و ضبط کنند.

در هر حال در زمینه ادبیات دفاع مقدس کارهایی

باشد، کسی نمی تواند او را به انزوا بکشد. مثلاً احمد دهقان کتابی منتشر کرد که با نقدهای فراوانی روبه‌رو شد...

دهقان هشت سال در جبهه بود. دهقان الان هم دارد می نویسد. دهقان از دوستان من است، جزو بچه های مسجد جوادالائمه است. از دوستان «جوادالائمه» ای من است. یعنی این قدر به هم نزدیکیم. من شاید بیشتر از شما در جریان این امر باشم که بابت آن کتاب جقدر به او حمله کردند. اشکال هم ندارد. احمد باید بایستد و از نظرش و از داستانش دفاع بکند. به عنوان یک رزمنده، به عنوان یک بسیجی، به عنوان کسی که باید در مورد جنگ بنویسد، لازم بود از سلیقه ها و دیدگاه هایش دفاع بکند. این یک چیز عادی است. نباید از میدان دربرود.

شما چه مدت وقت صرف نوشتن رمان «اسماعیل» کرده‌اید و چند بار بازنویسی شد؟
دو بار بازنویسی شد. منتها برای آماده سازی جهت چاپ خیلی تعلل کردم. نمی شود گفت که من این همه مدت روی این رمان کار کردم. در واقع تعلل من طولانی بود. این هم برمی گردد به گرفتاری های خودم.

تحریر اول این رمان با آنچه چاپ شده است، جقدر تفاوت دارد؟
تفاوت تحریر اول با کتاب چاپ شده، در حوزه ساختار و محورهای اصلی نیست. در جزئیات تغییراتی صورت گرفته است، یعنی در پرداخت ها، در حوادث جزئی در جریان ویرایش نهایی تغییراتی دادم.

آیا برای نوشتن یک رمان از قبل برنامه ریزی می کنید؟ یعنی ابزارهای اولیه را تدارک می بینید؟ مثلاً برخی نویسندگان برای هر شخصیت پرونده جداگانه‌ای درست می کنند، مکان رویدادها را حتماً می بینند. پیرامون واقعه‌ای که می خواهند بنویسند، تحقیق می کنند و...

من به این صورت برنامه ریزی شده و با این دقتی که شما مطرح می کنید، نوشتن رمان را آغاز نمی کنم. اصلاً چنین پرونده‌هایی برای آثارم باز نمی کنم. شما در واقع از ایده آل ها حرف می زنید، از نویسندگی یا نویسندگانی صحبت می کنید که در یک فضای آرمانی، نویسندگی رابه عنوان یک حرفه دنبال می کنند. شاید در ایران نویسندگانی با این مشخصات خیلی کم پیدا شوند. با این مختصات حرفه‌ای کمتر اهل قلمی سراغ دارم که بنویسند. البته فراهم آمدن این لوازم بسیار مطلوب است.

راستی آقای فردی به تعداد مسئولیت‌هایی که پذیرفته‌اید، فکر می‌کردم. در واقع هفت مسئولیت اجرایی دارید غیر از نوشتن. آیا این کارهای اجرایی مانع نوشتن نمی شوند؟

واقعیت این است که من برای نوشتن خیلی اهمیت قائلم، یعنی اولویت همه مسئولیت‌های من و کارهای اجرایی، همین نوشتن است. بهترین وقت را به نوشتن اختصاص می دهم، سعی زیادی هم دارم که این وقت همیشه برای نوشتن محفوظ بماند. حتی اگر در آن ساعات هیچ چیزی ننویسم، صبح‌های خودم را اختصاص داده‌ام به نوشتن. از اول صبح تا اذان ظهر فقط به نوشتن می پردازم.

کارهای اجرایی مانع خلایق نمی شود؟
چرا قطعاً تاثیر می گذارد. ولی کارهای اجرایی من هم باز در جهت ادبیات است. بعضی وقت‌ها احساس می کنم، شاید مثل شخصیت یک داستان باید این کار را بکنم. شما نگاه کنید داستان مسجد جوادالائمه را. این ماجرا از سال ۴-۱۳۵۳ شروع می شود. بنده کار را رها نمی کنم تا سرانجام آن را در قالب جشنواره شهید غنی پور ارائه می دهم. بعضی از کارها، بعضی از چیزها را نمی شود رها کرد.

این کارهای اجرایی هم به نوعی تجربه‌ای می شود برای نوشتن.

قطعاً همین طور است. بالاخره هر کدام حوادث

تازه‌ای هستند. کارهایی که تا به حال انجام نشده‌اند. قبول بعضی از مسئولیت‌ها از سر ناگزیری است. احساس می کنم کاری است که روی زمین مانده و من باید آن را انجام دهم.

آثار شما جقدر مورد نقد و بررسی قرار گرفته است؟ با منتقدان آثار خود چه برخوردی دارید؟
یک اثر مانند یک کلام، یک حرف است. تا زمانی که گفته نشده باشد، متعلق به خودش است، ولی وقتی که زده شد، متعلق به جامعه است و جامعه حق دارد عکس‌العمل نشان بدهد. راجع به کتاب هم همین نظر را دارم تا زمانی که اثر را چاپ نکرده‌ام، مال خودم است. ولی وقتی چاپ شد و به جامعه عرضه شد، معنایش این است که دیگران را دعوت به اظهار نظر کرده‌ام. کسی که اثر مرا نقد می کند سپاسگزارش می شوم؛ ولو این که مطالبی بنویسد و نظراتی ارائه کند که من موافق آن نباشم.

الان مشغول نوشتن چه کتابی هستید؟
الان جلد دوم رمان «اسماعیل» را در دست نوشتن دارم و حدود یک سوم از کار هم پیش رفته است.

آیا رمان «اسماعیل» یک تریلوژی است؟
نه. اسماعیل یک رمان دو جلدی است که به رویدادهای دوران انقلاب می پردازد.

در این رمان به موضوع جنگ هم اشاره دارید؟
نه، من چنین چیزی را در نظر ندارم.

در نوشتن رمان «کوچک جنگلی» جقدر به مستندات تاریخی توجه داشتید؟

کتابی نبوده تا راجع به میرزا کوچک خان و جنبش جنگل نوشته شده باشد و من نخوانده باشم. برای این که علاقه و علقه من به این شخصیت ملی و انقلابی به سال‌های قبل از انقلاب برمی گردد. در آن زمان وقتی راجع به زندگی کوچک خان مطالعه کردم بسیار به او علاقه مند شدم و دوست داشتم چیزی برای این انسان بزرگ بنویسم. خداوند این توفیق را بعد از انقلاب نصیب من کرد که کتاب «کوچک جنگلی» را بنویسم. دامنه مطالعات من هم در این زمینه زیاد بود. البته منبع اصلی شناخت من از میرزا و جنبش جنگل کتاب «سردار جنگل» میرفخرایی بود که خود ایشان وزیر معارف میرزا بود و از نزدیکان میرزا محسوب می شد. در ایام انقلاب کتاب «سردار جنگل» چاپ شد که با استقبال خوبی هم روبه‌رو شد. اتفاقاً منبع بسیار موثقی هم به حساب می آمد.

آقای فردی، در حوزه ادبیات دفاع مقدس چه کرده‌اید؟

ادبیات دفاع مقدس چون خودش متولی دارد، یعنی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، من دیگر در این زمینه کار چندانی ندارم. دغدغه اصلی من ادبیات داستانی انقلاب است که از سال قبل کار را شروع کردم و الحمدلله دارد یک موجهی ایجاد می شود. می‌خواهم ادبیات انقلاب به یک سرانجامی برسد. اولاً می‌خواهم یک متولی معتبر پیدا شود که این جریان را حمایت بکند و با یک برنامه‌ریزی خوب و منسجم نگذاریم رویدادهای انقلاب به دست فراموشی سپرده شود.

کارهایی که در زمینه ادبیات انقلاب منتشر شده، جقدر مورد توجه شماست و جقدر با این آثار آشنا هستید؟

ما امیدواریم همه این آثار را جمع‌آوری بکنیم و به یک ارزیابی بنشینیم که چه تعداد آثار در این زمینه چاپ شده، چه مضمونی دارند، چه برخوردی با انقلاب دارند. از چه منظری این واقعه عظیم را دیده‌اند؟ یک ارزیابی منتقدانه از مجموعه کارهایی که منتشر شده به دست خواهیم داد. فعلاً هیچ یک از ما نمی‌دانیم تعداد آثاری که راجع به انقلاب نوشته شده چندتاست و همه چیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد!

چه برنامه‌هایی در این زمینه دارید؟
وقتی به یک ارزیابی مشخصی رسیدیم، با توجه به تجربه گذشته می‌توان آینده را پیش‌بینی کرد.

رونمایی چهار جلد کتاب آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان

قند پارسی در سرای اهل قلم

ساجده کریمی: نود و چهارمین نشست سرای اهل قلم که سه‌شنبه شب برگزار شد، به رونمایی چهار جلد کتاب آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان اختصاص داشت. در این جلسه علاوه بر دکتر صفار مقدم مولف این کتاب‌ها، دکتر عباسعلی وفایی، دکتر سیدمهدی مصطفوی و دکتر محسن خلیجی هم حضور داشتند.

عباسعلی وفایی به عنوان اولین سخنران جلسه، رسالت معلم‌ان را تنها آموزش زبان فارسی ندانست و انتقال محتوا و پیام معنوی زبان فارسی را از آن مهم‌تر دانست. او از سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به عنوان تنها متولی آموزش زبان فارسی در خارج از کشور یاد کرد که پیام اصلی این زبان را که انسان‌سازی است در جهان گسترش می‌دهد.

پس از سخنان کوتاه دکتر وفایی، دکتر مهدی مصطفوی مشاور رئیس‌جمهور و رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در مورد استقبال گسترده و بی‌سابقه از زبان فارسی در سطح جهان گفت: «اگر منحنی علاقه افراد ساکن در دیگر کشورها را از زبان فارسی رسم کنیم، این منحنی مطمئناً حالت صعودی به خود می‌گیرد.»

وی شیرینی زبان فارسی، غنای متون، زیبایی و متانت این زبان را از دلایل استقبال گسترده از آن دانست. گرایش به مسائل دینی و ارزش‌های اسلامی و به خصوص تشیع هم از دیگر دلایلی بود که مصطفوی برای استقبال از زبان فارسی در دنیا ذکر کرد.

وی در ادامه سخنانش همچنین گفت: «در میان استادان، دانشجویان و افراد عادی جوامع دیگر که به اسلام و تشیع گرایش پیدا کرده‌اند به کرات دیده شد که برای آشنایی بیشتر با این دین، زبان فارسی را یاد گرفتند و ترجیح دادند تا متون دینی را به فارسی بخوانند.» به همین دلیل وی وظیفه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی را بسیار سنگین‌تر از قبل دانست و به افرادی که در این سازمان به فعالیت مشغولند توصیه کرد از حداکثر امکانات و توانایی‌های خود استفاده کنند تا زمینه‌های گسترش زبان فارسی را در کشورهای دیگر به وجود آورند. به گفته مصطفوی تاکنون رازینی‌های مختلفی در دانشگاه‌های اکثر کشورهای صورت گرفته که تا به امروز خوشبختانه تعداد قابل توجهی از این دانشگاه‌ها همکاری با سازمان فرهنگ و ارتباطات را شروع کرده‌اند و در راستای همین همکاری‌ها اتاق‌هایی با عنوان «ایران» در دانشگاه‌های خارج از کشور گشایش یافت که علاقه‌مندان به فراگیری زبان فارسی می‌توانند بدون هیچ مشکلی منابع و کتب مورد نیاز خود را در این اتاق‌ها فراهم کنند.

به گفته رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از دیگر اقدامات انجام گرفته، رازینی‌هایی است میان ایران و دانشگاه‌های کشورهای دیگر تا اتاق «ایران» آن دانشگاه‌ها علاوه بر متون نظم و نثر قدیمی به کتاب‌های ادبیات معاصر ایران هم مجهز شوند که به همین منظور بخشی از بودجه سازمان به تهیه کتاب‌های ادبیات اختصاص یافت.

دکتر مهدی مصطفوی در این نشست همچنین به ترجمه متون فارسی نیز اشاره کرد. به گفته وی تا به امروز تعدادی از کتاب‌های مشهور از نویسندگان صاحب‌نام ایرانی به زبان‌های دیگر ترجمه شده‌اند که با استقبال بی‌سابقه‌ای همراه بوده است. به همین منظور شورای انقلاب فرهنگی مصوبه‌ای به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ابلاغ کرد که طبق آن، این سازمان موظف شد تشکیلاتی را برای ترجمه آثار فارسی در حوزه علوم انسانی و اسلامی به دیگر زبان‌ها فراهم کند که برنامه‌های مقدماتی آن انجام گرفته است.

ریاست سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی آموزش زبان فارسی از راه دور (الکترونیکی) را نیز از برنامه‌های در حال پیگیری در سازمان عنوان کرد.

وی ایران را از لحاظ استطاعت علمی در سطح بسیار بالایی دانست و گفت: «برای پیگیری این طرح نیروهای کارآمد و فعالی داریم که چه به لحاظ سخت‌افزاری و چه نرم‌افزاری می‌توانند یاری‌رسان ما باشند.»

دکتر محسن خلیجی، معاون پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی هم که چند دقیقه‌ای برای حاضران سخن گفت، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی را از لحاظ ساختار و سرمایه در سطح بسیار بالایی دانست و مرکز پژوهشی آن را از پیشرفته‌ترین و غنی‌ترین مراکز پژوهشی کشور دانست که ستاره‌های زبان‌شناسی کشور در آن گردآمده‌اند.

اما قبل از آن که دکتر صفار مقدم که این مراسم برای رونمایی کتاب‌های او برپا شده بود به سخنرانی بپردازد، عباسعلی وفایی رئیس مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی آماری از چگونگی استقبال از زبان فارسی برای حاضران خواند. طبق آماری که وی ارائه کرد در سال گذشته ۳۳۰ استاد و دانشجو برای آشنایی بیشتر با زبان فارسی به ایران آمده‌اند که در مقایسه با دو سال قبل که این تعداد به سختی به ۸۰ تن می‌رسید، رقم قابل توجهی بود. به گفته او تعداد افرادی هم که فقط از طریق رازینی‌های فرهنگی به فراگیری زبان فارسی مشغول شدند از مرز ۳۰۰ هزار نفر گذشت.

در پایان جلسه هم مولف کتاب «آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان» برای حاضران سخن گفت. صفار مقدم که کلامش را با بیانی تاریخی شروع کرد، راز پایداری و ماندگاری ایران در برابر مسائل و مشکلات فراوانی که در طول دوران زیست خود با آن مواجه بوده است را در دین، علم، زبان و ادبیات فارسی دانست و گفت: «پس طبیعی است که همه جهانیان به این زبان علاقه‌مند باشند.»

چهار کتابی هم که در این مراسم از آنها رونمایی شد به گفته صفار مقدم به شکلی تالیف شده‌اند تا زبان‌آموزان از همان ابتدا بتوانند خود به تنهایی از کتاب‌های آموزش زبان فارسی استفاده کنند.

به گفته این استاد دانشگاه مهارت‌های شنیدن، تکلم، خواندن و نوشتن، اختصار و تعادل، نظم و ترتیب، دقت و درستی، تنوع تمرینات، استناد به دیدگاه‌ها و خاورشناسان به همراه همه جنبه‌های فرهنگی و تمدنی ایران از مواردی است که برای تالیف این کتب مدنظر بوده است.

بنا بر اخبار رسیده چهار کتاب تمرین کار و یک جلد کتاب راهنما هم تالیف شده است که صفار مقدم ابراز امیدواری کرد به زودی در اختیار علاقه‌مندان زبان فارسی در خارج از کشور قرار گیرد. وی همچنین به لوح‌های فشرده‌ای اشاره کرد که به همراه این کتاب‌هاست و جهت تمرین شنیداری زبان‌آموزان تهیه شده‌است.

در پایان مراسم هم دکتر محسن خلیجی، معاون پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به پاس زحمات طولانی دکتر صفارمقدم در عرصه آموزش و گسترش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان لوح تقدیر و جوایزی را به او اهدا کرد.



عبدالله الماسی

«ریشه در اعماق»، «معمای مسیح»، «چترها»، «جشن گندم»، «مروارید ری»، «شش تن یک فریاد»، «کمیل»، «نیکوتر از طلا»، «عموجان عباس»، «سال‌های بنفش»، «اشکانه»، «غنچه بر قالی»، «عصر آن روز»، «تابه آفتاب»، «به ماه نگاه کن»، «دو دست چون دو بال»، «ماهی طلایی، ماهی نقره‌ای» و ... نوشته‌های ابراهیم حسن بیگی است. این نویسنده و منتقد ادبی در سال ۱۳۳۶ در گرگان متولد و پس از اخذ دیپلم در آموزش و پرورش استخدام شد. او در بحبوحه جنگ تحمیلی سفر به کردستان را تجربه کرد. او در این سفر سوژه‌های داستانی خوبی را کشف می‌کند و بعدها دستمایه داستان‌های کوتاه خود قرار می‌دهد. حسن بیگی در سال ۱۳۶۴ وارد دانشگاه شد و در رشته زبان و ادبیات فارسی تحصیل کرد و سپس کارشناسی بخش داستان‌های کوتاه خود قرار می‌دهد. جشنواره‌ها و مسابقات متعدد مورد ارزیابی قرار گرفت و موفق به کسب جایزه شد. کتاب «ریشه در اعماق» حسن بیگی طی سال‌های ۷۵، ۷۷، ۷۹ و ۸۱ به عنوان اثر برگزیده ۲۰ سال داستان‌نویسی انقلاب و دفاع مقدس انتخاب شد. او همچنین در جشنواره‌های متعددی از جمله جشنواره انتخاب کتاب سال دفاع مقدس به عنوان داور و سرداور بخش داستان و رمان حضور داشته است.

نگاه ابراهیم حسن بیگی به وضعیت ادبیات داستانی دفاع مقدس در سال گذشته و امسال

آینه‌های سنگر را صیقل دهیم

آفریده، قطعا ارزش این حماسه، ضرورت پایداری و حفظ آن متوجه نسل‌های بعدی نیز می‌شود و در واقع رسالت نسل‌های بعدی هم همین است.

تنها شاید از یک حیث تفاوت میان این دو نسل وجود داشته باشد. نسلی که در دفاع مقدس حضور داشت، نسلی بود که امام (ره) و انقلاب و حتی رژیم سفک پهلوی را درک کرد. اینها همه نشان می‌دهد که این نسل یک نسل ویژه است و در واقع یک پل ارتباطی میان تاریخ سیاه و استعمار زده کشور با تاریخی است که در آن انقلاب شده است. این نسل توفیق دیدن این دوران و کسب بینش آن را داشته است و سپس در آزمون عجیبی به نام دفاع قرار گرفت و در مقابل یک تهاجم خارجی هشت سال مقاومت کرد. قطعا این نسل نمی‌تواند نسلی در شرایط عادی تعریف شود، بلکه نسلی است که در بحران زاده شده، در بحران زیسته است و حتی بسیاری در آن دوران دنیا را ترک کرده‌اند و یادگار حماسه را برای ما برج گذاشته‌اند. ویژگی‌هایی که زمان برای آن نسل به وجود آورده، آن‌را به یک نسل بسیار برجسته و ماندگار در تاریخ تبدیل کرده است. از این نظر نسل امروز و نسل‌های آتی به لحاظ حماسه‌آفرینی هرگز به گرد آنها هم نخواهند رسید. مگر بخواهند رسالت نسل قبلی خود را به عهده گیرند و راه آنها را ادامه دهند.

بنابراین با توجه به خصوصیات هر یک از این دو نسل، وظیفه انتقال ارزش‌های دفاع مقدس به عهده کیست؟

یک مقدار بی تفاوتی در نسل امروز نسبت به حماسه‌های هشت سال دفاع مقدس دیده می‌شود، قطعا بر اثر بی‌اطلاعی است. من نسلی که جنگ را ندیده مقصر این بی‌تفاوتی نمی‌دانم. در واقع ما مقصر هستیم که این حماسه را به نسل جدید منتقل و به اندازه کافی اطلاع‌رسانی نکرده‌ایم. واقعا ما در مورد جنگ به فرزندمانان چه می‌گوییم.



و سه نویسنده‌ی در نظر بگیریم، قطعا این امکان وجود ندارد که برای نویسنده‌ای که کتابش در دهه یک نویسنده است داوری را انتخاب کنیم که نسبت به خود نویسنده در سطح بالاتری قرار داشته باشد. در واقع داوران جشنواره ترکیبی از منتقدان ادبی و نویسندگان هستند و با توجه به اطلاعات و تجربه‌ای که در نوشتن دارند، انتخاب می‌شوند. ممکن است داوری در نویسندگی به گرد پای بسیاری از نویسندگان ما هم نرسد، اما این دلیل نمی‌شود که به عنوان داور انتخاب نشود.

برخی می‌گویند که ارزش‌های معتبر برای نسل جدید و نسلی که دفاع مقدس را درک کرده است کاملا متفاوت است. نظر شما چیست؟

من تعارض و تفاوت چندانی نمی‌بینم. نسلی که دفاع مقدس را درک نکرده، در ادامه نسلی است که آن حماسه را آفریده است و اگر نسل قبلی حماسه‌ای

بودند. آیا آثار ارسالی به دبیرخانه جشنواره انتخاب کتاب سال دفاع مقدس قبل از داوری‌ها مورد بررسی محتوایی قرار نمی‌گیرند؟

قرار است این کار اجرایی شود. به نظر من اگر کتاب‌های حاضر در جشنواره از نظر محتوایی مورد بررسی قرار گیرند، بهتر است و اگر کتاب‌هایی به لحاظ محتوا مشکل دارند، لزومی ندارد که به عنوان نامزد معرفی شوند؛ چون وقت داوران را می‌گیرد و زمینه‌ساز بروز حاشیه‌ها می‌شود.

آیا نسبت سطح علمی و تجربه داوران جشنواره‌ها با صاحبان آثار تعادل و هماهنگی دارد؟ چون برخی به پایین بودن سطح علمی داوران جشنواره یازدهم دفاع مقدس نسبت به صاحبان آثار اشاره کرده بودند. نباید سطح داوران را با سطح علمی نویسندگان مقایسه کرد. اگر ما برای نویسندگان، رده‌های یک، دو

آقای حسن بیگی وضعیت کنونی ادبیات دفاع مقدس با نقطه مطلوب فاصله بسیار زیادی دارد، کما این که این موضوع در بیانیه هیئت داوران همه گروه‌های یازدهمین انتخاب کتاب سال دفاع مقدس هم عنوان شده بود. به نظر شما علت چیست؟

من این را بارها گفته‌ام. ادبیات فعلی این حوزه از عظمت و ویژگی‌های دفاع مقدس فاصله بسیاری دارد. یعنی این مقداری که ما داستان و ادبیات تولید می‌کنیم شاید دو درصد آنچه به عنوان واقعه هشت سال دفاع مقدس اتفاق افتاده، نباشد. چرا که هشت سال دفاع مقدس به اندازه‌ای عظیم است که نویسندگان ما شاید به سختی بتوانند به یک درصد آن دست یابند.

ببینید اگر جنگ تحمیلی در ابعاد کوچک‌تری اتفاق می‌افتاد، قطعا حوادث کوچک‌تر سرمایه‌گذاری کمتر و شاید مدت زمان کمتری را می‌طلبید. در آن صورت ما انتظار این را نداشتیم که ادبیات بسیار گسترده و فراگیری در باب دفاع مقدس داشته باشیم. اما به نسبت هشت سال دفاع مقدس ابعاد مختلف و وقایعی که در آن رخ داد، نه تنها این ادبیات آینه تمام‌نمای هشت سال دفاع مقدس نیست، بلکه تنها یک درصد از آن عظمت هاست.

حاشیه‌های رسانه‌ای گروه داستان و رمان جشنواره امسال زیاد بود. این طور نیست؟

مصاحبه‌ای که من با روزنامه جام جم داشتم باعث یک سری واکنش‌های مثبت و منفی در سطح جامعه شد. شاید اصلا صلاح نبود که قبل از اعلام نتایج مصاحبه‌ای می‌کردم. البته فقط بخشی از گفته‌های من، آن هم به صورت گزینشی و در قالب گزارش ذکر شده بود. در واقع آنها به اعلام یکی دو کتاب به عنوان نامزد کسب رتبه اعتراض داشتند.

ظاهرا یکی دو اثری که در گروه داستان به عنوان نامزد کسب رتبه اعلام شده بودند، ضد دفاع مقدس

با محمدرضا سهرابی نژاد درباره «وطنم ابراهیم»

هر شهید، یک شعر



«وطنم ابراهیم» حاوی نکات و موضوعاتی است که تاکنون در آثار منتشره در حوزه دفاع مقدس به آنها چندان پرداخته نشده است. شاعر کتاب «آینه‌ها» که تمام طول ساعات و لحظات هشت سال دفاع مقدس را آستن حوادث و موضوعات بکر و شگفت‌انگیزی می‌داند، معتقد است که کار در این عرصه خسته‌کننده و تکراری نخواهد شد. او به حماسه‌های دوران دفاع مقدس اشاره می‌کند و می‌گوید: «همین که ملت ما اجازه نداد و جیبی از خاک این کشور جدا شود و به دنیا ثابت کرد ملت ایران حافظ خوبی برای سرزمین و ناموس خویش است، کاری بس بزرگ و عظیم به شمار می‌آید. بنابراین لازم است که نسل جدید بفهمد در کجا ایستاده است و پاسدارانشان دست به چه افتخاراتی زده‌اند.»

سهرابی نژاد بر این نکته تاکید می‌کند که این عظمت

سهرابی نژاد در کتاب هفته از مفاهیم تازه در دفاع مقدس سخن می‌گوید و نوع نگاه و طرز بیان نویسنده را لازمه جذابیت این مفاهیم عنوان می‌کند: «بعضی‌ها معتقدند که زیر آسمان خدا هیچ چیز تازه‌ای وجود ندارد. اما انسان به هر چیزی که نگاه می‌کند تازگی را می‌بیند و می‌تواند آن را تازه‌تر از قبل بیان کند. سهرابی نژاد که تمام سعی خود را معطوف به ارائه مضامینی نو در کتابش کرده است، بر این باور است که

فلسطین حاصل درسی است که از مکتب شهدای دفاع مقدس ما فرا گرفته‌اند. ایثار، اخلاص، شهامت و ایمان رزمندگان ما را الگو قرار داد توانسته‌اند پایداری و مقاومت کنند و پیروز شوند.»

برخی از شعرهای کتاب «وطنم ابراهیم» با وجود این که در مورد شهید مشخصی سروده شده اما در ابتدای شعر نامی از آن شهید ذکر نشده است. سهرابی نژاد در این باره چنین استدلال می‌کند: «ببینید کسی که با شرح حال و زندگی شهدا آشنا باشد، بی‌خواهد برد که فلان شعر در مورد کدام شهید است، اما در واقع از آن جایی که نمی‌خواستیم شعر خود را خاص یک شهید عنوان کنیم آنها را به کسی تقدیم نکردم، به این ترتیب هر کسی که به نحوی با شهدا ارتباط دارد، با خواندن این اشعار احساس می‌کند که شعر درباره شهید مورد نظر او سروده شده است.»

این شاعر بر این باور است که وجود حتی یک غلط املائی در کتاب به ذوق مخاطب برمی‌خورد. اما در کتاب من هیچ غلطی وجود ندارد. زیرا تمام پیگیری‌های کتاب را خودم انجام دادم. او همچنین درباره مضامین این کتاب اضافه می‌کند: «نخواستیم که مضمون‌ها آن قدر واضح و آشکار باشند که اجازه توجه و فکر را از مخاطب بگیرد بلکه تلاش‌م بر این بوده است که مخاطب را به تفکر در مضامین وادارم.»



نظری به کیفیت گرافیک کتاب های دفاع مقدس

نقش سنگر بر کتاب

طراحی جلد کتاب را می توان ویترینی به حساب آورد که مخاطب را دعوت به دیدن مجموعه درون خود می کند. طرح جلد علاوه بر این که نشان دهنده ارزش های کیفی محتواست و مخاطب را با فضای کلی مطالب آشنا می کند، معرف شخصیت آن نیز هست و نقش موثری در جلب توجه بیننده ایفا می کند. طراحی جلد کتاب یکی از بخش های مهم گرافیک کتاب محسوب می شود و با سایر بخش ها مانند اجزای یک پیکر واحد و به هم پیوسته، کتاب را در رسیدن به اهداف خود یاری می کنند.

گرافیک، نیازمند مدیریت هنری

سید حمید شریفی آل هاشم، کارشناس ارشد رشته گرافیک وضعیت کتاب های تولیدی عرصه دفاع مقدس را در بخش گرافیک نه چندان قوی ارزیابی می کند و معتقد است این وضعیت در مقایسه با دوره های نخست شکل گیری ادبیات دفاع مقدس افول محسوسی داشته است. «اگر چه در حال حاضر گستره نشر، وسیع شده اما کیفیت بخش گرافیک بسیار پایین آمده است. البته نباید آثار ارزشمندی را که در این زمینه تولید شده اند نادیده گرفت. باید توجه داشت که این کاهش کیفیت را با در نظر گرفتن افزایش حجم فعالیت نشر و امکانات چاپ، لیتوگرافی، بخش آماده سازی، امکانات نرم افزاری و کسانی که به عنوان طراح فعالیت می کنند، عنوان کردم.»

برنده اولین و دومین بینال گرافیک تهران در بیان علل و عوامل این کاهش کیفیت می گوید: «وقتی قرار است اندیشه، باور و ارزش های دفاع مقدس به مخاطب منتقل شود، پس بهتر است این انتقال به بهترین شیوه صورت گیرد.»

آل هاشم از امکانات و فناوری های جدید و فراوان عرصه طراحی و گرافیک یاد می کند و معتقد است: «امکانات رایانه ای این قابلیت را به ما می دهد که در یک زمان کوتاه به نتایج نسبتاً قابل قبولی برسیم که متأسفانه این ویژگی سبب افزایش کارهای سهل الوصول که در واقع ظاهری فریبنده نیز دارند، می شود و ما را از آثاری که دارای ارزش های بصری و گرافیکی هستند و توسط هنرمندان تولید شده اند غافل می کند. به همین خاطر ناشر با تصور کم هزینه بودن، کار را به جای این که به یک طراح خوب بسپارد، به یک فرد غیر حرفه ای واگذار می کند و نتیجه این می شود که آثار تولیدی، فاقد ارزش های بصری و گرافیکی است.»

برنده جایزه اول هفتمین جشنواره کتاب و کودک سلیقه سفارش دهنده، مشکلات چاپ، مشخص نبودن خواسته سفارش دهنده و نبود جایگاهی با عنوان مدیر هنری در نشر را از علل وضعیت نامطلوب بخش طراحی و گرافیک می داند و بر این باور است که مدیر هنری نقش بسیار موثری در گرافیک کتاب ها ایفا می کند: «مدیر هنری خواسته های ناشر و مسئولان نشر را به نتیجه می رساند و همچنین دانش و فهم بصری آنها را ارتقا می دهد. در واقع او یک رابطه منطقی بین سفارش دهنده و هنرمند طراح و گرافیست ایجاد و بر فرآیند شکل گیری اثر هنری نظارت می کند.»

آل هاشم معتقد است که ارائه آثاری با ویژگی های بصری و گرافیکی بالا باعث افزایش فهم و سلیقه مخاطب خواهد شد، زیرا وقتی مخاطب آثار ارزشمند گرافیکی را مشاهده می کند و ارتباط جزئیات مختلف طراحی صفحه مثل تصاویر، رنگ ها، خطوط ترسیمی و... را بررسی می کند، احساس خوشایندی به او



دست خواهد داد و به صورت ناخودآگاه سلیقه اش بالا می رود و به دیدن آثاری زیبا و باارزش عادت کرده، دیگر توجهی به آثار سخیف و نازل نمی کند.

دفاع مقدس معدن طراحی

سید حسن موسی زاده، گرافیست معتقد است که گرافیک هم جنبه کاربردی و هم تزئینی دارد. البته تزئینی بودن هم به نوعی کاربردی است مثلاً یک بسته دستمال کاغذی علاوه بر این که جنبه کاربردی دارد و ما از آن استفاده می کنیم، دائماً در معرض دید است و از آن به عنوان دکوراسیون نیز استفاده می شود. اما گاهی اوقات گرافیک و طراحی فقط جنبه بصری و تزئینی پیدا می کند، مثل یک دکور یا تابلو.

او بر این باور است که طراحی جلد کتاب علاوه بر این که یک بحث تزئینی است، گاهی اوقات می تواند جنبه کاربردی پیدا کند و در خدمت محتوا و متن قرار گیرد. اما بعضی وقت ها موضوع کتاب به نحوی است که عملاً دسترسی به یک مصداق تصویری برای آن ممکن نیست؛ مثل یک دیوان شعر. در این صورت برای طراحی جلد آن باید به صورت تزئینی برخورد کرد.

موسی زاده اعتقاد دارد که اگر در بحث گرافیک، ریشه و اصل کار هنرمندانه باشد، در هر حالت حاصل درست از آب در خواهد آمد، در غیر این صورت نتیجه مورد پسند نخواهد بود. زیرا این گونه کارها فاقد مبانی رنگ، اصول زیبایی شناسی، محتوا و... هستند و در نتیجه باطن آنها آشفته است و نمی توانند با مخاطب ارتباط برقرار کنند. خیلی ها به غلط فکر می کنند اگر محتوای کتاب را به صورت تصویری روی جلد آن قرار دهند طراحی را کاربردی کرده اند، در صورتی که این نظر کاملاً اشتباه است. در واقع این تصور از آنجایی شکل می گیرد که بسیاری

مدیر هنری خواسته های

ناشر و مسئولان نشر را به

نتیجه می رساند و همچنین

دانش و فهم بصری آنها را

ارتقا می دهد

یادداشت

محمد میر کاظمی



ژانرهای سرگردان

شکستن چهارچوب های ادبی برای آفرینش آثاری که عموماً پیام محور و دارای نثری روان و تأثیرگذار است، به عادت برای نویسندگان ادبیات دفاع مقدس تبدیل شده است. نگارش متونی، خارج از ضوابط و شیوه هایی که در گونه های شناخته شده رعایت می شود، اگر چه رونق بازار این گونه آثار را در پی دارد و حداقل از بعد کمی به تعداد آثار ادبی دفاع مقدس می افزاید، اما آسیب هایی نیز به کلیت نظام ادبی ما وارد می سازد. با این همه باید معترف بود که افزایش تعداد این آثار در پی افزایش تعداد مخاطبانی است که بیش از آنچه به دنبال چهارچوب ها و ضوابط نگارش متون ادبی باشند در پی متون و محتوای روان، جذاب و مؤثرند.

سالانه تعداد زیادی از این گونه آثار به دست ناشران دفاع مقدس می رسد؛ ولی به دلیل ضعف ساختار هیچ گاه فرصت نشر نمی یابد. آثاری هم که با اغماض کارشناسان و ارزیابان در هیأت کتاب منتشر می شود، در نخستین مراحل ارزیابی جشنواره های کتاب های دفاع مقدس مردود می شود. بی گمان آثاری از این دست در گذر زمان، مخاطبان، ناشران، نویسندگان، ارزیابان و همه دست اندرکاران حوزه نشر را وادار می کند که آنها را به رسمیت بشناسند. همان گونه که در چند سال اخیر ژانر زندگینامه داستانی به رغم بی مهری ها - که هنوز هم ادامه دارد - و سرگردانی میان ژانر «داستان» و «زندگینامه» سرانجام خود را با شناسنامه معرفی کرد.

اکنون شاهد شکستن گونه ای از آثار هستیم که (به تعداد زیاد) میان «خاطره» و «داستان» پرسیه می زنند و بعضاً در عین زیبایی صورت و معنا، به سختی از دم تیغ ارزیابی می گذرند.



با ذکر این مقدمه فشرده جا دارد به برخی نکات مثبت و منفی درباره این آثار اشاره شود: آنچه مسلم است نگارش داستان، خاطره نگاری، زندگینامه نویسی و با مراعات معیارها و اسلوب، نیاز به تجربه نویسنده، تلاش فراوان و صرف زمان بسیار دارد.

امروزه به رغم تعدد موضوعات و سوژه ها، تکرار ناشران و سفارش دهندگان با محدودیت تعداد نویسندگان توانمند مواجهیم و این امر باعث تعصب نسبت به ژانرهای شناخته شده و پرهیز از نگارش در ژانرهای میانی، عرصه ادبیات دفاع مقدس را با از دست دادن طیفی از مخاطبان مواجه می کند.

از طرفی به رسمیت شناختن این نوع از آثار و آفرینش ها، ناشران را با تعداد زیادی از این گونه آثار مواجه می سازد، تا جایی که ممکن است عرصه را برای حضور گونه های اصلی و معیارمند تنگ سازد. به هر حال لازم است که نظریه پردازان و پژوهشگران عرصه ادبیات طی نشست های تخصصی چهارچوب ها و معیارهای ارزیابی این آثار را تعیین و تدوین کنند، تا دامنه ادبیات تاریخی و ریشه دارمان دچار سردرگمی نباشد و در عین حال به شکوفایی و طراوت این عرصه کمک شود.



امضاهای متفاوت

در سال‌های اخیر کتاب‌های بسیاری در عرصه نقد و تئوری‌های ادبی منتشر شده است. اغلب این کتاب‌ها به مقوله نقد به صورتی کلی و البته تئوریک پرداخته‌اند و در این میان کمتر می‌توان اثر ادبی را یافت که مخاطب ایرانی با آنان آشنایی داشته باشد. همین نکته سبب شده تا بسیاری از تئوری‌های نقد ادبی - که گاه نیز با ترجمه‌های چندان درستی همراه نیستند - با دریافت‌های گاه نادرستی از سوی منتقدان روبه‌رو شود. در این میان وجود کتابی که نقد ادبی را به صورت مثال‌های ملموس در اختیار مخاطب قرار دهد می‌تواند تا اندازه زیادی به این نقیصه کمک کند. مجموعه «از دریچه نقد» که گفتارها و جستارهایی از نقدهای عبدالعلی دستغیب است، می‌تواند نمونه‌هایی ملموس از نقد را پیش روی علاقه‌مندان به این دانش بگذارد.

در کنار نکات طرفه‌ای که کتاب «از دریچه نقد» می‌تواند برای منتقدان یافت، بحث دیگری را نیز می‌توان مطرح کرد. در این کتاب آثاری مورد نقد و تحلیل قرار گرفته شده است که از جمله آثار مطرح معاصر به شمار می‌روند. «از دریچه نقد» نقد و تحلیل این آثار مطرح را در اختیار علاقه‌مندان به ادبیات داستانی قرار می‌دهد. دستغیب که کار نقدنویسی خود را از سال‌های پایانی دهه ۱۳۳۰ شروع کرده است، در این مقاله‌ها و نقدها به بررسی علمی این آثار می‌پردازد. در میان این مقالات می‌توان به نقد آثاری همچون «سووشون» نوشته سیمین دانشور، «نرگس‌ها و داستان‌های دیگر» نوشته راضیه تجار، «کوه‌های آسمان» نوشته سمیرا اصلان‌پور، «ضیافت و داستان‌های دیگر» نوشته سیدمهدی شجاعی، «خشم و عصیان» نوشته حسن خادم و بسیاری دیگر از آثار برجسته معاصر کشور اشاره کرد. دستغیب در این نقدها چند نکته را مورد توجه قرار داده است که در ادامه به آن اشاره می‌شود. برای این منتقد پیشکسوت، معنا و ساختار معنایی در درجه نخست اهمیت قرار دارد. در نظر وی، ادبیات معنایی به گستردگی زندگی دارد و از همین رو بدیهی است که از نگاه وی، کلمه‌ها را جز از دریچه زندگی و مسائل پیرامون آن نمی‌توان به محک نقد سنجید. از دیگر سو، انسان نیز یکی از محوری‌ترین مسائل زندگی، از توجیهی خاص در آثار دستغیب برخوردار است و چنانچه اغراق نباشد باید و توجه به مسائل انسانی را از خصوصیت‌های انکارناشدنی آثار دستغیب دانست. نگاه این چینی‌منتقد را به نقش اجتماعی انسان می‌رساند. همین نگاه است که دستغیب را به مرز نقدی اخلاقی می‌رساند. او نگاهی اخلاق‌گرایانه به آثار داستانی دارد که شاید یکی از خصوصیت‌های مهم نقدهایش باشد.

او به جست‌وجوی بنیادهای نظری و اندیشگی می‌پردازد از آن روست که به مسائل حوزه اندیشه نیز دلبستگی‌های فراوانی دارد. ترجمه چندین کتاب در حوزه اندیشه و فلسفه نشان‌دهنده دلبستگی دستغیب به این حوزه است.

در کنار این موارد باید به خصوصیت در زمانی نقدهای دستغیب اشاره کرد. سیر تاریخی این نقدها که می‌تواند امضاء سال‌های نگارششان را نیز به نمایش بگذارد؛ گاه دارای لبه‌های تند و تیز می‌شود و گاه از استدلال بیشتری برخوردار می‌شوند. البته در کنار این خصوصیت در زمانی، باید به خود آثار نیز اشاره کرد که منتقد بر حسب نوع و جنس آنها، نقدهایی متناسب رانوشته است. خوانندگان این نقدها، دانسته‌های بسیاری از ادبیات داستانی معاصر را پیش روی ما می‌گذارد.



با علیرضا قوجه زاده، مؤلف کتاب «از دریچه نقد»

گفته‌ها و ناگفته‌های پیر نقادی



عبدالعلی دستغیب نامی آشنا در عرصه نقد ادبی است. این منتقد ادبی که سال گذشته به پاس یک عمر تلاش در این عرصه، جایزه ویژه‌ای را نصیب خود ساخت، کار خود را از دهه ۱۳۳۰ تاکنون به صورت پیگیر دنبال کرده است. حاصل کار این سال‌های دستغیب، مقالات، نقدها و گفت‌وگوهایی است که از او در مجلات و کتاب‌های گوناگون منتشر شده است. دستغیب علاوه بر این دستی نیز در ترجمه دارد که حاصل آن را می‌توان در جست‌وجویی کوتاه یافت. کتاب «از دریچه نقد» مجموعه‌ای از نقدها، گفت‌وگوها و مقالات دستغیب است که به کوشش علیرضا قوجه زاده جمع‌آوری شده است. در گفت‌وگویی که در پی می‌آید، شاخصه نقدهای دستغیب، نحوه انتخاب این نقدها و مقالات و چرایی انتشار این کتاب مورد بحث قرار گرفته است.

نقدهای سال ۱۳۳۷ تا سال‌های اخیر آقای عبدالعلی دستغیب در کتاب شما منتشر شده است، به گمان شما چه تحولی در زبان، نثر و شیوه نگاه این مؤلف در طول این سال‌ها حاصل شده است؟

زبان آقای دستغیب در آغاز بیشتر تند و تیز و جدلی و تا حدودی ستیزه‌جویانه است اما در دهه‌های ۵۰ تا ۸۰ لحن و زبان ایشان تعدیل یافته و ملایم می‌شود. نثر ایشان نیز به تدریج شفاف‌تر و هماهنگ‌تر و استدلالی‌تر می‌شود و همچنین شیوه نگاه؛ یعنی نظر این منتقد در آغاز بسیار شخصی و ذوقی بوده اما در طول سالیان تحقیق و نقدنویسی جنبه غیر شخصی‌تر و علمی‌تری پیدامی‌کند و در آثار جدیدش کاملاً به‌خودآزمی‌پردازد نه به شخص شاعر یا داستان‌نویس.

نقدهای آقای دستغیب بیش از تعدادی است که در کتاب حاضر منتشر شده، انتخاب این نقدها چگونه انجام شده است؟

کتاب دو جلدی «از دریچه نقد» گزیده‌ای از مقالات انتقادی آقای دستغیب در طول دهه‌های ۳۰ تا ۸۰ است و حجم آنها بسیار بیشتر از دو جلد چاپ شده کنونی است. شیوه‌گزینش این بوده است که جمع‌وجورترین و دقیق‌ترین و در ضمن کوتاه‌ترین مقالات ایشان گردآوری شود و به چاپ برسد به خصوص نظر بر این بوده است که نقدهای وی بر آثار نویسندگان و شاعران بسیار مستعد، اما کمتر مشهور در دوره‌های مختلف را

اگر چه بعضی از آنها نویسندگان و شاعران برجسته و ممتاز حال بوده و هستند. برگزینیم به طوری که برخی از این مقالات در نوع خود منحصر به فرد است؛ یعنی درباره فلان شاعر یا نویسنده جوان، فقط یک نقد نوشته شده و آن نیز به قلم آقای دستغیب بوده است. این را هم باید اضافه کنم که چون ملاک کار، گردآوری و گزینش مقالات انتقادی

بوده است بنابراین از ارائه مقالات تحلیلی و تحقیقی در همه موارد، چه ادبیات کهن و یا شعر و داستان که مجموع آنها خود کتاب قطوری خواهد بود، صرف نظر شد.

به گمان شما شاخصه نقدهای آقای دستغیب در چیست؟ آیا می‌توان نقدهایشان را از جمله نوشته‌هایی دانست که از سوی نخبگان و عامه مردم مورد استقبال قرار گرفته است؟

نقدهای او بیشتر جامعه‌شناختی و علمی است و ایشان کمتر به احساس شخصی و ذوقی خود تکیه می‌کند و خیلی بی‌طرفانه به داوری و نقد درباره آثار ادبی می‌پردازند. از این رو بسیاری از نخبگان و ادیبان ایران معاصر، آثار ایشان را بی‌غرض و تأثیرگذار یافته‌اند.

برخی از نقدهای کتاب حاضر به آثار مهم و کلاسیک جهان می‌پردازد، این نقدها تا چه اندازه توانسته ظرافت‌های این آثار را به خوانندگان معرفی کند؟

چند نقد. آن هم به صورت ترجمه. از کلینت بروکس و ادموند ویلشن و... در کتاب «از دریچه نقد» آمده است که جزو بهترین آثار نقد دنیای جدید به حساب می‌آید و طبعاً بسیاری از ظرایف رمان‌ها و اشعار کسانانی مانند فاکتور، والر و... را کشف و نمایان کرده است که می‌تواند سرمشقی باشد برای ناقدان جوان کشورمان که نقد ادبی ایران عزیز را به مرتبه بالاتر و والاتر برسانند.

بخشی از کتاب «از دریچه نقد» به مقالات دستغیب اختصاص دارد. ایشان در این مقالات چه درس‌هایی برای منتقدان جوان ارائه می‌کنند؟

مجموعه مقالات انتقادی، تحلیلی، تحقیقی و مصاحبه‌های دستغیب به واسطه طولانی بودن سابقه کار و تعمق درباره آثار ادبی پس از شهریور ماه ۱۳۲۰ وضع خاصی دارد، چرا که خود با مشکل‌های فن نقد در عمل رویارو شده و کوشیده‌اند این مشکلات را تا حد امکان خود حل و روشن کنند. طبعاً ناقدان جدید بر حسب این مقاله‌ها و مصاحبه‌ها می‌توانند به مشکلات کار نقد ادبی بی‌بیرند و با توانایی و اطلاعات بیشتر که امروزه در دسترس ایشان است، اشکالات نقدهای دستغیب و ناقدان دهه‌های پیشین را برطرف سازند و حتی نقدهای بهتر و عالمانه‌تر بنگارند.

نقدهای دستغیب بر آثار متأخر می‌تواند نمونه‌ای از نقد علمی باشد که منتقدان جوان می‌توانند از دریچه

آن دست کم نگاهی ویژه را به طور علمی مشاهده کنند، چقدر با این موضوع موافقت می‌کنند؟

به همین دلیل گردآوری و چاپ این آثار را پذیرفتیم که دیدیم آثار انتقادی ایشان به دلایلی که آوردیم می‌تواند برای ناقدان جوان نمونه‌ای باشد علمی و بی‌طرفانه و حتی ناقدان جوان می‌توانند از اشتباهات دستغیب که خود نیز در جاهایی از کتاب به آن اشاره کرده، درس بگیرند. چرا که به نظر بنده اذعان به اشتباه و خطای در کار از طرف یک منتقد، نشانگر صداقت و بی‌طرفی محض و عدم غرض ورزی در امر نقد و بررسی اثر است.

آقای دستغیب در بخشی از نوشته‌هایش به آثار نویسندگان جوان پرداخته است. این نکته را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

وظیفه هر ناقدی این است که به‌ویژه به استعدادها و نویسندگان و شاعران جوان و کمتر مشهور توجه کند و آثار جوانان را در معرض دید هنردوستان قرار بدهد. خوشبختانه ایشان به آثار جوانان نیز توجه کرده و ملاک گزینش او، بیشتر توانایی هنر نویسندگان و شاعران بوده است نه شهرت و نام‌آوری ایشان.

آیا آثاری از دستغیب در دست دارید که مایل به انتشارش باشید؟

تعدادی از مقاله‌های انتقادی جناب آقای دستغیب درباره نویسندگان و شاعران جوان در مطبوعات دهه‌های پیش به چاپ رسیده که برای تکمیل مجموعه نقدهای معاصر کمال لزوم را دارد، پیشنهادم بر این است که این مقالات نیز گردآوری و ویرایش شود و جزو مکمل کتاب «از دریچه نقد» در چاپ‌های بعد قرار گیرد.



علیرضا سعیدی پور

دکتر محمد دانشگر عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع) است. وی که دکترای زبان و ادبیات فارسی دارد، علاوه بر تدریس بخش مهمی از وقت خود را به ویراستاری اختصاص داده است. این مدرس زبان و ادبیات فارسی علاوه بر مقالات متعددی که در این زمینه منتشر کرده، ویراستار مجله «پژوهش‌های ادبی انجمن زبان و ادب فارسی» و چند نشریه تخصصی دیگر نیز هست. وی از سویی دیگر به آموزش فارسی به غیر فارسی‌زبانان هم اشتغال دارد. کتاب «نامه‌نگاری» از جمله آثار دکتر دانشگر است که آن را به زبانی ساده برای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان به رشته تحریر درآورده است. کتاب «نامه‌نگاری» از دیگر نوشته‌های دکتر دانشگر است. همچنین ۵ کتاب دیگر مرتبط با این موضوع در دست انتشار دارد. گفت‌وگوی حاضر در مورد کتاب «مجموعه مقاله‌های همایش داستان‌پردازی مولوی» است که به اهتمام وی توسط موسسه خانه کتاب به چاپ رسیده است.

با محمد دانشگر و «مجموعه مقاله‌های همایش داستان‌پردازی مولوی»

مثنوی از زبان شهرزاد قسه گو



«مجموعه مقاله‌های همایش داستان‌پردازی مولوی» در بردارنده مقالات متنوعی در این باره است. به گمان شما این مقالات چه اطلاعات تازه‌ای درباره این شاعر پارسی‌گو در اختیار ما می‌گذارد؟

از ابتدای سال قرار بر این شد که به مناسبت گرامیداشت سال مولانا کاری اساسی در این مورد انجام شود. بعد از نشست‌های مختلف، نتیجه بر این شد که همایشی با موضوع کلی داستان‌پردازی مولانا برگزار شود. در ابتدا بنا بر این بود که این همایش به طور مستقل توسط ما برگزار شود. ما البته پیش از این و از ابتدای سال فراخوان برگزاری این مراسم را به استادان زبان فارسی داده بودیم. اما انتخاب موضوع داستان‌پردازی در آثار مولانا نیز دلایل مختلفی دارد. در طول سال بزرگداشت مولانا، همایش‌های مختلفی در این باره برگزار شد و با در حال برگزاری است. به همین دلیل ما باید موضوعی را برمی‌گزیدیم که دیگران آن را انتخاب نکرده بودند. از طرفی چون ما انجمن زبان و ادب فارسی هستیم و استادان بسیاری در این انجمن عضو هستند، فراخوان را برایشان فرستادیم و نتیجه آن بیش از صد مقاله‌ای بود که به دبیرخانه همایش ارسال شد. طبیعتاً در این مقالات، نویسندگان از مناظر مختلف به موضوع پرداخته‌اند. همان طور که شما نیز در کتاب می‌بینید، این بحث‌ها از نمادپردازی در ادبیات کلاسیک تا ویژگی‌های قصه قلعه ذات‌الصور در مثنوی مولوی را دربرمی‌گیرد. دیدگاه‌هایی که در این مقالات مطرح شده با هم متفاوت است. این می‌تواند نکته بسیار مفیدی باشد. ما پس از آن که این مقالات را دریافت کردیم، به بررسی و داوری آنها پرداختیم.

برخی از مقالات به همین دلیل برای بازنویسی به نویسندگان ارجاع داده شد. این بازنویسی و ارجاع به نویسندگان گاه چهار پنج بار تکرار شد. تعدادی از آنها که در این داوری برگزیده شدند در مجله پژوهش‌های ادبی انجمن زبان و ادب فارسی منتشر شدند. بقیه مقالات که در همایش نیز ارائه شد به صورت کتابی چاپ شد که هم‌اکنون در اختیار شماست.

به بحث داوری اشاره کردید. داوری‌های همایش چه ملاک و معیارهایی را مورد توجه قرار دادند؟ آیا داوری‌ها در انتخاب سوژه‌ها نیز به نویسندگان کمک کرده‌اند؟

در ابتدا به قسمت دوم سوال شما پاسخ می‌دهم. داوری‌های ما شامل موضوع پیشنهادی نبود. همه این موضوع‌ها عمدتاً تا توسط نویسندگان انتخاب شده‌اند. این که می‌گویم عمدتاً منظورم این است که شاید در یکی دو مورد، ما نیز مشورت‌هایی داده باشیم اما انتخاب سوژه‌ها به طور کلی به عهده خود نویسندگان بوده است. اما در مورد قسمت اول سوال شما؛ وقتی که مقاله‌ای به داوری گذاشته می‌شود داوری‌ها در همه موارد مرتبط به آن مقاله به داوری می‌پردازند؛ از جمله این که ممکن است در مورد عنوان نیز به قضاوت بپردازند. در این بخش داوری

گاه این پیشنهاد مطرح می‌شود که نویسنده با توجه به مسائل فرضی، عنوان را چگونه می‌تواند تغییر دهد. این نکته نیز در همایش ما چندان مطرح نبود. شاید در یکی دو مورد، برخوردی اینچنین انجام شده باشد. در کار داوری ما نیز دست کم سه داور هر مقاله را مورد بررسی قرار داده است. در کار داوری علاوه بر آن که به تکراری نبودن موضوع توجه شده، شیوه‌پردازی نیز مورد قضاوت قرار گرفته شده است. ما کارهای زیادی در مورد داستان‌پردازی آثار مولانا داشته‌ایم. به همین دلیل انتخاب موضوع تحقیق و تکراری نبودن، یکی از ملاک‌های ما بود.

انتظار شما این بوده که برخورد با این موضوع تکراری نباشد. بله. ما در نظر داشتیم که وقتی خواننده این مقالات را می‌خواند دست کم به یک نکته و دیدگاه تازه برسد.

اشاره کردید که موضوع داستان‌پردازی در آثار مولانا چندان نویسنده‌محور نیست. چطور شد این موضوع را با توجه به نبودن به عنوان محور همایش خود قرار دادید؟ در میان موضوع‌های مختلفی که برای سال بزرگداشت مولانا در انجمن زبان و ادب فارسی مطرح شده بود، این موضوع بیش از بقیه مورد اجماع قرار گرفت.

این موضوع محور جامعی است که می‌تواند در زیرمجموعه آن مسائل بسیار متنوعی را مورد توجه قرار داد. از دیگر سو، در این سال همایش‌های متنوعی در مورد مولانا برگزار شده است که ما بر اساس این همایش‌ها، تلاش کردیم موضوعی را انتخاب کنیم که دیگران کمتر به آن توجه داشته‌اند. ما با اغلب این همایش‌ها در ارتباط بوده‌ایم و به همین دلیل گاه مقالاتی را که می‌رسید، با توجه به موضوع با هم مبادله می‌کردیم. آنها نیز اگر مقاله‌ای در محور داستان‌پردازی آثار مولانا به دستشان می‌رسید، به ما ارجاع می‌دادند. داستان‌پردازی در آثار مولانا از موضوعاتی است

که علاوه بر استادان زبان و ادبیات فارسی، می‌تواند توسط نویسندگان و منتقدان نیز مورد بررسی قرار گیرد. آیا شما در همایش به این چهره‌ها نیز توجه داشتید؟

ما فراخوان را برای بسیاری از چهره‌ها ارسال کردیم. کار ما در این همایش نسبت به کارهای قبلی بسیار گسترده بود و این به دلیل اهمیت مولانا است. اما متأسفانه دوستان نویسنده کمتر به این موضوع توجه داشتند. از طرف دیگر این فرصت به دلیل کمبود زمان برای ما حاصل نشد که به طور شخصی وارد مذاکره با این بزرگان شویم. اگر مقاله‌ای به دبیرخانه همایش رسیده حاصل همان فراخوان‌های عمومی و توجه نویسندگانی است که به آن توجه داشته‌اند. تنها کاری که ما به صورت جدی آن را مورد توجه قرار دادیم مسئله داوری همین مقاله‌های رسیده بود که این خود زمان زیادی را می‌طلبید. محدودیت زمانی سبب شد که انتقادهایی نیز به کار ما وارد شود، گرچه این محدودیت زمانی با همکاری بسیاری از نهادها به حداقل رسید. به عنوان نمونه همکاری خانه کتاب برای انتشار این مجموعه مقالات از آن نکاتی است که باید در همین جا به آن اشاره کنم. ما در بخش نیروی اجرایی و به ویژه نیروی پیگیر دچار مشکلاتی بودیم که سبب شد کارها کمی به کندی پیش رود.

ما در سال مولانا قرار داریم و فعالیت‌های متنوعی در این زمینه در حال برگزاری است. اما همچنان که همگان اذعان دارند، مولانا را نمی‌توان به یک سال محدود کرد. آیا شما برنامه‌های دیگری در این زمینه در دست دارید؟ آیا کتاب دیگری در این مورد از سوی شما منتشر می‌شود؟

ما الان به طور مشخص مورد خاصی را در دستور کار خود نداریم، مگر آن که مسئله خاصی مطرح شود. اما به هر حال توجه داریم که مفاخر فرهنگی مان را مورد توجه قرار دهیم و قدرشان را بدانیم. در زمینه کتاب نیز کارهایی در دست داریم که امیدوارم زودتر به سرانجام برسد.

یادداشت

یوسف داوودی



روایت چند صدایی از نی مولانا

«داستان‌پردازی مولوی» یکی از همایش‌هایی بود که مقارن با سال بزرگداشت هشتصدمین سال تولد مولانا برگزار شد. پذیرش بیش از صد مقاله مرتبط با این موضوع در این همایش نشان از آن دارد که مطرح کردن بحث‌هایی از این دست تا چه اندازه می‌تواند پژوهشگران را سر ذوق بیاورد. برخی از مقاله‌های رسیده توسط انجمن علمی زبان و ادب فارسی منتشر شدند و برخی دیگر نیز در کتاب «مجموعه مقاله‌های همایش داستان‌پردازی مولوی» یادداشت کوتاهی که در پی می‌آید، نگاهی مختصر است به کتاب حاضر. پیش از آن که به کلیت کتاب بپردازیم، به خصوصیت عمومی مقاله‌ها اشاره‌ای خواهد رفت.

مقاله‌های کتاب حاضر، همچون بسیاری از مقالات مدرسی (آکادمیک)، شیوه‌نامه‌ای تدوین شده و نظام‌مند دارند. در ابتدای این مقالات چکیده‌ای از ماحصل آنچه که در بدنه متن آمده است، مورد توجه قرار گرفته شده است. پس از این نویسنده کوشیده است در مقدمه‌ای کوتاه به چرایی تدوین مقاله و علت گزینش نگرش خاص خود بپردازد. پس از این، مقاله، بدنه تحلیل و بررسی مولف آمده است. البته گاه به دلیل طولانی شدن متن مقدمه، مولف از آوردن متن مقاله خود صرف‌نظر کرده است. آوردن نتیجه در پایان مقاله سبب می‌شود تا خواننده به نوعی جمع‌بندی از مقاله حاضر برسد. ارائه پانوشته‌هایی در خاتمه هر مقاله سبب می‌شود تا مخاطب بتواند برای دریافت اطلاعات بیشتر، با این منابع آشنا شود.

جدال‌بررسی طرح‌تدوین مقالات داستان‌پردازی مولوی، می‌توان به موضوعاتی اشاره کرد که هر کدام از نویسندگان مقالات به آنها پرداخته‌اند. دکتر منوچهر اکبری در مقاله خود که «تحلیل قصه شیر و نجیران بر مبنای داستان‌های فرعی و برش‌های داستانی» نام دارد. به جنبه‌های اخلاقی، حکمی و فلسفی مولوی پرداخته است. او در این مقاله نشان می‌دهد که مولانا برای بیان داستان‌ش تا چه اندازه از قصه‌های قرآنی و حکایت‌های اخلاقی حضرت رسول (ص) بهره می‌برد. وی همچنین نشان می‌دهد که اصل گفت‌وگو و مشورت تا چه اندازه در قرآن و حدیث قدسی و در نتیجه آثار مولانا دارای اهمیت است.

«بن مایه‌های پسامدرنیسم در مثنوی معنوی» عنوان مقاله‌ای است از دکتر حمید عبداللہیان. وی در این مقاله به اندیشه‌های مولانا اشاره می‌کند که بسیار فراتر از زمان و روزگار خود مطرح شده‌اند. وی در این مقاله ضمن ارائه سابقه‌ای از پست‌مدرنیسم و نحوه فکری آن نشان می‌دهد که آثار مولانا از نظر ساختاری بسیار به این نحله فکری نزدیک است. او در بخشی از مقاله‌اش می‌نویسد: «پسامدرنیسم در بسیاری از مبانی داستانی تغییراتی داد و از جمله آنها راوی داستان است. در پی اصل عدم قطعیت، راوی داستان جدید هم از حالت قاطع، آگاه، قابل اعتماد و تعیین شده پیشین خارج شد و به راوی غیر قابل اعتماد، ناآگاه، مردد و مشکوک تبدیل شد. این ویژگی‌ها دقیقاً در راوی داستان‌های مولوی به کار رفته است.»

در سایر مقاله‌های این مجموعه می‌توان به عنوانی همچون «مفهوم نمادین آتش در مثنوی» اصغر اسمعیلی تازه‌کندی، «آیا مثنوی چند صدایی است؟» حسین بیانلو، «گریه‌ها و خنده‌های مولوی» دکتر علی محمدی، «بررسی ساختار گفت‌وگو در داستان‌های مثنوی مولوی» دکتر بهناز بیامنی، «اساطیر در آثار مولانا» میترا پیشوازاده، «مثنوی و گفت‌وگوی چند آوا» دکتر حمیدرضا حسن‌زاده توکلی، «شخصیت‌پردازی و ایجاد ارتباط با مخاطب در مثنوی» دکتر مریم کهنسال و... اشاره کرد.

ادبیات کودک پشت درهای دانشگاه



راه اندازی یک رشته نمی تواند به همه جوانب این امر پردازد، از طرفی شاعران، نویسندگان و منتقدان کودک که از روی ذوق و سلیقه شخصی و به طور تجربی به این کار پرداخته اند نیز نمی توانند به تربیت نیروی متخصص در این زمینه پردازند، پس بهتر است که یا این دو گروه را با یکدیگر آشتی داد و یا از وجود افرادی به عنوان پل ارتباطی میان این دو دسته استفاده کرد.

آقایاری، نظریه پردازی در حوزه کودک و نوجوان را بسیار ضعیف می داند و می گوید: «ما در زمینه نظری، بسیار فقیریم و لازم است که نمایندگان تمام رشته های مرتبط در زمینه ادبیات کودک با نظرات گوناگون در مرکز واحد گرد هم آیند و از برخورد افکار آنها، حوزه نظریه پردازی شکل گیرد و تقویت شود و تا وقتی این مرکز که می توان از آن با عنوان فرهنگستان ادبیات کودک، یاد کرد، شکل نگرفته، قانونمند کردن این نوع ادبیات، حرف بیهوده ای است.»

افق های تازه

«رشته ادبیات کودک و نوجوان، می تواند به گشایش افق های روشن در این عرصه بینجامد چراکه با این کار، زمینه های تازه ای برای آفرینش های خلاقه و رشد استعدادهای اجتماعی، فراهم می آید.»

شهرام اقبال زاده، مترجم و منتقد ادبیات کودک و نوجوان می پندارد: «ادبیات کودک، یکی از رشته هایی است که قابلیت تدریس در دانشگاه ها را دارد و هستند افراد آگاه و دانشمندی که زبان و دنیای کودکان و شعر و ادبیاتشان را به خوبی می شناسند و می توانند به تدریس این رشته پردازند، هر چند رشته مورد نظر به خاطر وسعتی که دارد شاخه های گوناگونی چون پژوهش، نقد ادبی، تصویرگری، داستان کوتاه و... را دربرمی گیرد و کسی که به تدریس آن می پردازد باید دانش گسترده ای داشته و این شاخه ها را به خوبی بشناسد.»

وی به نقش مهم خلاقیت در این زمینه اشاره می کند و می گوید: «نمی توان انتظار داشت که تدریس این رشته در دانشگاه، به پرورش شاعر و نویسنده کودک منتهی شود، زیرا دانشگاه در درجه اول به انتقال و گسترش اطلاعات در میان مخاطبان می پردازد و سرودن و نوشتن برای کودکان، از کارهای خلاقانه و جوشی است. خلاقیت را هم نمی توان به کسی تزریق کرد.»

وی همچنین معتقد است، کسانی که قصد تدریس در رشته ادبیات کودک را دارند باید علاوه بر شناختن ذهن و زبان کودکان، ادبیات کهن را نیز به خوبی بشناسند و بتوانند بچه ها را با آداب و رسوم و متون قدیمی آشنا کنند.

همچنین مرتضی خسرو نژاد، عضو هیئت علمی و مدیر بخش ادبیات کودک دانشگاه شیراز از تدوین برنامه مربوط به رشته ادبیات کودک در مرکز مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز و توجه به جنبه های بومی و فرهنگی چنین رشته ای در ایران خبر داده است. طرحی که سه ماه پیش برای تصویب نهایی به وزارت علوم ارسال شده است.

وی ادبیات را لازمه زندگی انسان ها برمی شمارد و می گوید: «ادبیات کودک، جدای از زندگی او نیست و ما نمی توانیم آن را با آموزش یکی بدانیم؛ آیا تا به حال از خود پرسیده ایم این همه اطلاعات و معلومات تکراری به چه کار کودکان می آید و در کدام مرحله زندگی خود از آن بهره می گیرند؟ به باور من، آنچه در قالب آموزش برای کودکان مطرح می شود، سمی مهلک برای از بین بردن مخاطب و هویت ادبیات کودک است.»

این شاعر کودک معتقد است که وزارت علوم و نهادهای مرتبط با ادبیات کودک باید فراخوان بدهند و از کارشناسان دعوت کنند تا به تالیف کتاب هایی درخور تدریس در دانشگاه ها پردازند و آنچه تاکنون نوشته شده را نیز از صافی بگذرانند و اشکالات آن را برطرف کنند.

فرهنگستان ادبیات کودک، یک ضرورت

«ادبیات کودک و نوجوان، حوزه بسیار گسترده ای است که دانش های گوناگونی چون روانشناسی رشد، علوم تربیتی، علوم اجتماعی، زیبایی شناسی، فلسفه، جامعه شناسی و... را دربرمی گیرد و پژوهشکده های گوناگون و متفاوتی باید با نظارت وزارت ارشاد، آموزش و پرورش و کانون پرورش فکری ایجاد شود و یادر قالب فرهنگستانی با عنوان فرهنگستان ادبیات کودک، به فعالیت در این زمینه و معرفی استانداردهای آن پردازند.»

خسرو آقایاری، سردبیر کتاب ماه کودک و نوجوان، با تخصصی دانستن مقوله ادبیات کودک می گوید: «در هیچ کجای دنیا، به هر کس اجازه نمی دهند تا از روی ذوق و سلیقه شخصی و بدون دانستن علوم تربیتی، روانشناسی، جامعه شناسی و به طور کل، دانستن بیشتر نیازها به کار برای کودک و نوجوان پردازد.»

وی در ادامه بیان می کند: «با توجه به این که رشته ادبیات کودک و نوجوان به علوم دیگر وابسته است و دانستن این دانش ها، لازمه شناخت ذهن و زبان و ادبیات کودک است، آموزش عالی به تنهایی و با

نیست که ما ساده انگاری را با ساده نویسی برای بچه ها یکی دانسته ایم و با برگرداندن شعر گذشته به نثر امروز، لذت خواندن بخش های قابل فهم مثنوی و گلستان را از بچه ها دریغ کرده ایم.»

به عقیده ذوالفقاری نه در ایران که در هیچ کجای دنیا، وزارت علوم، رشته ای را به جامعه تحمیل نمی کند، بلکه افراد جامعه هستند که از وزارت علوم می خواهند متناسب با نیاز جامعه، رشته ای را به رشته های دیگر بیفزایند. اگرچه سازمان هایی چون آموزش و پرورش و صداوسیما، یا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز باید وارد عمل شده و به صورت هماهنگ برای رسیدن به هدفی واحد بکوشند.

اصل فراموش شده ادبیات کودک

«لذت، اصل فراموش شده ادبیات کودک است، به گونه ای که حتی افراد تحصیل کرده نیز فکر می کنند شعر و ادبیاتی که برای این گروه سنی به کار می رود، تنها باید جنبه آموزشی داشته باشد، بدون آن که لذت بخش و شادی آور باشد.»

اسدالله شعبانی، شاعر و نویسنده کودک و نوجوان، همچنین می گوید: «وجود رشته ادبیات کودک در سطح دانشگاهی ضرورت دارد چون تا به حال در این سطح به ادبیات کودک پرداخته نشده اما باید دید چه نگاه و برداشتی بر این رشته حاکم است. آیا تلقی عوامانه بر آن حکومت می کند یا افرادی آگاهی به تدریس در این زمینه می پردازند.»

شاعر مجموعه «شعرهای بی خیال میرزا»، محور دانستن آگاهی های خود را دلیل اصلی رکود ادبیات کودک می داند و می گوید: «همه افراد، خود را در زمینه کودک و نوجوان، صاحب نظر می دانند و دانسته های خود را محور قرار می دهند، به همین خاطر، ادبیات کودک ما در یک مرحله باقی می ماند و رشد نمی کند، زیرا شاعران و نویسندگان ما نقدپذیر نبوده و نمی توانند خود را در بوته داوری منتقدان ببینند.»

شعبانی، توجه به مفهوم کودکی را، مربوط به ۱۰۰ سال اخیر می داند و معتقد است: «مفهوم کودکی، مفهوم تازه ای است و در این صد سال مورد توجه قرار گرفته یعنی از آن زمان که کودکان و حقوقشان را به رسمیت شناختند بنابراین کسانی می توانند به تدریس این رشته پردازند که در درجه نخست، بچه ها و ادبیاتشان را بشناسند و با دنیای ساده و در عین حال پیچیده شان و همچنین با حق و حقوقشان آشنا باشند»

«هماهنگی های نهایی برای راه اندازی رشته ای دانشگاهی با عنوان «ادبیات کودک» در مقطع کارشناسی ارشد انجام شده و در صورت تصویب وزارت علوم، این رشته از سال آینده در دفترچه ثبت نام سازمان سنجش برای این مقطع تحصیلی قرار خواهد گرفت.» انتشار این خبر از سوی مرتضی خسرو نژاد عضو هیئت علمی و مدیر بخش ادبیات کودک دانشگاه شیراز از یک سو و این که رشته ادبیات کودک و نوجوان باید به چه نیازهایی پاسخ دهد، چه سرفصل هایی برای آن در نظر گرفته شود و آیا کتاب های نظری ما در این زمینه، آنقدر پربار هست که در سطح دانشگاهی تدریس شود از سوی دیگر، ما را بر آن داشت تا با چند تن از صاحب نظران در حوزه کودک و نوجوان به گفت و شنود پرداخته و نظرات آنها را در این زمینه جویا شویم.

حسن ذوالفقاری، استاد دانشگاه و مولف کتاب های درسی، به اهمیت جنبه های زبانی اشاره می کند و معتقد است: «این رشته باید به «زبان و ادبیات کودک» تغییر نام دهد چراکه جنبه های زبانی، یکی از مهم ترین مواردی است که در بررسی شعر و ادبیات کودک، باید به آن پرداخته شود؛ از طرفی، رشته های دیگر چون روانشناسی، جامعه شناسی، علوم تربیتی و... بر ادبیات کودک تاثیر می گذارند و به شناخت بیشتر و دقیق تر ما از کودک می انجامند، به همین خاطر، رشته زبان و ادبیات کودک، جزو «بین رشته ای» است و این ماهیت بین رشته ای کمک می کند تا فاق های گسترده تری به روی شعر و ادبیات این گروه سنی گشوده شود.»

وی وجود رشته ای چون «زبان و ادبیات کودک» را ضروری می داند و می گوید: «در گذشته نیز شاعران و ادیبان ما به کودکان اهمیت می داده اند و حتی شاعر بزرگی چون مولانا برای آنان به سرودن شعر پرداخته است اما امروز، حوزه های کودک گسترش پیدا کرده و منابعی که از شعر و ادبیات کودکان برداشت می کنند افزایش یافته است تا آنجا که قهرمان یا یکی از شخصیت های بسیاری از فیلم ها و نمایش های تلویزیونی، کودکان و نوجوانان هستند، از سوی دیگر خانواده ها به ضرورت توجه به نیاز کودکان خود پی برده و زمان بیشتری را به تعلیم و تربیت آنان اختصاص می دهند، به همین دلیل وجود رشته ای مستقل در دانشگاه ها ضروری است.»

ذوالفقاری کتاب های نظری منتشر شده در این زمینه را بسیار پربار می داند و معتقد است: «نویسندگان ما، در این سال ها توانسته اند آثار خوبی منتشر کنند و زبان و دنیای کودک را می شناسند، اگرچه ادبیات گذشته ما نیز منبعی غنی است که عقاید و باورهای ما را به کودکان امروز منتقل می کند، به جز آن در طول این سال ها، هم به لحاظ کیفی و هم کمی به رشد قابل توجهی در زمینه ادبیات کودک و نوجوان دست یافته و بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب نظری در این زمینه منتشر کرده ایم که اگر رشته ای با عنوان «زبان و ادبیات کودک» شکل گیرد هم می تواند به تئوری پردازی در این زمینه پردازد و هم متخصصان آگاه و ورزیده ای را پرورش دهد.»

ذوالفقاری در پایان به این که چه سرفصل هایی را می توان در این رشته گنجانده و به تدریس آن پرداخت، می پردازد: «در درجه اول باید زبان کودک و ویژگی های آن را شناخت؛ همچنین باید دانست که واژگان پایه مخاطبان امروز کدام است؛ ساده نویسی برای کودکان به چه معناست و چرا روزگاری کودکان به راحتی می توانستند گلستان و بوستان بخوانند و لذت ببرند، ولی امروز نمی توانند؟ آیا این به آن معنا

تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی جلال الدین محمد مولوی علامه محمد تقی جعفری

The Commentary Criticism & Analysis to The Mathnawi Molawi By: Allameh M.T.Jafari

آدرس: محفل دانشگاه تهران، خیابان آفراتر، نرسیده به چهارراه نظری، کوچه شهید فاطمی، دربان پلاک ۳۳۱، صندوق پستی: ۵۱۱ - ۱۳۴۵

تلفن و فاکس: ۰۲۱-۶۶۹۷۵۴۲۲ - ۰۲۱-۶۶۹۷۵۴۲۱



محبوبه نجف خانی درباره «جودی دمدی»:

طعم زالک را در ترجمه حفظ کردم

سال ۱۳۳۵ در تهران به دنیا آمده و فارغ التحصیل رشته مترجمی زبان انگلیسی از دانشگاه علامه طباطبایی است. فعالیت ادبی خود را با ترجمه «زیر درخت زالک» آغاز کرده و علاقه خاصی به ترجمه و انتشار مجموعه داستان‌های چند جلدی دارد که از آن جمله می‌توان به مجموعه آثار رولد دال، «جست و جوی دلنورا» و... اشاره کرد.

انتشار مجموعه پنج جلدی «جودی دمدی» ما را بر آن داشت تا با محبوبه نجف خانی به گفت‌وگو بنشینیم؛ همچنین با او از «زیر درخت زالک» سخن بگوییم. کتابی که ۱۳ سال پیش ترجمه و به تازگی منتشر و در فهرست کتاب‌های تشویقی سال ۱۳۸۵ معرفی شده است.

چرا مجموعه «جودی دمدی» را برای ترجمه انتخاب کردید؟

در یکی از سفرهایم، به طور کاملاً اتفاقی به اولین جلد این مجموعه برخورددم و آن را تهیه کردم، چون از اسم و تصاویر زیباییاش خوشم آمده بود. نویسنده به زیبایی توانسته فضای مدرسه را تصویر کند، همچنین ارتباط بچه‌ها با یکدیگر را به زیبایی نشان داده است و این همان چیزی است که دانش‌آموزان ما نیز با آن سروکار دارند.

پس به نوعی به الگوسازی پرداخته‌اید؟

احساس کردم شاید استفاده از این الگوها برای مهدکودک‌ها و مدارس سودمند باشد. جودی دختری است که با تکیه بر هوش و خلاقیت خویش، خود را به دیگران از جمله مربیان و اولیای مدرسه معرفی می‌کند و با همه تک‌روی‌هایش، در جمع دوستان و همکلاسی‌هایش حضور می‌یابد. به واقع می‌خواهم بگویم این رفتار می‌تواند الگوی مناسبی برای یک دانش‌آموز باشد.

شما علاقه خاصی به انتشار مجموعه‌ها دارید. ترجمه مجموعه‌های چندجلدی، کار دشواری است. چرا ترجمه این‌گونه آثار را بر کتاب‌های تک‌جلدی، ترجیح می‌دهید؟

شاید یکی از دلایل انتخاب مجموعه‌های چندجلدی این باشد که فکر می‌کنم، هر قدر مترجم، آثار بیشتری از یک نویسنده را بشناسد و ترجمه کند، سبک و سیاق نویسنده و ظرافت‌های کارش را بهتر و بیشتر می‌شناسد. بعد متوجه شدم که نویسنده جودی، مگان مک دونالد، به خاطر استقبال بچه‌ها، هر سال یک کتاب از این مجموعه را منتشر کرده است، به همین خاطر مجموعه پنج جلدی «جودی دمدی» (از سال ۲۰۰۵-۲۰۰۰ میلادی) را تهیه و ترجمه کردم، یکی دیگر از دلایلی که این مجموعه را برای ترجمه برگزیدم، طنزآمیز بودن آن بود زیرا بچه‌ها شادی را دوست دارند و لذت، اصل فراموش‌شده کتاب کودک است.

بعضی معتقدند، کودکان لایه‌های پنهان طنز را درک نمی‌کنند، شما با این افراد هم عقیده‌اید؟

بعضی نویسندگان و مترجمان، با پنهان شدن پشت بچه‌ها، کم‌کاری خود را توجیه می‌کنند و کودکان امروز را با کودکی خود می‌سنجند، به همین خاطر، داستان‌هایی که نوشته می‌شود، دغدغه‌های کودکی نویسنده است نه مشکل کودک امروز؛ من فکر می‌کنم بچه‌های امروز، لایه‌های زیرین طنز را هم درک می‌کنند و بسیار باهوش و به روزند، حتی گاهی به نکاتی اشاره می‌کنند که منتقدان، با زبانی دیگر به آن می‌پردازند.

یادداشت

آوا مرادی



در جست‌وجوی نور

شاید ابتدا با دیدن مجموعه «به دنبال...» از سری کتاب‌هایی با همین نام که توسط انتشارات ققنوس منتشر شده این فکر به ذهن برسد که با فرهنگنامه‌ای عادی روبه‌رو هستیم. و همین مسئله باعث پس زدن مخاطب نوجوان خسته از مباحث خشک درسی شود و مطالعه این مجموعه را به زمان دیگری موکول کند که به عنوان تکمیل پروژه درسی بتواند به آن مراجعه کند، اما وقتی برای مطالعه به سراغ این مجموعه برویم، متوجه خواهیم شد که با فرهنگنامه سرو کار نداریم، بلکه با مجموعه داستان‌هایی سرو کار داریم که با تم تاریخی نوشته شده است. آنچنان که ناشر پیشتر و در مراسم رونمایی این مجموعه عنوان کرده بود تعدادی از عناوین این مجموعه ترجمه و طبق قراردادی که با ناشر فرانسوی بسته شده است بخشی هم به نویسندگان ایرانی برای تالیف سپرده شده است. در حقیقت می‌توان مجموعه «به دنبال...» را به گروه‌های مشخص شخصیت‌های سیاسی، تاریخی، افسانه‌ها و اسطوره‌ها، کاشفان و جهانگردان و مخترعان تقسیم کرد. روایت این کتاب‌ها بسیار جذاب است. به نظر می‌رسد هدف از این مجموعه آگاهی دادن به نوجوانان است. متأسفانه مشکلی که برای این گروه سنی برای آشنایی با مباحث فوق‌ذکر شد، کاملاً مشهود است و همواره این گروه به دلیل نبود کتاب مناسب در انتخاب کتاب دچار مشکل می‌شوند. این مجموعه به هر حال مخاطبان زیادی را می‌تواند به خود جذب کند و چنانچه جنبه‌های تاریخی موضوع با نگاه داستانی پرداخت شود، ارتباط و خوانش متن را برای مخاطب ساده‌تر خواهد کرد. آخرین جلد از این مجموعه به دنبال محمد (ص) نام دارد که اخیراً توسط انتشارات ققنوس منتشر شده است. کتاب به دنبال محمد (ص) نوشته محمد حسینی، از مجموعه «به دنبال...» به زندگی پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) می‌پردازد.

در آغاز قرن ششم میلادی قبیله قریش در شهر مکه به دو گروه مهم و رقیب تقسیم شده بود. بزرگ یکی از این گروه‌ها، هاشم بن عبدمناف بازرگان ثروتمند و نیکوکار بود و در رأس گروه دیگر برادرزاده او امیه جای داشت. بعد از مرگ هاشم، رهبری بنی‌هاشم به پسرش عبدالمطلب رسید. در سال ۵۶۸ میلادی، عبدالله، پسر عبدالمطلب با آمنه بنت وهب ازدواج کرد که حاصل این پیوند، تولد مبارک پیام‌آور اسلام، حضرت محمد مصطفی (ص) بود. در این کتاب با حوادث و رویدادهای دوران کودکی حضرت محمد (ص) آشنا می‌شویم تا زمانی که ایشان تحت حمایت و سرپرستی عموی بزرگوار خویش ابوطالب قرار می‌گیرند و... خدیجه که از بزرگان و نجای مکه است با محمد (ص) که سرپرستی کاروان تجاری او را بر عهده دارد، ازدواج می‌کند، پانزده سال از زندگی مشترک آنان می‌گذرد، تا اینکه می‌شنود حضرت محمد (ص) به کوه حرا رفته است و هنوز بازنگشته است...

شاید زندگی پیامبر (ص) را بسیاری از نوجوانان در کتاب‌های گوناگون مطالعه کرده باشند اما نگاه و پرداخت نویسنده این کتاب محمد حسینی که در سابقه ادبی خود موفقیت‌های بسیار داشته باعث می‌شود تا مخاطبان نوجوان بتوانند علاوه بر ارتباط با متن اثر به زوایای زندگی پیامبر اسلام (ص) به گونه‌ای دقیق‌تر بنگرند؛ آن هم بانگاهی داستانی و با جذابیت‌هایی که چنین آثاری به دنبال خواهند داشت. از این مجموعه تا کنون ۱۲ عنوان منتشر شده است و علاقه‌مندان می‌توانند منتظر ادامه این مجموعه‌ها باشند.



بازی زبانی را با خواندن ترجمه هم دریابد و اندک مترجمانی به این کار مهم می‌پردازند.

«زیر درخت زالک» نخستین اثری بود که ترجمه کردید. کتابی که انتشار آن ۱۳ سال طول کشید.

علت این همه تاخیر چه بود؟

گاهی فکر می‌کنم. این کتاب هم سرنوشت شخصیت‌هایش را پیدا کرده است.

۱۴ یا ۱۵ سال پیش، وقتی از ایرلند به ایران برگشتم، یکی از دوستان ایرلندی‌ام کتاب «زیر درخت زالک» را برایم هدیه فرستاد و همسرم پیشنهاد کرد که آن را ترجمه کنم. کتابی که به یک ناشر جوان و تازه‌کار سپرده و با کیفیتی بسیار پایین و توزیع نامناسب منتشر شد. پس از آن، کتاب را در اختیار انتشارات حوزه هنری قرار دادم و بعد از پنج سال، بی‌نتیجه به انتشارات امیرکبیر سپردمش که بالاخره پس از سه سال انتظار، به چاپ رسید و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت.

کتابی که از طرف کتاب سال جمهوری اسلامی

مورد تقدیر قرار گرفته است...

اول بگویم که من اصلاً از موضوع جایزه خبر نداشتم. از خانه کتاب با من تماس گرفتند و گفتند کتابت از طرف کتاب سال مورد تقدیر قرار گرفته است. به هر حال جلد سوم این مجموعه هم به زودی منتشر می‌شود و منافع حاصل از فروش هر سه جلد، وقف امور خیریه شده است. البته قرار بود روی جلد کتاب هم جمله‌ای ذکر شود که این مسئله را نشان دهد ولی ناشر فراموش کرد این کار را نکند. قرار شد در جلد سوم و چاپ‌های بعدی، این نکته اضافه شود.

آیا چاپ و انتشار آثار ترجمه در حوزه ادبیات کودک، مانع مطالعه کتاب‌های تالیفی توسط کودکان نمی‌شود؟

نویسندگانی که آثارشان، مخاطب‌چندانی ندارد، دست به تخریب ترجمه زده و آن را دشمن تالیف می‌دانند. در هر حال ترجمه گاهی باعث می‌شود ژانرهای تازه‌ای پدید آید و نویسندگان مطرحی متولد شوند تا آنجا که ترجمه آثار اسکار وایلد، بر روی هانس کریستین آندرسن تاثیر می‌گذارد یا ترجمه افسانه‌های برادران گریم موجب می‌شود تا کشور‌های دیگر هم به جمع آوری افسانه‌های خود بپردازند. قطعاً ترجمه‌های خوب و موفق به اعتلای فرهنگی کشورها می‌انجامد و پسند مخاطب را بالا می‌برد. البته مترجمان، شاهکارهای ادبیات جهان را برای ترجمه انتخاب می‌کنند و به باور بعضی، به یک نبرد نابرابر با نویسندگان می‌پردازند، اما به هیچ عنوان نمی‌توان از ترجمه روی گرداند.

تا چه اندازه به اصل متن، وفادار می‌مانید؟

من، همواره تلاش می‌کنم تا کتاب‌هایی را برای ترجمه انتخاب کنم که به فرهنگ و آداب و رسوم ما نزدیک بوده و به مسائلی پرداخته باشند که شمول و کلیت بیشتری دارد، به همین خاطر، در عین وفاداری به متن، شرایط سنی و حوصله و دقت مخاطب خود را هم در نظر گرفته و به بازی با کلمات فارسی پرداخته‌ام و در تمامی ترجمه‌ها اگرچه لفظ به لفظ را به فارسی برنگردانده‌ام اما به لحن و زبان خاص نویسنده هم پایبند بوده و خواسته‌ام تا آن‌را به خواننده هم منتقل کنم. برای مثال، وقتی می‌گویید: «بازی‌های زبانی رولد دال فوق‌العاده است» خواننده باید این



درنگ در ریشه‌ها



ننه گیلانه، زنی روستایی است که در کوران آغاز جنگ ایران و عراق از یک طرف درگیر نگرانی‌های دختر باردارش از بمباران خانه و مفقود شدن شوهر و از طرف دیگر نگران مسائل عاطفی

پسرش و تمایل او برای اعزام به جبهه جنگ است. سال‌ها بعد او روزمرگی رادپرستاری شبانه‌روزی از فرزند شیمیایی شده و تلاش برای کسب قوت لایموت تجربه می‌کند. نگاه به دفاع مقدس از دریچه بررسی پشت جبهه و توجه به ترکش‌های آشکار و نهانی که خارج از جبهه‌ها و خطوط مقدم، دل‌اجتماع را نشانه می‌روند و آثار دردناکش تا سال‌های سال باقی می‌ماند؛ از جمله مسائلی است که در این فیلم‌نامه مورد توجه قرار گرفته است.

گیلانه بسیار مستقیم و بی‌پیرایه به ریشه‌ها می‌پردازد و از مشکلاتی می‌گوید که حتی با گذر زمان نیز هنوز التیام نیافته‌اند. قهرمان گیلانه زنی است که جنگ، زندگی و فرزندش را سیاه کرده است و هر چند کوه وار در مقابل این بلا ایستاده و دم نمی‌زند اما بدل به نماد تمام قهرمانان گمنامی می‌شود که قربانیان اصلی خشونت و تباہی در همه جای دنیا هستند. از نگاهی دیگر، گیلانه، نگاهی است به دو مقطع از زندگی، یک زن و خانواده شمالی که در کوران جنگ تحمیلی دچار آسیب‌های ماندگار می‌شود و دو ساختار متفاوت به عنوان کانون نقطه‌گذاری بر این دو مقطع عمل می‌کنند.

در نیمه اول که سال‌های نخست جنگ را دربر می‌گیرد، وقوع جنگ شهرها و بمباران تهران، بهانه حرکت فیلم از تعادل اولیه و ترسیم بحران است. عزیمت گیلانه برای یافتن شوهر گمشده، دخترش و پیامدهای آن، بهانه‌ای است برای ترسیم این حرکت به سمت بحران که در تضاد با آغاز و شرایط اولیه داستان قرار دارد.

در این حرکت است که اشکال گوناگون پیامدهای اجتماعی جنگ راد قالب داستانک‌های کوتاه و زندگی‌های متفاوتی که با وجه مشترک گریز از ترکش‌های ویرانگر آن در جاده‌ها آواره‌اند می‌بینیم و نقطه اوج این بحران فراینده در پایان این پاره و ورود نخستین قربانی مستقیم یعنی اسماعیل داوطلب - که زخم شیمیایی بر جان دارد - است.

نیمه دوم فیلم در چرخشی آشکار حاوی فضایی است که بر زندگی روزمره گیلانه و اسماعیل تحمیل شده است. پرستاری از فرزندی جانباز به موازات چرخاندن چرخ زندگی و حفظ کبان به جا مانده برای خانواده بی‌آنکه بدل به روزمرگی شود؛ زندگی روزانه گیلانه است و در این سکون تحمیل شده؛ بر خلاف نیمه نخست فیلم آدم‌های مختلفی می‌آیند و می‌روند و ترسیم پس‌زمینه‌های اجتماعی راد حاشیه زندگی این دو قهرمان گمنام برعهده می‌گیرند.

شاید دشواری‌های فیلم از چالشی بیاید که از تقابل ساختاری این دو نیمه نتیجه می‌شوند. می‌دانیم که این نیمه دوم در اصل، یک اپیزود مستقل از فیلمی سه‌اپیزودی بود که دو بخش دیگر آن ساخته نشد. بنابراین کار دشوار افزودن ابتدای داستان پس از نمایش موفق آن در جشنواره فجر آغاز شد. با این چالش دشوار، که نه تنها کلیت فیلم لطمه نینداند بلکه برخی مایه‌های فرعی با پنهان آن را هم گسترش دهند و حاصل کار هر چند فاقد نقصان آشکار و در راستای همان ایده اولیه عمل می‌کند. هوشمندی نویسندگان فیلم‌نامه سبب می‌شود که فیلم‌نامه در این وضعیت نیز از ساختار منسجمی برخوردار باشد.



گزارشی از چگونگی شکل‌گیری فیلم‌نامه «گیلانه» در گفت‌وگو با نویسندگان آن

حماسه در کلبه روستایی



بر اساس شیوه همیشگی، در پژوهش موضوع را کشف کردیم و موضوع فیلم گیلانه بر اثر پژوهش به دست آمد و بعد فیلم‌نامه‌اش نوشته شد. «بنی اعتماد در مورد ساختار فیلم‌نامه که در عین واقع‌گرایانه بودن، نوعی بیان تجربیدی نیز دارد، می‌گوید: «تفاوت یک فیلم واقع‌گرای اجتماعی با گزارشی مستند از یک واقعه، این جا معلوم می‌شود. وقتی ما درباره یک فیلم‌نامه اجتماعی حرف می‌زنیم، به این معنی نیست که هر آنچه در دنیای واقعی وجود دارد مورد توجه قرار گیرد. این دیگر سینما نیست، به نظر من سینمای واقع‌گرا، واقعیت را در حکمیت خودش جمع می‌کند و از مرحله استحاله می‌گذراند و حاصل کار می‌شود واقعیتی از نگاه فیلمساز بر پرده سینما.»

گیلانه چنانچه پیشتر نیز به آن اشاره شد، بخش مهمی از دو برهه تاریخی را به تصویر می‌کشد. در این فیلم‌نامه به زندگی قشرهای مختلف اجتماعی اشاره می‌شود. محسن عبدالوهاب، داین مورد می‌گوید: «از زاویه‌های مختلفی می‌شود به فیلم نگاه کرد. برای من همیشه این بخش جالب بود که قشرهایی از جامعه در این کشور بوده‌اند و فشارها و آسیب‌های جنگ را نیز تحمل کرده‌اند و کمتر به آنان پرداخته شده است. گیلانه از این جهت برای من ارزشمند است که بیانگر مشکلات و دغدغه‌های همه مردم ایران در برابر جنگ است، چه رزمندگان و چه خانواده‌ای کوچک که در کلبه‌ای کوچک تر به دنبال دلخوشی‌های کوچک و زندگی ساده خویش است.»

جنگ و مسائل اجتماعی آن دوران است. بنی اعتماد در مورد انتخاب این چهره و شخصیت که با بازی فاطمه معتمدآریا شکل گرفته می‌گوید: «همه حماسه جنگ و مقاومت در جبهه شکل نمی‌گیرد. حماسه در دورترین نقاط دور از جبهه و توسط آدم‌هایی که هیچ وقت دیده و شناخته نمی‌شوند هم رقم می‌خورد. زن‌هایی که کوله‌بار دشواری‌های زندگی را بر دوش کشیده‌اند تا مردانشان در جبهه بجنگند نیز قهرمان‌هایی حماسی هستند.» وی می‌افزاید: «از زاویه‌های مختلفی می‌توان به دفاع مقدس پرداخت و آن را به تصویر کشید. زاویه‌ای که ما انتخاب کردیم پیامد نقش تاثیرگذار گروه زنان بود. ما از ابتدا تصمیم نداشتیم درباره زنان فیلم بسازیم.

چنان که کارشناسان معتقدند، مرحله پیش تولید را می‌توان یکی از سه مرحله اساسی تولید یک فیلم دانست. نوشتن فیلم‌نامه و شکل‌گیری آن یکی از مهم‌ترین رویدادهایی است که در این مرحله رخ می‌دهد. اگر فیلم‌نامه‌ای خوب و ساختارمند شکل گیرد، مراحل بعدی تولید فیلم راهی آسان‌تر را پیش روی خواهد داشت و گزینه عوامل و سازندگان فیلم دچار مشکل خواهند شد. چگونگی شکل‌گیری روایت، شکل‌گیری شخصیت‌ها، فضاهای داستانی، حرکت‌ها و تمام آن چیزهایی که فیلم‌نامه را شکل می‌دهند، در این مرحله روی می‌دهند. چه بسا یک فیلم‌نامه بد می‌تواند به راحتی سرمایه تهیه‌کنندگان را بر باد دهد.

کارشناسان سینمایی اذعان دارند که ضعف فیلم‌نامه، یکی از مسائل مهم بدنه سینمای ایران است. انتشار فیلم‌نامه‌های برگزیده در کنار نمایش فیلم‌های ساخته شده از روی آنها، می‌تواند گام مؤثری برای برطرف کردن این مشکل سینمای ایران باشد. از دیگر سو، نقد و تحلیل این فیلم‌نامه‌ها را نیز می‌توان بسیار مثبت ارزیابی کرد. فیلم‌نامه‌رامی‌توان‌به‌مثابه‌یک‌متن‌مکتوب‌مورد‌بررسی‌قرار‌داد‌و‌آن‌را‌به‌محک‌نقد‌سنجید، چرا که کم‌تر پیش می‌آید از یک فیلم‌نامه قوی و ساختارمند، فیلمی ضعیف ساخته شود.

گیلانه را می‌توان یکی از آثار موفق چند ساله اخیر سینمای ایران دانست. این فیلم که به گمان بسیاری از جمله بهترین ساخته‌های سازنده‌اش نیز هست؛ داستان و سرگذشت یک رزمنده و دردهای ناشی از جراحاتش است که حتی سال‌ها بعد از جنگ نیز ادامه دارد. نویسندگان این فیلم‌نامه به این منظور دو برهه از تاریخ معاصر را انتخاب کرده‌اند. آنها از سویی به سال‌های پایانی جنگ پرداخته‌اند که بمباران‌های شیمیایی و غیرانسانی یعنی‌ها‌در‌نبردی‌نابرابر‌جوانان‌ایرانی‌را‌دچار‌جراحات‌های‌بسیاری‌کرد‌و‌از‌سویی‌دیگر‌به‌سال‌های‌نه‌چندان‌دور‌پرداخته‌اند‌که‌آمریکا‌عراق‌را‌مورد‌حمله‌قرار‌داد. چه در دوره اول که رزمنده و شخصیت اول فیلم «اسماعیل» (با بازی بهرام رادان) حضور کمتری در آن دارد و در جبهه به سر می‌برد و شیمیایی می‌شود چه در دوره دوم که به ذکر مصائب او پرداخته می‌شود، فیلم به بیان مسائل و مشکلات رزمندگان و خانواده ایشان می‌پردازد.

رخشان بنی‌اعتماد که همواره مشکلات اجتماعی را دستمایه کار خویش قرار داده، در مورد انتخاب داستانی در مورد جنگ تحمیلی می‌گوید: «جنگ از مقوله‌هایی است که پرداختن به آن اجتناب‌ناپذیر است. قبل از گیلانه نیز فیلم‌نامه دیگری نوشته بودم و در آن جانبازان را دستمایه قرار داده بودم، اما به هر حال می‌خواستم کمی با فاصله از جنگ، کاری در موردش انجام دهم. پیشنهاد طرح گیلانه که چند سال بعد از جنگ مطرح شد، مرا با فضای تازه‌ای روبه‌رو کرد که می‌توانستم با نظر و میل خودم و از زاویه‌ای مطلوب به آن نگاه کنم.» محسن عبدالوهاب که فارغ‌التحصیل مدرسه عالی سینما تلویزیون (دانشکده صداوسیما) است و یکی از سه فیلم‌نامه‌نویس گیلانه به شمار می‌آید، به فیلم‌های مختلفی اشاره می‌کند که حتی سال‌ها بعد از جنگ ساخته می‌شوند و به این موضوع می‌پردازند.

یکی از شاخصه‌های گیلانه حضور یک زن به عنوان شخصیت محوری و اصلی آن است. این زن که بار مسئولیت عظیم مراقبت از فرزند رزمنده‌اش را به عهده دارد، در زمان جنگ نیز با مشکلات فراوانی روبه‌رو بود. داماد او در این زمان به سرپازی رفته بود و دختر باردارش او را برای یافتن شوهرش به تهران می‌برد. ماجرای سفر این دو اگر چه کوتاه، اما بازنمایی واقع‌گرایانه از روزهای

خانه کتاب برگزار می‌کند:
همایش ایران و سیاست جهانی در آغاز قرن بیستم در:
«یکصدمین سالگرد قرارداد ۱۹۰۷»

محورهای همایش:

الف) مباحثات نظری
 - جایگاه ایران در سیاست جهانی نخستین سال‌های قرن بیستم
 - سیاست خارجی ایران و بازی بزرگ
 - روسیه و بریتانیا، از رقابت تا همکاری: عقل و پیمانها (با محوریت ایران)

ب) ایران، قرارداد ۱۹۰۷، زمینه‌ها و پیامدها
 - نقش قدرت‌های بگانه در تأکیدی مشروطیت
 - زمینه‌ها و عقل انعقاد قرارداد ۱۹۰۷
 - واکنش دولت و ملت ایران به قرارداد ۱۹۰۷ (مجلس شورای ملی، دولت، مطبوعات، انجمن‌ها و...)
 - اثرات و پیامدهای قرارداد ۱۹۰۷ در مناسبات و سیاست خارجی ایران دهه‌های بعد
 - اثرات قرارداد ۱۹۰۷ م بر سرنوشت و سرنوشت جنبش مشروطه ایران
 - مواضع دولت‌های دیگر در برابر قرارداد ۱۹۰۷ م (آلمان، فرانسه، ...)

ج) معن‌شناسی و سندشناسی قرارداد ۱۹۰۷ م

تولیم همایش:

- مهلت ارسال خلاصه مقالات تا ۲۰ آذرماه ۱۳۸۶
 - مهلت ارسال اصل مقالات تا ۲۰ دی ماه ۱۳۸۶
 - زمان برگزاری همایش: بیست‌و‌هفتم و بیست‌و‌هشتم بهمن‌ماه ۱۳۸۶

نشانی دبیرخانه
 تهران: خیابان یوسف‌آباد - خیابان نسیم - بلاک ۴، طبقه دوم - واحد ۴ غربی
 تلفن: ۸۸۹۵۳۲۱۴



مخاطبان نمایشنامه‌ها چه کسانی هستند؟

اجرای نمایش بر صحنه مکتوب

شاهد یک رویکرد «اجتماعی» بوده‌ام. رایانی یکی از مشکلات بزرگ در عرصه نمایشنامه را ترجمه می‌داند، او در این باره تصریح می‌کند: «متأسفانه ترجمه‌ها اغلب دچار خدشه هستند. عامل این قضیه نه همیشه ضعف مترجم که در بیشتر مواقع تفاوت‌های فرهنگی است. ترجمه نمی‌تواند بار فرهنگی کلام را منتقل کند. حال بگذریم از آهنگ و موسیقی کلام. این مشکل تنها با یک روش حل می‌شود و آن هم «تالیف. ترجمه» است.»

برای حرفه‌ای‌ها

نغمه ثمنی نیز چون دیگران اصلی‌ترین مخاطبان تئاتر را دانشجویان و حرفه‌ای‌های تئاتر می‌داند. او با ابراز تأسف از این وضع گفت: «در حوزه‌های دیگر وضعیتی برای مطالعه نمایشنامه وجود ندارد؛ مگر کسانی که در پی یافتن موضوع و ایده یا حتی یافتن نویسندگان مستعد برای سینما هستند.»

وی اصطلاح «جزایر سرگردان و بی‌ارتباط» را در مورد رابطه ادبیات نمایشی با شقوق دیگر ادبیات استفاده کرد و گفت: «ارتباط میان ادبیات و ادبیات نمایشی بسیار به ندرت رخ می‌دهد. در این مورد تنها کارهای محدودی وجود دارد؛ مثلاً کارهایی که آقای چرمشیر با نگاه به چند داستان کوتاه غربی نوشته‌اند. در عین حال باید بگویم که احساس می‌کنم ادبیات نمایشی در ایران ظرفیت تأثیرگذاری بر ادبیات دارد.» این استاد گروه تئاتر دانشکده هنرهای زیبا معتقد است کیفیت کارها بسیار تحت تأثیر شرایط سخت کنونی ماست و گفت: «وقتی به جای یک تئاتر شهر، دو تئاتر شهر داشته باشیم، وقتی نمایشنامه‌نویسی بتواند به عنوان شغلی درآمدزایی حساب آید وضعیت نمایشنامه‌نویسی بهتر خواهد شد. به هر حال ادبیات نمایشی، می‌خواهد که دیده شود، می‌خواهد بر صحنه رود؛ برخلاف ادبیات محض که گاهی به درونگرایی هم تمایل دارد. در مورد کیفیت کارها این را هم بگویم که چند وقتی است در تئاتر نمی‌توان از نظر متن شگفت زده شد.»

او ریشه این ضعف‌ها را این‌گونه می‌شمارد: «علاوه بر مواردی که ذکر شد، اگر بخواهیم واقع‌گرایانه نظر دهیم باید مسائل دیگری هم مورد توجه قرار گیرد: یک سوءتفاهم وجود دارد و آن این که سریع بنویسیم و ایرادات کار را روی صحنه از میان ببریم. در حالی که این کاری کاملاً غیراصولی است. متن نپخته هیچ نتیجه‌ای ندارد. نقاط ضعف نمایشنامه حتماً باید پیش از آغاز تمرینات اصلاح شود. نکته دوم این که ما در نمایشنامه‌هایمان دچار فقر موضوع شده‌ایم. این همان اتفاقی است که در سینما هم افتاده. موضوعات محدود شده‌اند. بسیاری اوقات خود نویسنده‌ها موضوعات خود را قیچی می‌کنند و به دور می‌ریزند. ما در سرزمین انواع موضوع‌ها هستیم ولی در نمایشنامه‌هایمان دچار تکرار شده‌ایم. شاید عجیب باشد، اما در فرم نمایشنامه پیشرفت‌مان قابل ملاحظه بوده است؛ البته شاید این به خاطر نداشتن پیشینه در تئاتر است. پیشینه‌ای که مثلاً در تئاتر انگلستان خود را بر امروز تحمیل می‌کند.»



تئاتر شهر که از سال ۶۲ وارد عرصه تئاتر شده است، ۹۵ درصد خوانندگان نمایشنامه‌ها دانشجویان هستند. او در مورد تأثیرپذیری یا تأثیرگیری نمایشنامه از حوزه‌های دیگر هم می‌گوید: «نمایشنامه همیشه با هدف اجرا نوشته می‌شود. حتی نمایشنامه‌های خواندنی یا کلوزت‌ها هم برای اجرا نوشته شده‌اند. تنها به کاربردن صنایع ادبی خاص و ظرایف زبانی باعث شده است آنها را «نمایشنامه‌های خواندنی» بدانیم. به این ترتیب نمایشنامه‌ها رو به اجرا می‌روند، نه رو به داستان و متن و شخص است که در این راه تنها می‌تواند از رمان یا دیگر حوزه‌های ادبیات به عنوان پشتوانه استفاده کند. پشتوانه‌ای که منجر به اجرا خواهد شد. از اینجا است که نمایشنامه تأثیرپذیر از ادبیات است. در عین حال بسیاری از تکنیک‌های روایی فیلم‌های کشورمان از نمایشنامه‌ها وارد سینما شده‌اند. تکنیک‌هایی مانند شکستن زمان، درهم ریختگی زمان، تغییرات متعدد یک رخداد و... ضمناً نمایشنامه‌ها همیشه منابع خوبی برای اقتباس‌های سینمایی بوده‌اند.» این عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد در مورد وضعیت چاپ و نشر نمایشنامه نیز می‌گوید: «به گمانم وضعیت چاپ بد نیست. ما در چند سال اخیر از نظر شمارگان و وضعیت چاپ روندی بسیار نوسانی را دیده‌ایم به طوری که از سال ۷۶ تا ۸۱ و ۸۲ روندی صعودی را در بازار نشر نمایشنامه شاهد بودیم. پس از آن تا سال ۸۵ روند نزولی آغاز شد. اما با آغاز سال جدید نمودار دوباره جان گرفته. اما همان‌طور که همه می‌دانند وضعمان کلاً در زمینه کتاب خوب نیست. در مورد نمایشنامه هم تا رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله‌ای قابل توجه داریم.» رایانی نیز همچون علیرضا نادری رویکرد غالب در نمایشنامه‌ها را رویکردی «اجتماعی» می‌داند. او در زمینه موضوعاتی که نمایشنامه‌نویسان به آنها گرایش نشان می‌دهند می‌گوید: «در هر جا که حضور داشته‌ام، در جشنواره‌ها، مسابقات، بازخوانی‌ها، نمایشنامه‌خوانی‌ها و...»

می‌داند: «اگرچه شاید در حوزه ادبیات داستانی با تلاش و تعمق نویسندگان نبود پشتوانه نمایشنامه جبران شده باشد، اما در بخش سینما این‌گونه نیست، به همین دلیل است که فیلم‌های ما موقعیت‌های نمایشی ندارند، دیالوگ به معنای درست و واقعی کلمه ندارند، شخصیت ندارند. اینها همه به خاطر آن است که سینماگران ما غالباً با نمایشنامه و نمایش درگیر نبوده‌اند؛ در حالی که تاریخ سینما با ضبط تئاتر آغاز می‌شود.»

وی در مورد کیفیت نمایشنامه‌هایی که نوشته می‌شوند هم می‌گوید: «به نظر من آثار نمایشی بسیار خوب و قابل توجهی نوشته می‌شود، ولی اصلاً به چاپ نمی‌رسد. مدام در بر خوردهایی که با دانشجویان و دیگر حرفه‌ای‌های حوزه نمایشنامه‌نویسی دارم، شاهد آثار بسیار باارزشی هستم که فرصت چاپ را نمی‌یابند.» او علت اصلی این قضیه را نبود مدیریت صحیح در جهت توزیع و پخش نمایشنامه‌های چاپ شده می‌داند و مسئولیت این حرکت را بر دوش انجمن نمایش می‌گذارد: «تنها تعداد معدودی کتابخانه وجود دارند و آنها هم تعداد کمی نمایشنامه خریداری می‌کنند. در این شرایط این انجمن‌های نمایش سراسر کشور هستند که می‌توانند بین مردم، خوانندگان و ناشران یک ارتباط با حساب و کتاب و مداوم برقرار کنند. آنها می‌توانند نمایشنامه را تهیه کنند و در اختیار مردم بگذارند. اگر این اتفاق بیفتد، مشخص است که ناشران احساس می‌کنند چاپ نمایشنامه نیز کاری سودده است.» او ضمن ابراز تأسف از شمارگان بسیار پایین نمایشنامه از متولیان فرهنگی می‌خواهد در این زمینه وارد عمل شوند و در عین حال می‌گوید: «مرکز هنرهای نمایشی بخشی به نام اداره امور شهرستان‌ها دارد که از طریق آن می‌تواند نمایشنامه‌های چاپ شده را به انجمن‌های نمایش شهرستان‌ها بفرستد. انجمن‌های نمایش شهرستان‌ها بسیار مشتاق‌اند.»

دانشجویان، نمایشنامه‌خوان‌های حرفه‌ای
اما به عقیده مهرداد رایانی مخصوص، مدیر فعلی

چنانچه می‌دانیم، نمایشنامه جدا از آن که اجرا شود یا نه، فی‌نفسه حاوی ارزش هنری است. نمایشنامه را یکی از شاخه‌های ادبیات می‌دانند، حوزه‌ای که با عنوان «ادبیات نمایشی» از دیگر حوزه‌های ادبیات متمایز می‌شود؛ در حالی که فیلمنامه فی‌نفسه اثر هنری تلقی نمی‌شود؛ اگرچه خواندن آن برای فیلم‌پژوهان و دوستان سینما جذاب و حاوی آموزه‌های فراوان است. در تاریخ نمایشنامه‌نویسی نمایشنامه‌نویسان فراوانی را می‌شناسیم که اساساً با هدف اجرا، نمایشنامه نمی‌نوشتند. بارزترین نمونه این نمایشنامه‌ها «سه‌نه‌کا» است. او که در زمان امپراطوران خونریز روم باستان می‌زیست، به روشنی می‌دانست که حاکمان خودکامه زمان، بر صحنه نمودار شدن اندیشه‌هایش را بر نمی‌تابند؛ به این ترتیب از بنیاد به سوی نگارش نمایشنامه‌هایی رفت که تنها به قصد خواندن نوشته می‌شدند.

وجود چنین سنت‌هایی در تاریخ نمایشنامه‌نویسی نیز و امداری هنر نمایش به ادبیات و به گفت‌وگو که امری قابل کتابت است، عواملی است که نمایشنامه را فارغ از آن که بر صحنه اجرا شود یا نه، حاوی ارزش‌های هنری در خور می‌کند که به واسطه آنها خواندن نمایشنامه نیز بر خورد با اثر هنری تلقی می‌شود. آنچه در پی می‌آید گفت‌وگو با سه تن از نمایشنامه‌نویسان پرکار این سال‌ها، درباره وضعیت کلی نمایشنامه در حوزه‌های مکتوب است. علیرضا نادری، نغمه ثمنی و مهرداد رایانی مخصوص علاوه بر نمایشنامه‌نویسی در حوزه‌های دیگر هنرهای نمایشی هم فعالیت داشته‌اند و هم‌اکنون از مدرسان نمایشنامه‌نویسی در گروه‌های تئاتر دانشکده‌های پایتخت هستند.

علیرضا نادری معتقد است رجوع به نمایشنامه چنان‌که در همه جای دنیا متداول است در کشور ما وجود ندارد. او مخاطبان نمایشنامه‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند: «حرفه‌ای‌ها و افرادی که به طور سازماندهی شده با تئاتر درگیر هستند»، دانشجویان تئاتر و «مردم عادی» که البته تعداد دسته اخیر بسیار محدود و معدود است. او از این که حتی دانشکده‌های فعال تئاتری بسیاری از دانشجویان نمایشنامه‌های مهم و بسیار تأثیرگذار را نمی‌خوانند ابراز شگفتی می‌کند و می‌گوید: «الگوی امروزی رمان ما دارای وضعیت‌های نمایشی فراوان است. شما رمان‌هایی را می‌بینید که مانند صحنه‌های نمایشنامه نوشته می‌شوند. گفت‌وگوهایی را می‌بینید که پیش از این تنها در نمایشنامه‌ها دیده می‌شدند، اما نکته اینجاست که ورود این وضعیت‌های نمایشی به رمان از طریق نمایشنامه‌ها نبوده است. اینها حاصل تلاش نویسندگان همان حوزه مزبور بوده.» وی که سال‌ها استاد اصول و فنون نمایشنامه‌نویسی در دانشگاه تهران بوده، ریشه ضعف سینمای امروز کشور را در نداشتن پشتوانه تئاتری به ویژه در حوزه نمایشنامه

قم • خیابان صفائیة • کوچه ممتاز
تلفن: ۰۲۵۱-۷۸۳۰۹۴۰
همراه: ۹۱۲۳۵۳۰۱۶۸

مرکز نشر سنابل



پرستو مهاجر

اطلاعات شما در زمینه نحوه وقوع زلزله چقدر است؟ آیا می دانید خانه‌ای که در آن زندگی می کنید تا چه حد نسبت به این حادثه طبیعی مقاومت دارد؟ اصلا می دانید گسل چیست و محلی که در آن زندگی می کنید نسبت به این گسل‌ها در چه موقعیتی قرار دارد؟ نویسنده کتاب «آنچه از زمین لرزه نمی دانید!» سعی داشته در این اثر اطلاعات جامع و کاملی را از نحوه وقوع، پیشگیری، مقابله و برخورد با مشکلاتی که پس از این حوادث رخ می دهد در اختیار مخاطب قرار دهد زیرا اطلاع داشتن از آنها مهم ترین چیزی است که در این حوادث به کمک ما می آید تا آسیب های ناشی از وقوع چنین حوادثی را به حداقل برسانیم. دکتر رامین صادقیان نویسنده جوان این کتاب متولد ۱۳۵۷ و عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینای همدان است و این کتاب اولین تجربه نویسندگی اوست.

کتابخانه روی و بیره

می گویند زلزله را نمی شود پیش بینی کرد اما درباره اش مطالعه که می شود کرد، مطالعه در مورد پدیده طبیعی ای که با شنیدن نامش، معمولاً ترس و وحشت هم همراهش می آید و به همین خاطر نتایج مطالعات باید به کم شدن میزان خسارت های ناشی از آن منجر شود و البته به دلیل واقع شدن ایران بر روی یکی از خطوط اصلی زلزله، مطالعاتی از این دست بسیار مهم و حیاتی به نظر می رسند. بهترین مکان برای انجام این مطالعات کتابخانه تخصصی و مرکز اسناد پژوهشگاه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله است. توضیحات بیشتر در مورد این کتابخانه، نوع منابع و نشریات آن را از زبان نعمتی کارشناس ارشد این کتابخانه می خوانید.

کل کتب موجود در این کتابخانه در مجموع ۹۰۵۵ جلد شامل ۳۱۲۷ جلد و ۲۰۸۰ عنوان فارسی و ۵۹۵ جلد و ۴۲۱۴ عنوان لاتین هستند و ۳۴۷ عنوان پایان نامه فارسی و لاتین نیز در این کتابخانه موجود است.

همچنین ۶۰۰۰ فریم عکس و اسلاید زلزله، ۱۸۷ عنوان نشریه لاتین، ۱۲۵ عنوان نشریه فارسی و ۳۵۰۰ نقشه و ۴۰۰۰۰ قطعه عکس هوایی از دیگر منابع موجود اینجاست که در محیطی حدود ۲۷۸ متر مربع همراه با سالن مطالعه جای گرفته اند.

مخاطبان کتابخانه اعضای هیئت علمی و دانشجویان پژوهشگاه و اعضای طرح غدیر (کتابخانه های تحت پوشش وزارت علوم و مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران) هستند، اما متقاضیان آزاد با مدرک لیسانس به بالا می توانند از این مجموعه بهره برداری و با مراجعه حضوری از این منابع استفاده کنند. در ضمن بانک های اطلاعاتی موجود نیز فقط در اختیار اعضای هیئت علمی، دانشجویان و همکاران پژوهشگاه قرار خواهد گرفت. این نکته نیز قابل ذکر است که اکثر منابع موجود به هر دو صورت چاپی و الکترونیکی (E-book) در کتابخانه موجود است.

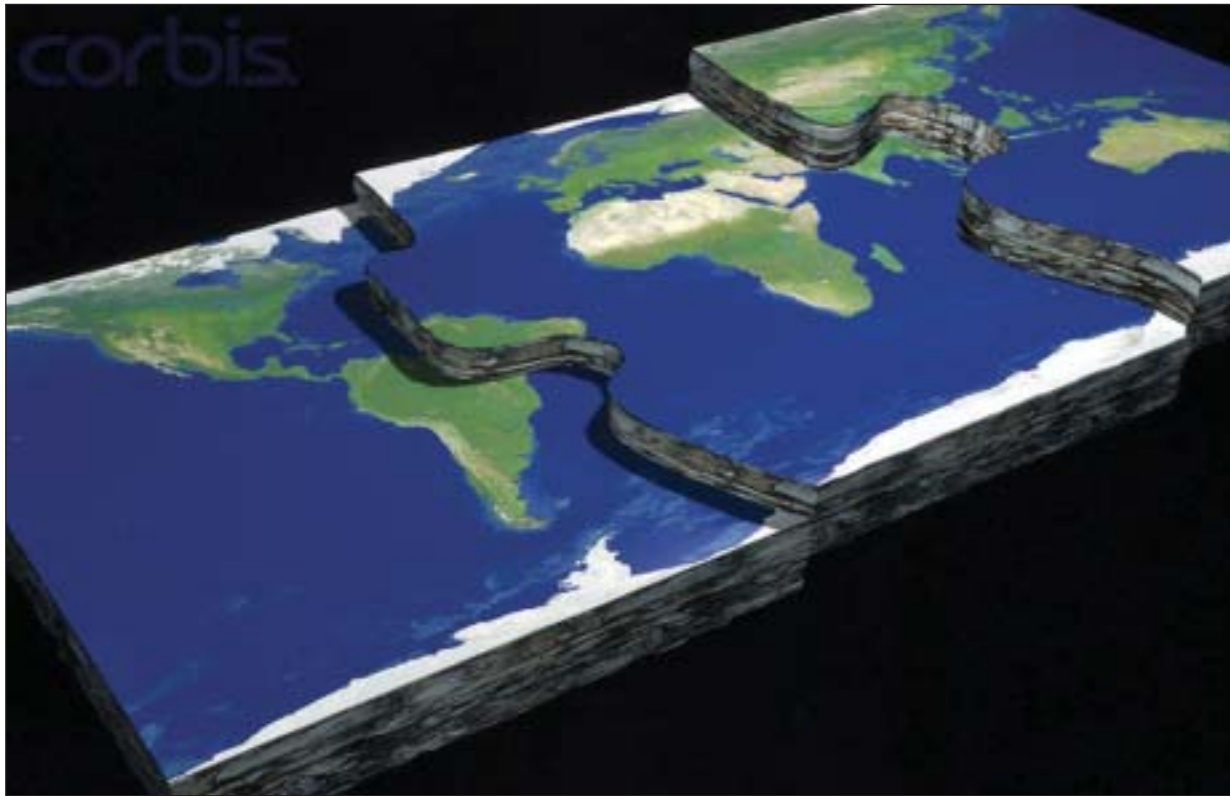
نعمتی در مورد علت ترجمه نشدن بیشتر کتاب های این مجموعه می گوید: «چون اکثر مخاطبان با تحصیلات فوق لیسانس به بالا از منابع استفاده می کنند و چون بودجه ای برای ترجمه در نظر گرفته نمی شود و خود مخاطبان هم لزومی را برای ترجمه متون به فارسی احساس نمی کنند، متون لاتین ترجمه نمی شوند مگر در موارد خاص.»

وی در مورد توسعه و برنامه های آتی کتابخانه از چند مورد از جمله توسعه و تجهیز منابع الکترونیکی، ارتقای نرم افزار کتابخانه، توسعه مجموعه سازی کتب و نشریات، توسعه فضای فیزیکی و روزآمد کردن نقشه ها نام می برد. حوزه موضوعی منابع موجود این کتابخانه نیز در زمینه های زلزله شناسی، مهندسی سازه، مهندسی زلزله، مهندسی ژئوتکنیک، ژئوفیزیک، زمین شناسی، مهندسی و مدیریت خطرپذیری است.

علاقه مندان می توانند با مراجعه به سایت www.iiees.ac.ir اطلاعات بیشتری راجع به این منابع کسب کنند.

توضیح و تصحیح

در شماره ۷۶۱ گفتگویی با دکتر علی زارعی نجفدوری در همین صفحه به چاپ رسیده بود که بدین وسیله نام ایشان تصحیح می شود.



با دکتر رامین صادقیان و «آنچه از زمین لرزه نمی دانید»

کتابخوانی روی کمر بند زلزله

اتمام کار، یک نسخه از آن را برای مطالعه به استادانی چون دکتر عکاشه نشان دادم.

نظر ایشان در مورد این کتاب چه بود؟

کامل بودن کتاب و این که بیشتر مطالب مهم و مرتبط با این موضوع در یک کتاب ارائه شده بود از نظر ایشان قابل توجه بود که بر همین اساس هم پیشنهاد دادند که این کتاب را به صورت دانشنامه ای ارائه کنم. ولی متأسفانه به دلیل این که در مراحل آخر کار بودم نتوانستم پیشنهاد ایشان را اجرا کنم.

در عین حال که قطع کتاب برای همراه داشتن و ارائه مطالب علمی عمومی مناسب است ولی صفحه آرایی و فونت به کار برده شده در این کتاب جذاب نیست. علاوه بر آن نبود عکس های واضح

برای انتقال مفاهیم به مخاطب نیز در این اثر به شدت مشهود است.

اگر می خواستم این کتاب را توسط انتشارات تخصصی تر و یا سازمان ها منتشر کنم مجبور بودم چند سال در نوبت باشم به همین علت تصمیم گرفتم که هزینه انتشار آن را خودم بپردازم. از طرف دیگر تجربه اول من باعث شد که بعضی موارد از جمله فونت کتاب و عکس هایی که بعضی از آنها باید حتما به صورت رنگی چاپ می شد از سوی ناشر رعایت نشود.

لطفاً به طور مختصر در مورد طرح جلد کتاب توضیح دهید.

طرح جلد گویای این مطلب است که زمین لرزه در همه زمینه های تواند اثر منفی داشته باشد به طوری که تصاویر انتخاب شده از چهار گوشه دنیا (از قاره های مختلف) بیانگر این واقعیت است.

همین دلیل گلچینی از آنچه که برای آگاهی هموطنان از این موضوع لازم است را در قالب یک کتاب ارائه کردم.

در انتخاب مطالب چه نکاتی برای شما اهمیت داشت؟

کاربردی بودن مطالب بیش از هر چیز برای من اهمیت داشت و سعی کردم مطالب را به گونه ای گلچین کنم که نه خیلی تخصصی باشد و نه خیلی عمومی بلکه در سطحی باشد اگر یک نفر بخواهد مثلاً مقاومت خانه اش را اندازه بگیرد، به وسیله این کتاب بتواند این کار را انجام دهد یا این که اگر می خواهد بداند محلی که در آن زندگی می کند روی کدام گسل است باز هم بتواند از این کتاب استفاده کند. همچنین به نحوه مقابله با این پدیده نیز

در فصل دوم این کتاب اشاره شد تا در نهایت مجموعه ای از مطالب کاربردی و مورد نیاز را به زبان ساده در اختیار مخاطب قرار دهد.

با توجه به این که عمده مطالب این کتاب نتیجه جست و جوی های اینترنتی است چگونه از صحت علمی آنها اطمینان پیدا می کردید؟

اینترنت دسترسی ما را به مجموعه اطلاعاتی فراهم می کند که به وسیله جمع آوری و در کنار هم گذاشتن آنها می توان منابع قابل استفاده بسیاری را منتشر کرد. من هم در زمان مطالعه روی این مبحث بیشتر جست و جوی هایم را از طریق اینترنت و با مراجعه به سایت های معتبر داخلی و بین المللی انجام دادم که بسیاری از آنها وابسته به مراکز پژوهشی دانشگاه های معتبر هستند و مطالب ارائه شده در آنها مورد تایید همان مراکز است؛ در ضمن پس از

آقای دکتر! با توجه به این که تحصیلات شما در زمینه صنایع است چطور شد که اولین کتابتان را در زمینه زمین لرزه نوشته اید؟

رساله دوره دکتری من در زمینه مدلسازی احتمالی و پیش بینی وقوع زمین لرزه بود و از آنجایی که تحصیلاتم نیز مرتبط با این موضوع نبود یازده ماه به طور مداوم در این زمینه به تحقیق و جست و جو در اینترنت و کتابخانه های مختلف پرداختم تا اطلاعات مورد نیاز برای مطالعه و تحقیق روی رساله ام را به دست آورم. در کنار جست و جوی های بسیار مقالات علمی هم در این زمینه باید انجام می شد که در مجموع باعث شد به این فکر بیفتم که چکیده ای از آنچه را آموخته بودم به صورت کتابی ارائه دهم تا نتیجه زحمات این مدت نیز هدر نرود.

در این مدت یک سالی که مشغول جست و جو و مطالعه بودید منابع مختلفی را در این زمینه بررسی کرده اید. در مجموع وضعیت منابع مکتوب اعم از کتاب و مجله که در زمین لرزه و برای آگاهی مردم منتشر شده را چگونه ارزیابی می کنید؟

اکثر کتاب هایی که در زمینه زلزله موجود است اغلب روی موضوع هایی خاص متمرکز شده اند مثلاً مبحث مقاوم سازی در برابر زلزله را تشریح کرده اند که این مسئله باعث شده که بیشتر منابع این حوزه تخصصی شده و قابل استفاده برای عموم اقتشار جامعه نباشد. در کنار کتاب هایی که بسیار تخصصی هستند، برخی کتاب های عمومی هم وجود دارد که تنها به نحوه وقوع زمین لرزه یا برخی موارد مرتبط با این پدیده طبیعی می پردازند اما با منابع جامع که به گونه ای تمام مطالب مفید و آموزنده را به زبان ساده بیان کرده باشد برخورد نکردم، به



رامین صادقیان



دیداری از کتابخانه و انتشارات پژوهشکده رویان

اینجا پزشکان کتاب می خوانند



یکی از ویژگیهای زندگی در عصر تکنولوژی جدای از همه سختیها و معایش به تحقق پیوستن آرزوهایی است که مردم پیش از ما برای عینیت یافتن آنها انتظار چیزی مثل معجزه را داشتند، اما حالا به مدد پیشرفت شگرف علم و تلاش دانشمندان اتفاقاتی می افتد که بسیاری از رویاها را جامه عمل پوشانده یا لاقل به واقعیت نزدیک می کند.

رویان نام پژوهشکده ای است که محققان آن تلاش می کنند به کمک دانش های روز برخی از معماهای دنیای پزشکی را حل کنند تا ثمره کار آنها چراغ امیدی را در دل بیماران خاص یا خانواده های چشم انتظار فرزند روشن کند. این هفته به پژوهشکده رویان و کتابخانه آن سری می زنیم تا از چند و چون فعالیت های تخصصی کتابخانه و انتشارات آن باخبر شویم.

دکتر سامانی مسئول روابط عمومی این پژوهشکده درباره تاریخچه این مرکز می گوید: «مرکز تحقیقات علوم سلولی جهاد دانشگاهی به دنبال فعالیت های پژوهشی در زمینه علوم سلولی در سال ۱۳۷۷ از سوی شورای گسترش دانشگاه های علوم پزشکی تأیید و مجوز آن اخذ شد. در این مرکز هم اکنون ۴۵ عضو هیئت علمی و پژوهشگر ثابت در مقاطع MD, Msc, phd و ۵۳ کارشناس مشغول به پژوهش و فعالیت هستند.»

وی در مورد حوزه های فعالیت این متخصصان می گوید: «مطالعات محققان رویان بر روی شش محور جنین شناسی، ژنتیک، سلول های بنیادی، ناباروری زنان، ناباروری مردان و اپیدمیولوژی متمرکز است که حاصل این مطالعات تاکنون در قالب انتشار ۶۸ مقاله بین المللی، ۱۵۷ مقاله داخلی در مجلات علمی پژوهشی و ارائه ۵۰۸ مقاله در کنفرانس های داخلی و خارجی، اجرای ۵۸ طرح تحقیقاتی که خاتمه یافته و ۵۰ طرحی که در دست اجرا هستند. همچنین ۶۰ پایان نامه دوره دکتری و کارشناسی ارشد به ثبت رسیده است.»

سامانی انتشارات مجله علمی-پژوهشی یاخته به فارسی و انگلیسی و مجله «Iranian Journal fertility and sterility» و تألیف یک فصل از کتابی بین المللی را از دیگر منابع مکتوبی ذکر کرد که نتایج مطالعات متخصصان رویان در آنها آورده شده است.

تولید رده های سلول های بنیادی جنین انسانی و موفق و کاربردی کردن سلول های بنیادی و پیوند آنها به قلب، چشم و کبد بیماران، تأسیس بانک خون بند ناف، تولید جنین همانندسازی شده گوسفند و انتقال آن به رحم و تولد رویان اولین گوسفند همانندسازی شده از فعالیت های شاخص پژوهشکده رویان بوده است که در این چند سال اخیر مرتباً از طریق رسانه ها به گوش ما رسیده است. ولی آیا این موسسه سعی کرده که نتایج و اثرات مطالعات و پژوهش های خود را به زبان عامه مردم برای آنها شرح دهد؟ آیا تلاش هایی انجام شده که دانش آموزان ایرانی در کتاب های درسی یا حتی کتاب های غیردرسی یا فعالیت های علمی این مرکز آشنا شوند و مفاهیم علوم جدید و سلول های بنیادی و... را از زبان پژوهشگران کشور خودمان بخوانند؟

دکتر سامانی در پاسخ به این سوالات می گوید: «این پژوهشکده مرکزی فوق تخصصی است و فعالیت عمومی ندارد اما به منظور توسعه و انتقال فناوری فعالیت های آموزشی در قالب کارگاه، همایش، جشنواره طراحی و اجرا شده و تا به حال بیش از ۲۱ کارگاه عملی داخلی و ۲۰ کارگاه عملی

یادداشت

مهمستی خبری



با مطالعه، حقمان را بگیریم

مطالعه عمومی و اطلاعات لازم و کافی از آنچه که در دور و بر ما می گذرد گاهی در جاهایی به کمکمان می آید که خودمان هم نمی دانیم منشأ آن مطالعه کتاب یا روزنامه ای بوده که قبلاً خوانده ایم.

یکی از مهم ترین تأثیرات مطالعه عمومی این است که هر فرد با حقوق خود در حوزه های مختلف آشنا می شود و به دنبال آن می تواند آنها را از جامعه و اطرافیان طلب کند و یا حداقل حق خودش را رعایت کند. هر چه سطح آگاهی های مردم نسبت به علوم افزایش یابد جامعه رشد پیدا می کند و به همان نسبت زمینه برای سوء استفاده هایی که بر بستر ناآگاهی ها جلو می روند نامساعد می شود. مثال واضح در این زمینه تبلیغات در حوزه پزشکی است. اگر مردم جامعه به این باور رسیده باشند که کاهش وزن اگر به سرعت و با حذف کلیه مواد مورد نیاز بدن صورت بگیرد ممکن است بتواند فرد چاقی را لاغر کند ولی بعد چه مشکلاتی را برای او به وجود می آورد، دیگر به راحتی تحت تأثیر مطالبی که در بعضی کتاب ها نوشته شده، تبلیغات رنگارنگ داروها؛ انواع کرم های خارجی و نوشته های روی ویترین عطاری ها قرار نمی گیرند. اما هر روز شاهدیم که بسیاری از اطرافیان ما تحت تأثیر چنین تبلیغاتی قرار می گیرند که متأسفانه اغلب این افراد جزو جامعه باسواد و تحصیل کرده هم به شمار می آیند و برای انواع این تبلیغات قیمت های گزافی پرداخت می کنند.



یکی دیگر از این موارد به رغم توجه زیاد رادیو و تلویزیون به آن که دارو یا رژیم غذایی هر کس مخصوص خودش است و پزشک با توجه به شرایط هر فرد برای او دارو تجویز می کند ولی با این حال باز هم برای همدیگر دارو و رژیم غذایی تجویز می کنیم و از آن جالب تر معرفی و دست به دست شدن کتاب های رژیم غذایی است که اخیراً زیاد منتشر می شوند و گاهی دیده می شود به سفارش یکی از همکاران در یک محل کار تعدادی از افراد با قد و وزن ها و شرایط فیزیکی مختلف همگی یک رژیم غذایی را دنبال می کنند در حالی که اگر به این باور برسیم و این حق را برای خودمان قائل باشیم که سلامتی خود را با اجرای نظرات غیر کارشناسانه دیگران به مخاطره نیندازیم، دیگر تبلیغاتی از این دست را نه تنها به راحتی نمی پذیریم بلکه به راحتی از کنار آنها می گذریم.

آنچه از شرایط فعلی برمی آید نشان می دهد که اطلاعات عمومی مرتبط با مواد غذایی، بهداشتی و آرایشی از جمله مواردی است که جای کار بیشتری در تولید مطالب آموزشی دارد و جای خالی منابعی که تحت نظر مراکز علمی معتبر تهیه و منتشر و در سطح وسیع در دسترس همگان قرار بگیرد خالی است.

منابع را به عهده دارد. بخش اطلاع رسانی امکان جست و جوی منابع از طریق اتصال به اینترنت و پایگاه های داخلی و اسکان چاپ منابع یافت شده را در اختیار کاربران قرار می دهد و بخش نشریات کتابخانه هم در دو بخش آرشیو و جاری شامل ۶۵ عنوان نشریه فارسی، ۱۴ عنوان لاتین و پنج روزنامه فارسی و لاتین است که طرح های تحقیقاتی انجام شده در رویان از جمله پایان نامه های ارائه شده نیز در بخش آرشیو نگهداری می شوند. همچنین بخش دیداری و شنیداری نیز که شامل مجموعه ای از فیلم های آموزشی، دایره المعارف ها، کتب الکترونیکی لاتین و منابع جامع استانداردهای بین المللی است در کتابخانه موجود است.»

علیزاده در خصوص نحوه استفاده علاقه مندان که مایل به استفاده از منابع این کتابخانه هستند می گوید: «افراد خارج از پژوهشکده مثل دانشجویان، استادان، کارشناسان دانشگاهی و سازمان های دولتی و خصوصی با ارائه کارت شناسایی و معرفی نامه از سازمان متبوع خود می توانند در محل کتابخانه از منابع آن استفاده کنند علاوه بر آن کلیه مراجعان می توانند در وقت اداری و با هماهنگی قبلی با کتابدار مرجع از منابع کتابخانه بهره مند شوند.»

او درباره کتاب های منتشر شده توسط پژوهشکده می گوید: «تألیف و ترجمه شش عنوان کتاب و انتشار مجله علمی-پژوهشی یاخته حاصل کار انتشارات پژوهشکده است.»

علیزاده معتقد است که چون محققان این مرکز به زبان انگلیسی تسلط کامل دارند نیازی به ترجمه آثار مورد استفاده آنها احساس نمی شود و از طرفی هم به دلیل این که اینگونه کتاب های تخصصی مخاطب عام ندارند معمولاً ترجمه نمی شوند.

از آقای علیزاده می پرسیم که چرا انتشارات در زمینه اطلاع رسانی به مردم تاکنون آثاری را منتشر نکرده است. او هم همانند مسئول روابط عمومی معتقد است که فعالیت های مرکز فوق تخصصی است و به درد عموم مردم نمی خورد. پس از مدتی که با هم صحبت می کنیم او هم به یاد تماس هایی می افتد که مردم با پژوهشکده می گیرند و درباره بیماری های قلبی و کبدی یا تزریق سلول های بنیادی به بیماری های قلبی سوالاتی دارند. او در ادامه می گوید: «البته می توان با ارائه کتاب و نشریه های عمومی متقاضیان و افرادی که می خواهند اطلاعات بیشتری داشته باشند را آگاه کرد ولی تاکنون در این زمینه پژوهشکده فعالیتی را انجام نداده است.»

بین المللی، سالانه یک همایش داخلی، یک جشنواره بین المللی و همایش هایی با همکاری دانشگاه های سراسر کشور در راستای فعالیت های سلول های بنیادی برگزار می شوند.»

کتابخانه تخصصی

آقای علیزاده مسئول کتابخانه پژوهشکده است که به سوالات ما درباره کتابخانه و کتاب های منتشر شده توسط پژوهشکده پاسخ می دهد. او شروع فعالیت این کتابخانه را از سال ۱۳۷۰ ذکر می کند و می گوید: «در آن سال کتابخانه ای کوچک و تخصصی در پژوهشکده رویان واقع در منطقه زعفرانیه تهران تأسیس شد تا فضا را برای مطالعه پژوهشگران حوزه پزشکی فراهم سازد اما با گسترش فعالیت های مرکز، پژوهشکده بر آن شد تا با جهت دهی کتابخانه به سمت گردآوری و سازماندهی منابع پزشکی و بهره گیری از امکانات نوین اطلاع رسانی و اتصال به شبکه های داخلی و بین المللی کتابخانه را تجهیز و نظام اطلاع رسانی خود را روزآمد کند. به طوری که هم اکنون این کتابخانه در حوزه ای وسیع و در ابعاد ۲۰۰ متر مربع در آبان ماه ۱۳۸۵ در کتابخانه ملی ایران به عنوان کتابخانه ای تخصصی به ثبت رسید.»

او در ادامه می گوید: «سیستم طبقه بندی منابع کتابخانه با استفاده از رده بندی پزشکی انجام شده و دامنه موضوعی آن عبارت است از سلول های بنیادی، ژنتیک، جنین شناسی، آندروولوژی، اورولوژی، باروری و ناباروری، شبیه سازی و زنان و زایمان.»

علیزاده در تشریح خدمات کتابخانه می گوید: «بخش امانت ارائه خدمات مربوط به عضویت، امانت، بازگشت، رزرو و تمدید مدت استفاده از

سیستم طبقه بندی منابع کتابخانه با استفاده از رده بندی پزشکی انجام شده و دامنه موضوعی آن عبارت است از سلول های بنیادی، ژنتیک، جنین شناسی، آندروولوژی، اورولوژی، باروری و ناباروری



با نادره جلالی و تصحیح «مسخر البلاد»

غبار واژه‌ها را می‌تکانم

«مسخر البلاد» یا تاریخ شیبانیان تألیف «محمدیار بن عرب قطغان» مربوط به سده دهم هجری است که با تصحیح نادره جلالی از سوی نشر میراث مکتوب منتشر شده است. در جریان برگزاری مراسم هشتمین آیین بزرگداشت نسخ خطی، این اثر در بخش تاریخ شایسته تقدیر شناخته شد. نادره جلالی مصحح این کتاب متولد ۱۳۴۶ تهران، فوق لیسانس تاریخ دارد و پیش از این نیز آثاری چون «تاریخ آل سلجوق» و «سرگذشت سلجوقیان» و «سرگذشت غزنویان» را تصحیح و منتشر کرده است. جلالی کتاب «تحفه شاهی» را در سال ۷۹ توسط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منتشر کرد. کتاب «سیاست بریتانیا در خلیج فارس» یا بررسی غائله شیخ خزعل را بر اساس اسناد وزارت امور خارجه ایران و انگلیس تألیف کرد که از سوی انتشارات وزارت امور خارجه منتشر شد. «تذکره نقل مجلس» را با همکاری دکتر محمدرضا نصیری تصحیح و منتشر کرد و هم‌اکنون کتاب «تاریخ صاحبقرانی» تألیف محمود میرزا قاجار «تذکره فتح الظفر» تألیف میرزا ابراهیم خان شیبانی و «تاریخ زنان عصر قاجار» را برای چاپ آماده می‌کند. ضمن این که مقالات متعددی برای «فرهنگ آثار» و «ادب‌المعارف بزرگ اسلامی» نوشته است.

ایران بود. شیخ خزعل تصمیم داشت منطقه خوزستان را از خاک ایران جدا کند.

این کتاب با چه انگیزه و هدفی تألیف و تدوین شده است؟

هدف از انتشار کتاب «سیاست بریتانیا در خلیج فارس» با عنوان فرعی بررسی غائله شیخ خزعل، بیان نحوه تعامل قدرت‌های استعماری در قرن هیجده و نوزده با ایران است. در این کتاب تلاش شده تا تصویری از اقدامات شیخ خزعل به صورت مستند ارائه بشود. در واقع روند این تحولات در منطقه خلیج فارس نشان می‌دهد که شیخ خزعل یک شخصیت سیاسی مورد توجه دولت بریتانیا بوده و بر اساس اتحاد و همکاری با همین دولت بریتانیا بوده که به قدرت می‌رسد و مدت ۲۹ سال در خوزستان حکمرانی می‌کند و طی این مدت هیچ وقت در برابر حکومت مرکزی ایران سر تسلیم فرود نمی‌آورد. آن زمان هم البته وضعیت سیاسی و حکومتی ایران آشفتگی بود و یک حکومت مرکزی مقتدر و با ثبات وجود نداشت تا در برابر این حکومت‌های محلی قد علم کند و آنها را سرکوب کند. به خاطر همین شیخ خزعل با استفاده از ضعف دولت مرکزی نهایت استفاده را می‌برد و قدرت خودش را در منطقه مستحکم می‌کند. اسنادی هم که در وزارت امور خارجه بوده، اسنادی است که تا کنون روی آن کار نشده بود. به طور کلی می‌توانم بگویم این کتاب نمایانگر زندگی سیاسی شیخ خزعل است و می‌تواند پاسخگوی سؤالاتی باشد در مورد سیاست‌های دوگانه‌ای که انگلستان در جنوب غربی ایران در پیش گرفت.

راستی شما چگونه به تصحیح متون علاقه‌مند شدید؟ نخستین زنی که در زمینه تصحیح متون کار کرد چه کسی بود؟

واقعیت این است که هیچ وقت این سوال را من از خودم نپرسیدم و در جست‌وجوی این موضوع نبوده‌ام. حالا که این سوال را مطرح کردید، شخصاً کنجکاوی شدم که بدانم نخستین زنی که به تصحیح متون و نسخ خطی پرداخت چه کسی بود؟ اما خودم چگونه وارد این حوزه شدم، خیلی روشن است. من دانشجوی رشته تاریخ بودم و افتخار داشتم از محضر استادانی مانند محمدجواد مشکور، عباس زریاب خوبی، عبدالحسین نوایی و... بهره بگیرم. در واقع الفبای تاریخ را دکتر محمدجواد مشکور به من آموخت و از آنجا هم به تاریخ علاقه‌مند شدم.

تصحیح متون را هم زیر نظر ایشان و دکتر زریاب خوبی یاد گرفتم. پایان‌نامه فوق لیسانس من هم راجع به تصحیح متون بود و از آنجا که تصحیح متون یک فن است، در نتیجه وقتی یک متن تاریخی را تصحیح می‌کنید باید به تاریخ آن دوره اشراف کامل داشته باشید و بدانید که نویسنده در کدام بخش درست می‌گوید و کدام بخش اشتباه است. وقتی شما به تاریخ یک مقطع اشراف کامل پیدا کردید، می‌توانید تصحیح یک متن تاریخی مربوط به آن دوره را شروع کنید.



منتشر کردم. اتفاقاً یک نامه از سوی دکتر مهدی گلشنی به دست من رسیده که نوشته‌اند: این کتاب جزو کتاب‌های درسی دانشگاهی انتخاب شده است. آثاری که در دست تصحیح و چاپ دارید، الان در چه مرحله‌ای هستند؟

یکی کتاب «تحفه شاهی» است. این کتاب هم یکی از منابع ارزشمند درباره تاریخ ماوراءالنهر است و سلسله مغتیبان بخارا و ارتباط آنها با قاجار را توضیح می‌دهد. این کتاب هم به جهت این که اطلاعات ما درباره تاریخ سلاطین مغتیبان بخارا بسیار محدود است، جزو متونی است که اطلاعات کاملی راجع به این سلسله پادشاهی در اختیار ما می‌گذارد.

نویسنده کتاب «تاریخ صاحبقرانی» کیست و موضوع آن در چه زمینه‌ای است؟

مؤلف این کتاب «محمود میرزا قاجار» پسر فتحعلی شاه قاجار است. محمود میرزا از جمله شاهزادگانی بود که دستی در تألیف داشت و شعر می‌گفت. آثار متعددی از او به جا مانده که یکی «سفینه‌المحمود» است که قبلاً چاپ شده است. اثر دیگرش «تذکره نقل مجلس» است که با همکاری محمدرضا نصیری آن را تصحیح کردیم و توسط نشر میراث مکتوب در سال ۸۴ منتشر شد. تذکره‌ای که مربوط به زنان عصر قاجار می‌شود. محمود میرزا در «تاریخ صاحبقرانی» تاریخ پادشاهی فتحعلی شاه را روایت می‌کند.

کتاب سیاست بریتانیا در خلیج فارس یا «بررسی غائله شیخ خزعل» بر اساس چه اسنادی تألیف و تدوین شده است؟

این کتاب بر اساس اسناد وزارت امور خارجه تألیف و تدوین شده است. این کتاب در واقع به موضوع «شیخ خزعل» که حاکم محمره بوده، می‌پردازد. شیخ خزعل در آن منطقه قدرت و نفوذ فراوانی داشت. حتماً می‌دانید در زمان قاجار، ایران دارای حکومت‌های ملوک الطوائفی بوده که یکی از این حکومت‌ها، حکومت شیخ خزعل در جنوب

ناظر این واقعه را گزارش می‌کند. تا قبل از این واقعه دولت صفوی شاه اسماعیل را به عنوان شاه نمی‌شناختند، در واقع در حد والی ترکمن از او یاد می‌کردند اما به محض این که شاه اسماعیل، شیبک خان را در جنگ مرو شکست می‌دهد می‌تواند نفوذ و اقتدار خود را بر شرق متصرفات خود تثبیت بکند از او به عنوان شاه یاد می‌کنند. این اثر از این بابت و از باب تصحیح متون تاریخی یک کار نو بوده است. یکی از ویژگی‌های این کتاب که باعث برگزیده شدن آن شد، تصحیح مقایسه‌ای و انتقادی آن بود. یعنی من نسخه خطی مسخر البلاد را با آثاری مثل احسن التواریخ، حبیب السیر و شیبانی نامه - یعنی با منابع هم عصر مولف - مقایسه کردم. و وجه افتراق و وجوه اشتراک آنها را بیان کردم.

شما این موارد را به صورت پانوشت آورده‌اید؟ نه. این توضیحات را من در بخش تعلیقات آوردم. یعنی در این بخش من تمام جزئیات را به صورت کامل توضیح دادم. تمام اطلاعات دیوانی را آوردم. اعلام جغرافیایی را تماماً مشخص کردم. من حدود چهار سال روی تصحیح این کتاب وقت گذاشتم. تمام آیات و احادیث، تمام اشعار و هر آنچه که لازم بوده در تصحیح این اثر انجام دادم.

شما قبل از تصحیح و چاپ «مسخر البلاد» کتاب «تاریخ آل سلجوق» را هم منتشر کرده بودید، داستان این کتاب چه بود؟

تاریخ آل سلجوق مربوط به مولفی ناشناخته از قرن هشتم هجری بود که درباره تاریخ سلجوقیان به ویژه سلاجقه آناتولی نوشته شد. در واقع این کتاب در زمینه تاریخ آسیای صغیر یکی از منابع دست اول و ارزشمند محسوب می‌شود.

نسخه‌های خطی این کتاب، در کتابخانه‌های ایران بود یا از کتابخانه‌های کشور دیگری؟

اصل نسخه این کتاب در کتابخانه ملی پاریس هست و در ایران دکتر محمدجواد مشکور آن را به صورت ماکسیمیل چاپ کرده بود. من این کتاب را با تصحیح تازه همراه با تعلیقات و مقدمه و...

خانم جلالی، کتاب «مسخر البلاد» با چه انگیزه‌ای برای تصحیح انتخاب شد؟ آیا پیش از شما کسی پیرامون این اثر کار نکرده بود و در ایران به چاپ نرسیده بود؟

می‌دانید که ما مجموعه‌ای از متون خطی به زبان فارسی داریم در باب تاریخ ماوراءالنهر که بسیار ارزشمند است. ولی به دلیل نوع حکومتی که در این سرزمین‌ها مستقر بود، دسترسی ما به این متون بسیار مشکل و گاه غیرممکن بود. اما امروزه که روابط با کشورهای ماوراءالنهر دگرگون و دسترسی به این آثار مقدور شده مهجور ماندن این متون قابل توجه نیست. با این پیش فرض طبیعی است که محققان و مورخان ایرانی به سراغ این آثار بروند و از غبار فراموشی، این آثار را نجات بدهند. چون این آثار می‌تواند بسیاری از زوایای تاریخی این سرزمین را که از دید محققان و پژوهشگران و مورخان پنهان مانده آشکار یا آن بخش‌هایی را که نانوشته مانده، مکتوب کنند و ذهن نسل‌های آینده را نسبت به تاریخ ما روشن کنند. «مسخر البلاد» هم یکی از همین متون تاریخی ارزشمند است در باب تاریخ ماوراءالنهر. به خصوص خاندان شیبانیان یعنی مبحث اصلی و کلی کتاب، تاریخ شیبانیان است.

دلیل ارزش و اهمیت مسخر البلاد چیست؟ به خاطر نثر و زبان مهم است یا ثبت رویدادهای تاریخی؟ این کتاب از بعد تاریخی بسیار مهم است، چون شجره‌نامه خاندان شیبانیان را روایت می‌کند و از ابتدا به روابط صفویه با ازبک‌ها می‌پردازد. در واقع ۱۱۵ سال جنگ و خونریزی بین صفویه و ازبک‌ها را به تصویر می‌کشد. از آنجا که نویسنده، محمدیار بن عرب قطغان، خودش شاهد عینی وقایع بوده، بر ارزش این کتاب بسیار افزوده است.

شما چند نسخه از این اثر را در دست داشتید؟ نسخه‌ها را از کجا و چگونه فراهم کردید؟

من مسخر البلاد را بر اساس دو نسخه خطی تصحیح و منتشر کردم. یک نسخه از آن در سن پترزبورگ بود و دیگری در تاشکند. این نسخه‌ها را شخصاً به نام اسماعیل جان بیگف در اختیار نشر میراث مکتوب قرار داده بود و مسئولان این موسسه انتشاراتی هم برای تصحیح، این نسخه‌ها را در اختیار من گذاشتند.

دلیل این که مسخر البلاد به عنوان اثر برگزیده انتخاب شد و مورد تقدیر قرار گرفت چه بود؟

اول این که ما درباره تاریخ شیبانیان، منبع مطمئنی نداشتیم یا اثری که شجره‌نامه شیبانیان و شرح وقایعی که این خاندان در آن نقش داشتند، بیان کند، در اختیار نداشتیم. از همه نظر مسخر البلاد یک کار جدید است. مورخ این کتاب هم فردی بوده که در آن منطقه حضور داشت و همه رویدادها و مسائلی که به چشم خودش دیده، روایت کرده است. طبیعی است که مورخان ما هم هر چیزی که به چشم خود دیدند نوشتند. مثلاً نویسنده مسخر البلاد در جنگ مرو که یکی از جنگ‌های بزرگ شاه اسماعیل با شیبک خان ازبک، موسس سلسله شیبانیان بوده، حضور داشته و به عنوان یک



ماراتن کتاب سال از نگاه نویسندگان

و دایره نقدها را بیشتر می کند اما این منتقدان هستند که خود باید توجه کنند و برای کتاب ها ارزش قائل باشند و نقدها را بر اساس ساختار اصولی بنویسند.»

خطر سلیقه زندگی

علی اصغر شیرزادی، منتقد حوزه ادبیات داستانی نیز داوری برای انتخاب جایزه کتاب سال را امری خطیری می داند.

این نویسنده می گوید: «در این عرصه، معیارها با فرمول ریاضی مشخص نمی شود و همیشه این خطر وجود دارد که داور به این مسئله به طور سلیقه ای نگاه کند. نخستین شرطی که داوران جایزه کتاب سال باید مورد توجه قرار دهند دوری جستن از همین خطر سلیقه زندگی است. این بزرگ ترین خطر در داوری کتاب است.»

وی عناصر محتوایی را از مهم ترین ارکان و ویژگی های یک کتاب خوب می داند و می افزاید: «نمی توان به محتوا بی توجه بود و آن را از یاد برد. داستان بدون درونمایه مثل ساختمانی است که تنها دکور دارد. معنا و مفهوم را باید از اصول محکم داستان نویسی برشمرد و به نظر من اثری برجسته تر خواهد بود که به اصالت فرهنگ و سرزمین ما نیز توجه بیشتری داشته باشد و با آن قابل انطباق باشد.» شیرزادی در عین حال جایزه کتاب سال را کمک بزرگی به نقدنویسی هم می داند: «هر تحرکی در این عرصه مفید است. به نظر من کتاب سال مخصوصاً از زمانی که به ادبیات نیز توجه کرده است اتفاق مبارکی است. ممکن است بعضی افراد آن را نفی کنند که به هر حال تأثیری در روند این جایزه نمی گذارد.»

داوری و تعهد اخلاقی

یکی دیگر از مسائل مورد توجه این است که آیا داوران علاوه بر توانمندی تکنیکی، لزومی به برخورداری از تعهدات اخلاقی ویژه ای دارند یا خیر؟

فیروز زونوزی جلالی در این باره می گوید: «داوران علاوه بر کارشناس بودن، باید سلامت روح هم داشته باشند. به نظر من کارشناسی که فقط ابزار فنی را می شناسد، کارش ناقص است. داور نباید دنبال جهت گیری باشد. نباید دنبال آن باشد که ببیند نویسنده از گروه خودش است یا خیر و اگر شاخصه سلامت روح را نداشته باشد کارش ارزشی ندارد در واقع اگر داوری اثر بدی را به جامعه پیشنهاد کند به سلامت کل جامعه لطمه وارد ساخته است.»

تجار نیز تعهد اخلاقی را امری بدیهی می داند و می گوید: «تعهد اخلاقی به طور مطلق باید از خصوصیات داور باشد البته باید در کنار این تعهد اخلاقی، تخصص رانیز به خصوصیات داوران اضافه کرد.»

علی اصغر شیرزادی هم دوری جستن از بانداگرایی و محفل گرایی را از اصول اولیه داوری می داند. به نظر او: «چسبیدن به گروه ها و باندها و قبیله های ادبی بزرگترین ضربه برای ادبیات است و هر داوری باید با دوری از سلیقه شخصی به آنچه که فراتر از اندیشه و خواست های شخصی اوست بنگرد.»



مخاطبان را کنجکاو می کند که به آن سرک بکشند و آن را بررسی کنند اما به هر حال نویسنده کتاب را با توجه به بینش و جهان بینی خود انتخاب می کند. نویسنده خوب، نویسنده ای است که از زندگی، تجربیات و خواننده هایش تأثیر بگیرد البته او معیارهای درونی هم دارد.»

معیارهای متفاوت

هر اثری که وارد آزمون داوری کتاب سال می شود از نظر فرم، تکنیک و محتوا و به طور کلی از هر نظر مورد قضاوت قرار می گیرد. یعنی داستان پردازی، شخصیت پردازی، فضا سازی و ... هر کدام امتیاز ویژه ای دارند که به داستان تعلق می گیرد اما این که این شاخصه ها به گونه ای باشند که بتوان بهترین ها را با آنها تطبیق داد کار سختی است.

حسن میرعابدینی پژوهشگر ادبیات داستانی در این باره می گوید: «مسئله معیارهای انتخاب متفاوت هستند اما به نظر می آید هر سال یکی از معیارهایی که به آن بیشتر امتیاز داده می شود نسبت به بقیه در سطح بالاتری باشد و به عبارت دیگر پر جلوه تر از سایر جزئیات کار باشد اما به نظر من بیش از قدر تمندی عناصر باید به تازگی و خلاقیت یک کتاب توجه داشت.»

میرعابدینی تأثیر کتاب سال و جایزه آن را بیشتر بر روی مخاطبان می داند نه نویسنده ها. وی در این باره افزود: «اگر نویسنده دنبال این باشد که از روی الگوها بنویسد، نویسنده خوبی نخواهد شد. جوایز ادبی هم اگر جایفتند تأثیر خود را روی اوضاع ادبی خواهند گذاشت و اگر این جایزه مورد تأیید جامعه کتابخوان قرار گیرد می تواند بر مخاطب تأثیر بگذارد.»

وی افزود: «انتخاب کتاب سال به هر حال باعث توجه بیشتر منتقدان به کتاب های منتخب می شود

خوب نیست و از نظر کارشناسان به مخاطبان توصیه نخواهد شد.»

این منتقد ادامه می دهد: «کتابی که به عنوان کتاب سال انتخاب می شود و در قله می ایستد، باید هم از نظر فنی و هم از نظر تکنیکی ارزش های والایی داشته باشد، به عبارتی دیگر همگون و خوش ساخت نگاشته شده باشد. البته باید در داوری این نکته را با توجه به شرایط نویسنده در نظر داشت. ممکن است اثری که توسط یک نویسنده نوشته می شود نسبت به کتاب چندم یک نویسنده حرفه ای زیاد بهتر نباشد اما با توجه به تجربه کمتر، قاعدتاً از امتیاز بیشتری نسبت به آن برخوردار است.»

وی با بیان این که نباید به هر قیمتی کتاب سال را انتخاب کرد، می گوید: «اگر در دوره ای کتابی نبود که بتواند تمام خصوصیات مثبت اثر را به صورت یک جا داشته باشد، دلیلی وجود ندارد که به هر قیمتی و به طور مطلق و از روی اجبار این اثر را به عنوان اثر برگزیده معرفی کنیم.»

تجار با اشاره به این که نقد کتاب سال باعث رونق حوزه نقد و نقد نویسی می شود می افزاید: «دیکنته نانو نوشته، غلط ندارد. به نظر من ادبیات داستانی حوزه ای است که نیاز به بررسی، تحلیل و نقد بیشتر دارد و باید با ظرافت به دنبال ایجاد فضایی برای گسترش نقد بود. ما در دوران حاضر می بینیم که یک مسابقه فوتبال را ساعت ها نقد می کنند و در مورد آن بحث و بررسی می شود پس یقیناً یک داستان باید نقد شود و لایه های پنهان آن مورد توجه قرار گیرد.» تجار با اشاره به این که کتاب و داستان خوب، تأثیر خود را در هر شرایطی می گذارد تصریح می کند: «نویسنده خوب، جایزه کتاب سال را مورد توجه قرار می دهد اما آن را الگوی کار خود نمی کند. چنانچه هر اثری خوب باشد، منتقدان، نویسندگان و

هفته گذشته بعد از چند ماه بررسی و با مطالعه صدها جلد کتاب توسط کارشناسان و نویسندگان و داوران، کتاب های راه یافته به مرحله نهایی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران انتخاب شدند.

«سبب سرخ گرد غلتان» نوشته آذر معصومی، «زندگی مطابق خواسته تو پیش می رود» نوشته امیرحسین خورشیدفر، «وقت نیایش ماهی ها» نوشته مصطفی جمشیدی، «خط تیره آیلین» نوشته ماه منیر کهباسی و در نهایت کتاب «سالمرگی» نوشته اصغر عبداللهی کتاب هایی بودند که مورد توجه داوران کتاب سال قرار گرفتند.

کتاب های ادبیات داستانی انتخاب شده، بر اساس امتیازهایی که داوران به آنها داده اند انتخاب شدند و در نهایت با بحث و بررسی کارشناسان و نظر اکثریت داوران، به مرحله نهایی راه یافتند. برای تشخیص این که این معیارها باید بر اساس چه شاخصه ها و با چه روشی انتخاب شوند و این که آیا شیوه امتیازدهی به کتاب ها مناسب است یا نه، نظر چند تن از کارشناسان ادبیات داستانی را جویا شدیم.

فیروز زونوزی جلالی منتقد و کارشناس ادبیات داستانی درباره این که کتاب سال این حوزه باید چگونه انتخاب شود می گوید: «کتاب منتخب باید در مجموع نیروی جذب مخاطب راداشته باشد که از آن جمله می توان به ساختار محکم، فضا سازی ملموس، مضمون درخور و شخصیت پردازی مناسب و حتی طرح روی جلد و نوع صفحه بندی اشاره کرد. البته این مورد آخر به نویسنده ارتباطی پیدا نمی کند اما در نهایت کتابی که انتخاب می شود باید توانایی جذب مخاطب را داشته باشد.» این نویسنده با بیان این که داوران باید ابزار کار خود را به خوبی بشناسند ادامه می دهد: «انتخاب کتاب حاصل تجربه و شناخت کارشناسانی است که در این باره نظر می دهند.»

وی انتخاب کتاب سال را دارای تأثیر مثبت بر نقد ادبی و نقد نویسی می داند و با انتقاد از شرایط حال حاضر نقد ادبی می گوید: «شاید در حال حاضر منتقدان زیادی داشته باشیم اما در بسیاری از این گونه نقدها، صرفاً قصه تعریف می شود. در صورتی که منتقد باید متن، توصیف ها و نشانه ها را برای خواننده شبیه سازی کند و بر اثری که نقد می شود به صورت جزء به جزء تسلط و شناخت داشته باشد.»

قله های واقعی

راضیه تجار نویسنده و منتقد نیز درباره چگونگی داوری ها می گوید: «یک سری از خصوصیات ادبی در انتخاب کتاب سال باید وجود داشته باشد که آن اثر را دارای امتیازاتی کند تا بتوان به آن صفت خوب را اطلاق کرد. در صورت وجود چنین ساختار محکمی است که اثری قدرتمندی شکل می گیرد. گاهی ممکن است کتابی از نظر ویژگی های تکنیکی در حدی باشد که امتیازات بالایی از سوی داوران کسب کند اما باید دید در این ظرفی که قدرتمند نشان داده است چه محتوایی ریخته شده که به نظر من اگر تمامی عناصر ادبی در حد بالا باشند ولی محتوا در سطح نازلی قرار بگیرد، بالطبع این اثر،

www.bustaneketab.com

تازه های نشر از طریق پیام کوتاه با ارسال (SMS)

شماره همراه خود به شماره ۰۲۱۵۵۱۰۰۲۱۰۰۲۱ مشترک

این شبکه گرد بدواز تازه های نشر مؤسسه مطلع شوید

انتشار هر هفته کتاب

در حوزه اندیشه اسلامی



مروری بر فهرست های کتاب «انسانم آرزوست»، برگزیده و شرح ۴۰۰ غزل مولانا، تالیف بهاءالدین خرمشاهی

۱۷۱ غلط در دو فهرست ۴۰۰ غزل

به تازگی کتاب «انسانم آرزوست» برگزیده و شرح ۴۰۰ غزل مولانا توسط بهاءالدین خرمشاهی و توسط انتشارات نگاه منتشر شده است. مروری بر کتاب و خصوصاً فهرست های آن نشان دهنده اغلاط بسیاری است که در این کتاب وجود دارد و احتمالاً از دید مولف محترم آن پنهان مانده است. اینجانب برای نمونه فهرست آیات قرآن را که در صفحات ۶۸۳ تا ۶۸۷ (پنج صفحه) آمده بررسی کردم و معلوم شد حداقل در این فهرست پنج صفحه ای بیش از ۶۰ و در فهرست کلمات شرح شده که در صفحات ۶۴۷ تا ۶۸۱ آمده بیش از ۱۰۰ غلط وجود دارد که برای اطلاع آقای خرمشاهی و ناشر آن و خوانندگان این کتاب آنها را به اطلاع می رسانم و امیدوارم مولف با بررسی دیگر صفحات و مطالب کتاب، اغلاط احتمالی را که قطعاً کم هم نیستند یافته و اصلاح نمایند؛ چرا که این حق خوانندگان کتاب است که وقتی کتابی را با این تبلیغات و هزینه سنگین تهیه می کنند، مطمئن باشند که با تعداد بسیاری از اغلاط روبه رو نخواهند شد. بررسی اغلاط فهرست آیات قرآن (صفحات ۶۸۳-۶۸۷)

۵. عدم رعایت ترتیب شماره آیات مربوط به هر سوره در فهرست و یا نوشتن تکراری نام سوره ها.
نمونه:

صفحه	ستون	سطر	غلط / توضیح	صحیح / توضیح
۶۸۴	اول	۲۶	انعام، ۲: ۳۳، پی نوشت ۱۳	غزل ۳۳ پی نوشت ۱۳ ندارد. صحیح: اعراف، ۲: ۳۳۳ پی نوشت ۱۳
۶۸۳	اول	۹	بقره، ۱۵۱	نام سوره و شماره آیه با شماره غزل و پی نوشت نام سوره و شماره آیه در این سطر حذف شده است. (نام سوره و شماره آیه در این سطر حذف شود.)
۶۸۳	دوم	۱۱	آل عمران، ۴	آل عمران، ۷ صحیح است. فقط شماره غزل و پی نوشت برود در ادامه سطر بالا. (نام سوره و شماره آیه در این سطر حذف شود.)
۶۸۳	دوم	۱۷	آل عمران، ۴۹	فقط شماره غزل و پی نوشت برود در ادامه سطر بالا. (نام سوره و شماره آیه در این سطر حذف شود.)
۶۸۴	اول	۱۱	نساء، ۱۴۵	این سطر برود به بعد از سطر ۹. (بعد از نساء، ۱۲۲)
۶۸۴	اول	۱۴	نساء، ۱۵۸	فقط شماره غزل و پی نوشت برود در ادامه سطر بالا. (نام سوره و شماره آیه در این سطر حذف شود.)
۶۸۴	دوم	۳	اعراف، ۱۰۷	فقط شماره غزل و پی نوشت برود در ادامه سطر بالا. (نام سوره و شماره آیه در این سطر حذف شود.)
۶۸۵	اول	۲	یوسف، ۹۶	فقط شماره ۹۶ برود به سطر بالا کنار شماره ۹۳. (شماره غزل و پی نوشت در این سطر حذف شود.) صحیح: یوسف، ۹۳، ۹۶
۶۸۵	اول	۶	رعد، ۱۶	این سطر برود به سطر بعد مقابل نام سوره حجر. صحیح: حجر، ۱۶
۶۸۵	دوم	۱۳	حج، ۱۴	این سطر برود به سطر بعد مقابل نام سوره مومنون. صحیح: مومنون، ۱۴
۶۸۶	اول	۲	نمل، ۹۰	نمل، ۹۰ صحیح است. این سطر برود به صفحه قبل (۶۸۵) ستون دوم، سطر ۲۷ مقابل نام سوره نمل.

۶. جاافتادگیها در فهرست:
نمونه:

صفحه	ستون	سطر	جاافتادگیها / توضیح
۶۸۳	اول	۲۱	غ ۳۳۶، پی نوشت ۵ (در ادامه سطر اضافه شود.)
۶۸۴	اول	بین ۴ و ۳	«۱۹۸: غ ۳۰۳، پی نوشت ۱۳ (آل عمران، ۱۹۸)
۶۸۴	اول	بین ۴ و ۳	نساء
۶۸۴	اول	بعد از ۳۰	«۵۳: غ ۲۹۱، پی نوشت ۱۱ (اعراف، ۵۳)
۶۸۴	دوم	بین ۱۷ و ۱۶	یونس
۶۸۵	اول	بین ۵ و ۴	ابراهیم
۶۸۵	اول	۱۳	غ ۲۹۵، پی نوشت ۱۹ در مقابل نام سوره اسراء اضافه شود.
۶۸۵	دوم	۲	غ ۲۸: ۵۲، پی نوشت ۱۱ در مقابل نام سوره انبیاء اضافه شود. (سطر مقابل نام سوره انبیاء یک سطر پایین برود.)
۶۸۵	دوم	بین ۶ و ۵	«۹۱: غ ۱۸، پی نوشت ۱۰ (انبیاء، ۹۱)
۶۸۵	دوم	بین ۲۲ و ۲۳	«۱۵: غ ۲۹۵، پی نوشت ۱۸ (فرقان، ۱۵)
۶۸۶	دوم	۶	غ ۲۹۵، پی نوشت ۱۸ در مقابل «۲۸: اضافه شود.
۶۸۶	دوم	بین ۲۷ و ۲۸	«۹۵: غ ۱۹۳، پی نوشت ۱۳ (واقعه، ۹۵)
۶۸۶	دوم	بین ۲۷ و ۲۸	مجادله
۶۸۶	دوم	بعد از ۳۰	صف، غ ۱۲، پی نوشت ۲
۶۸۷	اول	بین ۴ و ۳	«۱۲: غ ۱۸، پی نوشت ۱۰ (تحریم، ۱۲)
۶۸۷	اول	بین ۱۰ و ۹	«۱۹: غ ۱۲، پی نوشت ۲ (جن، ۱۹)
۶۸۷	اول	۱۶	غ ۸۳، پی نوشت ۱ در مقابل «۲۱: اضافه شود.

۱. نشانی هایی که در متن پیدا نمی شود.
نمونه:

صفحه	ستون	سطر	غلط / توضیح	صحیح / توضیح
۶۸۳	اول	۲۱	بقره، ۲۵۶	بقره، ۲۵۶، ۲۵۷
۶۸۳	دوم	۱۱	آل عمران، ۴	آل عمران، ۷
۶۸۴	اول	۲۲	انعام،	شماره آیه نوشته نشده است که ۵۹ صحیح است.
۶۸۵	دوم	۲	انبیاء، ۶۹۸	انبیاء، ۶۹۶، ۶۹۸
۶۸۵	دوم	۱۴	مومنون، ۷۳	مومنون، ۷۲
۶۸۵	دوم	۲۸	نمل، ۱۵	نمل، ۱۵، ۱۶
۶۸۶	اول	۲	نمل، ۹۰	نمل، ۹۰
۶۸۶	اول	۲۲	یس،	شماره آیه نوشته نشده است.
۶۸۷	اول	۱۸	نازعات، ۴	نازعات، ۴۴
۶۸۷	دوم	۱۲	بینه، ۲۸	بینه، ۸
۶۸۷	دوم	۱۶	فیل، ۱۰۵	فیل، ۳

۲. شماره آیه در فهرست اشتباه است یا نوشته نشده است.
نمونه:

صفحه	ستون	سطر	غلط / توضیح	صحیح / توضیح
۶۸۳	اول	۲۱	بقره، ۲۵۶	بقره، ۲۵۶، ۲۵۷
۶۸۳	دوم	۱۱	آل عمران، ۴	آل عمران، ۷
۶۸۴	اول	۲۲	انعام،	شماره آیه نوشته نشده است که ۵۹ صحیح است.
۶۸۵	دوم	۲	انبیاء، ۶۹۸	انبیاء، ۶۹۶، ۶۹۸
۶۸۵	دوم	۱۴	مومنون، ۷۳	مومنون، ۷۲
۶۸۵	دوم	۲۸	نمل، ۱۵	نمل، ۱۵، ۱۶
۶۸۶	اول	۲	نمل، ۹۰	نمل، ۹۰
۶۸۶	اول	۲۲	یس،	شماره آیه نوشته نشده است.
۶۸۷	اول	۱۸	نازعات، ۴	نازعات، ۴۴
۶۸۷	دوم	۱۲	بینه، ۲۸	بینه، ۸
۶۸۷	دوم	۱۶	فیل، ۱۰۵	فیل، ۳

۳. شماره غزل در فهرست اشتباه است یا نوشته نشده است.
نمونه:

صفحه	ستون	سطر	غلط / توضیح	صحیح / توضیح
۶۸۳	اول	۱	غ ۲۹۶	غ ۲۹۶
۶۸۴	اول	۹	غ ۱۹۵	غ ۲۹۵
۶۸۴	اول	۱۲	شماره غزل نوشته نشده است.	غ ۲۱
۶۸۴	اول	۲۱	شماره غزل نوشته نشده است.	غ ۳۲۱
۶۸۵	اول	۲۵	شماره غزل نوشته نشده است.	-
۶۸۶	دوم	۱۱	شماره غزل نوشته نشده است.	غ ۵۹
۶۸۷	اول	۴	غ ۲۸	غ ۲۸۰

۴. شماره پی نوشت اشتباه است یا نوشته نشده است.
نمونه:

صفحه	ستون	سطر	غلط / توضیح	صحیح / توضیح
۶۸۳	دوم	۱۱	پی نوشت ۱۲	۱۱
۶۸۴	اول	۵	پی نوشت ۱۲	۱۱
۶۸۴	اول	۲۵	پی نوشت ۶۰	۶
۶۸۴	دوم	۲۰	پی نوشت ۱۲	۱۱
۶۸۴	دوم	۲۷	پی نوشت ۸	۷
۶۸۴	دوم	۲۸	پی نوشت ۷	۶
۶۸۵	اول	۳	پی نوشت ۱۲	۱۱
۶۸۵	اول	۷	پی نوشت ۲۹	۷
۶۸۵	اول	۲۲	پی نوشت ۱۲	۱۱
۶۸۵	اول	۲۳	پی نوشت ۱۲	۱۱
۶۸۵	اول	۲۵	شماره پی نوشت نوشته نشده است.	-
۶۸۶	اول	۹	پی نوشت ۲۴	۴
۶۸۶	اول	۱۴	پی نوشت ۱۳	۶
۶۸۶	دوم	۱۱	پی نوشت ۴۵۹	۴
۶۸۶	دوم	۲۱	پی نوشت ۴۸	۴
۶۸۶	دوم	۲۵	پی نوشت سطر ۱۴	۹ (کلمه سطر اضافه است.)

صفحه	ستون	سطر	غلط / توضیح	صحیح / توضیح
۶۴۷	اول	۱۰	آدم ابوالبشره	آدم ابوالبشر
۶۴۷	دوم	۶	غ ۲۸۱	غ ۲۱۸
۶۴۷	دوم	۱۳	غ ۳۶۵	غ ۲۶۵
۶۴۸	اول	۲۱ و ۱۳	ابن سینا و ابوعلی سینا یکی است که در سطر ۱۳ و ۲۱ به صورت تکراری آمده است.	
۶۴۸	اول	۱۵	بی نوشت ۸	بی نوشت ۷
۶۴۸	اول	۲۴	بی نوشت ۶	بی نوشت ۷
۶۴۸	دوم	۵	غ ۲۹۱	غ ۲۹۲
۶۴۸	دوم	۲۷	بی نوشت ۲	بی نوشت ۳
۶۴۹	اول	۲۶	غ ۸۸، بی نوشت ۳	غ ۹، بی نوشت ۴
۶۴۹	دوم	۱۷	بی نوشت ۴	بی نوشت ۱۷
۶۴۹	دوم	۲۰	بی نوشت ۱۵	بی نوشت ۱۶
۶۵۰	اول	۲۷	بی نوشت ۲۶	بی نوشت ۲۷
۶۵۱	اول	۲۵	بی نوشت ۲۱	بی نوشت ۲۰
۶۵۱	دوم	۵	واشیدن از سر کسی (در فهرست)	واشیدن از بر کسی (در پاورقی)
۶۵۱	دوم	۱۵	بی نوشت ۵	بی نوشت ۶
۶۵۲	اول	۱۱	غ ۳۵۷	غ ۳۵۴
۶۵۲	اول	۲۸	بی نوشت ۱۳	بی نوشت ۱۴
۶۵۲	دوم	۲۲	بی نوشت ۸	بی نوشت ۷
۶۵۳	اول	۶	بوکه	بوکه
۶۵۳	اول	۷	بی نوشت ۶	بی نوشت ۲
۶۵۳	اول	۱۸	غ ۱۳۴	غ ۱۳
۶۵۳	دوم	۶	بی نوشت ۱۳	بی نوشت ۱۴
۶۵۳	دوم	۹	غ ۳۰۴	غ ۳۰
۶۵۳	دوم	۱۰	بی نوشت ۳	بی نوشت ۱۳
۶۵۳	دوم	۱۶	غ ۳۶۸	غ ۲۶۸
۶۵۴	اول	۱۶	غ ۳۶۳، بی نوشت ۱	غ ۳۶۲، بی نوشت ۶
۶۵۴	اول	۲۹	بی نوشت ۱۲	بی نوشت ۱۱
۶۵۴	دوم	۹	غ ۱۸۳	غ ۸۳
۶۵۴	دوم	۲۰	بی نوشت ۹	بی نوشت ۱۲
۶۵۴	دوم	۲۴	بی نوشت ۳۲۴	بی نوشت ۱۱
۶۵۴	دوم	۲۵	ترللا ترللا (در فهرست)	ترللا ترللا (در پاورقی)
۶۵۵	اول	۱۱	بی نوشت ۱۲	بی نوشت ۱۱
۶۵۵	دوم	۶	بی نوشت ۱۲	بی نوشت ۱۱
۶۵۵	دوم	۱۹	بی نوشت ۷	بی نوشت ۴
۶۵۶	اول	۲	از جان خود برخاستن (در فهرست)	از جان برخاستن (در پاورقی) توضیح: در شعر از جان خویش برخاستن است. یا در فهرست یا در پاورقی باید اصلاح شود.
۶۵۶	اول	۸	جان دادن موسی (ع) (در فهرست)	جان دادن (در پاورقی) توضیح: در شعر جان دادن موسی است. یا در فهرست یا در پاورقی باید اصلاح شود.
۶۵۶	اول	۲۳	بی نوشت ۸	بی نوشت ۹
۶۵۶	اول	۲۴	بی نوشت ۹	بی نوشت ۱۰
۶۵۸	دوم	۱۴	غ ۲۴۱	غ ۲۵۲
۶۵۸	دوم	۲۲	بی نوشت ۹	بی نوشت ۱۰
۶۵۹	اول	۲۵	بی نوشت ۴	بی نوشت ۵
۶۵۹	دوم	۱۱	خره (در فهرست)	خوه (در پاورقی) صحیح می باشد.
۶۵۹	دوم	۱۲	غ ۲۰۲	غ ۲۲۰
۶۶۰	اول	۷	غ ۱۶۲	غ ۱۶۰
۶۶۰	اول	۹	بی نوشت ۱۰	بی نوشت ۱۱
۶۶۰	اول	۲۰	دستان:	نشانی دوم غلط است.
۶۶۰	اول	۲۵	غ ۳۸۶	غ ۲۸۶
۶۶۰	دوم	۱۵	غ ۱۵	غ ۱۴۵
۶۶۱	دوم	۲۱	بی نوشت ۱	بی نوشت ۲
۶۶۲	دوم	۱۶	بی نوشت ۹	بی نوشت ۸
۶۶۳	اول	۱۶	بی نوشت ۱۷	بی نوشت ۱۸
۶۶۳	اول	۱۸	زینهار: غ ۴۴، بی نوشت ۷ و ۶	زینهار: غ ۴۴، بی نوشت ۷ نیز ← بی نوشت ۶ غ ۴۴، بی نوشت ۶

صفحه	ستون	سطر	غلط / توضیح	صحیح / توضیح
۶۶۳	دوم	۳	زینهار: غ ۳۸۱، بی نوشت ۴	زینهار: غ ۳۸۱، بی نوشت ۴ غ ۴۴، بی نوشت ۷
۶۶۳	دوم	۲۴	غ ۶۰	غ ۹۰
۶۶۴	اول	۶	غ ۳۳۴	غ ۲۳۴
۶۶۵	اول	۲۴	غ ۳۲۵	غ ۳۵۲
۶۶۵	دوم	۳	سینه مشروح:	نشانی غلط است.
۶۶۵	دوم	۴	غ ۶۲	غ ۹۲
۶۶۵	دوم	۱۴	غ ۳۵۹	غ ۳۵۲
۶۶۵	دوم	۲۳	بی نوشت ۹	بی نوشت ۱۰
۶۶۶	اول	۳	غ ۱۵۷	غ ۱۵۶
۶۶۶	اول	۲۲	غ ۲۲۲	غ ۲۳۲
۶۶۶	اول	۲۴ و ۲۳	این دو سطر تکراری است و باید حذف شود.	
۶۶۷	اول	۱۷	بی نوشت ۴	بی نوشت ۵
۶۶۷	اول	۲۹	بی نوشت ۱۱	بی نوشت ۱۲
۶۶۷	دوم	۲	شماره بی نوشت نوشته نشده است. و شماره غزل اشتباه است.	
۶۶۷	دوم	۲۰	غ ۳۲۵	غ ۳۵۲
۶۶۷	دوم	۲۶	غ ۴	غ ۷
۶۶۸	اول	۱۵	بی نوشت ۲	بی نوشت ۳
۶۶۸	اول	۲۸	غ ۲۳۸	غ ۳۲۸
۶۶۸	دوم	۱	بی نوشت ۱۲	بی نوشت ۱۳
۶۷۰	اول	۱۲	غ ۴۶	غ ۶۷
۶۷۰	اول	۱۳	غ ۵۹۶	غ ۲۹۶
۶۷۰	اول	۲۷	بی نوشت ۲	بی نوشت ۱۴
۶۷۰	دوم	۴	غ ۳۲۵	غ ۳۵۲
۶۷۰	دوم	۱۴	فتوح در سطر ۱۳ آمده است. تکراری است. نشانی برود به سطر بالا	
۶۷۰	دوم	۲۸	بی نوشت ۱۵	بی نوشت ۱۶
۶۷۱	دوم	۱۵	بی نوشت ۷	بی نوشت ۱
۶۷۱	دوم	۱۹	قدیم ←	قدیم: غ ۸۶، بی نوشت ۱ نیز ← قدم شماره بی نوشت نوشته نشده است. شماره غزل اشتباه است.
۶۷۱	دوم	۲۷	قسيس:	شماره غزل اشتباه است.
۶۷۲	اول	۱۳	غ ۲۰	غ ۲۰۰
۶۷۲	اول	۲۸	غ ۲۰۹	غ ۲۱۰
۶۷۲	دوم	۲۶	کرا (در فهرست)	که را (در متن)
۶۷۳	اول	۱۷	بی نوشت ۱۲	بی نوشت ۱۳
۶۷۳	اول	۲۲	بی نوشت ۷	بی نوشت ۸
۶۷۴	اول	۱۵	غ ۳۰۹	غ ۳۹۰
۶۷۴	دوم	۱۷	بی نوشت ۳	بی نوشت ۴
۶۷۴	دوم	۲۸	غ ۹۰	غ ۹۱
۶۷۵	اول	۱۷	للا، تر ← ترللا (در فهرست)	للا، تر ← ترللا (در پاورقی)
۶۷۵	اول	۲۱	بی نوشت ۱۱	بی نوشت ۱۷
۶۷۵	اول	۲۲	بی نوشت ۱۰	بی نوشت ۱۱
۶۷۵	دوم	۱۴	ماه تا ماهی	نشانی غلط است.
۶۷۵	دوم	۲۹	بی نوشت ۸	بی نوشت ۹
۶۷۶	اول	۵	بی نوشت ۱۴	بی نوشت ۱۳
۶۷۶	دوم	۳	غ ۸۸، بی نوشت ۳	غ ۹، بی نوشت ۴
۶۷۶	دوم	۷	مستظهر (در فهرست)	مستضر (در پاورقی)
۶۷۶	دوم	۱۰	بی نوشت ۸	بی نوشت ۹
۶۷۶	دوم	۲۲	بی نوشت ۹	بی نوشت ۱۲
۶۷۷	اول	۴	غ ۲۰۹	غ ۲۱۰
۶۷۷	اول	۱۴	بی نوشت ۱	بی نوشت ۲
۶۷۸	دوم	۱۲	غ ۱۷۷	غ ۷۷
۶۷۸	دوم	۱۵	بی نوشت ۵	بی نوشت ۶
۶۷۸	دوم	۲۷	غ ۱	غ ۱۰
۶۷۹	اول	۲۱	بی نوشت ۱۱	بی نوشت ۱۲
۶۷۹	دوم	۲۶	بی نوشت ۱	بی نوشت ۱۶
۶۸۰	دوم	۲۵	بی نوشت ۱۴	بی نوشت ۱۵
۶۸۰	دوم	۳۰	بی نوشت ۵	بی نوشت ۴
۶۸۱	اول	۱۳	بی نوشت ۱۰	بی نوشت ۱

کتاب سال طنز برگزیدگان خود را شناخت

لبخند مخاطب بر چهره نویسنده

بود، به لحاظ ادبی. درشت و ریزشان کردم از خام‌ها، نیم‌پزها، پخته‌ترها... شد این مجموعه! به نظر من طنز یا بودار است یا تودار... طنز گاه نمی‌شود باادب و تمیز باشد، لذا نزد همه کس عزیز نخواهد بود.»

یوسفعلی میرشکاک آخرین فردی بود که برای سخن گفتن دعوت شد. او از میان آثارش متنی از کتاب «دیپلمات‌نامه» که در ۹ فصل یا به قول خودش «نمط» نگاشته شده بود، انتخاب کرد.

بخش پایانی مراسم به معرفی برگزیدگان اختصاص داشت.

بعد از قرائت بیانیه هیئت داوران که منوچهر احترامی، دکتر مسعود کیمیگر، اسدالله امرایی، دکتر محمدرضا ترکی و هوشنگ مرادی کرمانی اعضای آن را تشکیل می‌دادند، برگزیدگان بخش‌های مختلف به این شرح اعلام شد:

در بخش نثر، زنده‌یاد کیومرث صابری «گل آقا» برای کتاب «دو کلمه حرف حساب»، زنده‌یاد پرویز شاپور برای کتاب «قلبم را با قلبت میزان می‌کنم» و یوسفعلی میرشکاک به خاطر کتاب «دیپلمات‌نامه» لایق دریافت جایزه و لوح تقدیر این مراسم شناخته شدند. جوایز بخش تحقیق به مرحوم مهدی اخوان ثالث به خاطر کتاب «تقیضه و تقیضه سازان» و احمد مجاهد برای کتاب «جحا» اهدا شد.

نصف دریابندری با کتاب «چنین کنند بزرگان»، جمشیدارجمند برای کتاب «دنیای کوچک دن کامیلو» و رضی هیرمندی به خاطر کتاب «فرهنگ گفته‌های طنزآمیز» برگزیدگان بخش تحقیق جشنواره معرفی شدند. در بخش شعر هم اکبر اکسیر با کتاب «زینورهای عسل دیابت گرفته‌اند» و ناصر فیض با کتاب «املت دسته‌دار» به عنوان برگزیده معرفی شدند.

جوایز بخش داستان جشنواره نیز به ناصر غیانی به خاطر کتاب «تاکسی نوشت‌ها»، محمدرفع ضیایی با کتاب «آدم اینجوری» و محمدعلی علومی با کتاب «شاهنشاه در کوچه دلگشا» اختصاص یافت.

قبل از آن که از میهمانان برای سخنرانی دعوت شوند، شرحی کوتاه از آثارشان برای حاضران داده شد.

محمدرفع ضیایی با این توضیح برای سخنرانی دعوت شد که صاحب آثاری چون «آدم اینجوری»، «چرخ و فلک» و «قصه‌های عجیب و غریب» است. وی برای سخنرانی ترجیح داد تا بخش‌هایی از کتاب «آدم اینجوری» را برای حاضران بخواند.

محمدرفع ضیایی برای افراد حاضر در جلسه که به جای یک سخنرانی جدی، داستان‌هایی طنزگونه را شنیدند، گفت: «راستش من خیلی بلد نیستم حرف‌های جدی بزنم و تنها دو کار جدی در تمام عمرم انجام دادم. یکی این که در سال ۱۳۲۷ شمسی در یک شهر کوچک در لارستان، جنوب فارس متولد شدم و دوم این که بقیه عمرم یا کاریکاتور کشیدم و یا کاریکاتوری فکر کردم.»

در معرفی رضی هیرمندی گفته شد که او فوق‌لیسانس روانشناسی همگانی از دانشگاه تهران دارد و صاحب آثاری چون «فرهنگ شیطان»، «مترجم شدن» و «توصیف مقابله‌ای زمان‌ها در انگلیسی و فارسی» است.

وی که برای سخنرانی قسمت‌هایی از کتاب «فرهنگ گفته‌های طنزآمیز» را آماده کرده بود، در توضیح این کتاب گفت: «جزء به جزء این کتاب از فرهنگ‌های دیگر برگرفته شده است که از آن جمله می‌توان به فرهنگ گفته‌های طنزآمیز آکسفورد و پنگوئن اشاره کرد.»

بعد از رضی هیرمندی، ناصر فیض با این توضیح که لیسانس زبان و ادبیات فارسی دارد برای سخنرانی دعوت شد. او نیز برای سخنرانی ترجیح داد بخش‌هایی از کتابش «املت دسته‌دار» را بخواند.

ناصر فیض همچنین توضیحاتی در مورد چاپ این کتاب داد. وی گفت: «نمی‌دانم چطور شد که این طور شد، قرار نبود چاپشان کنم، چند برابر اینها



مراسم متفاوت از دیگر مراسم‌ها و همایش‌ها باشد. برخلاف اکثر همایش‌ها که وقت زیادی از مراسم به سخنرانی عوامل برگزارکننده آن اختصاص می‌یابد، در این مراسم هیچ خبری از مسئولان برگزاری آن نبود. مراسم بدون هیچ مقدمه‌ای شروع شد و افراد زیادی هم که به عنوان سخنران دعوت شده بودند، به جای حرف‌های معمول این گونه مراسم‌ها، به بیان نکاتی طنزگونه کفایت کردند.

تالار اندیشه حوزه هنری برگزاری نخستین دوره کتاب سال طنز را بهانه‌ای قرار داد تا یک بار دیگر طنزپردازان مختلف از سراسر ایران را گرد هم آورد. این مراسم که برای اولین بار و به ابتکار دفتر طنز حوزه هنری برگزار شد، به معرفی آثار برگزیده طنز در حوزه شعر، نثر، داستان، تحقیق و ترجمه اختصاص داشت.

چندان هم دور از انتظار نبود که نحوه برگزاری این

این هفته با بهمن قره‌داغی سراینده مجموعه گمان گیلان، دهانی گس

عادت همیشگی کلمات

رسول آبادیان: بهمن قره‌داغی متولد ۱۳۵۰ بیجار و دارای مدرک فوق لیسانس در رشته مدیریت آموزش است. قره‌داغی هم‌اکنون به عنوان دبیر در دبیرستان‌های تهران مشغول به کار است. مجموعه «گمان گیلان، دهانی گس» بهانه گفت‌وگو با این شاعر شده است که می‌خوانید.

گمان نمی‌کنید این نگاه بعد از مدتی شاعر را از عقبه‌های تاریخی خودش دور می‌کند؟

متأسفانه باید بگویم که این اتفاق افتاده و شاعران ما کمتر به ظرفیت‌های موجود در محیط توجه نشان می‌دهند. اگر بخواهم از زاویه دید منتقدانه به شعرهای خودم نگاه کنم می‌بینم که شعرهای من نیز از این امر مستثنی نیست. توجه به ظرفیت‌های بومی یک ضرورت انکارناپذیر برای شاعر است.

وضعیت شعر و شاعری در شهرستان محل تولد شما یعنی بیجار چگونه است؟

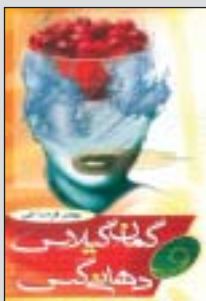
با کمال تأسف باید بگویم که همه دوستان اهل دنیای نوشتن و سرودن حالا دیگر پراکنده شده‌اند و بیشتر آنها در تهران زندگی می‌کنند.

می‌آورد که کاملاً ناخودآگاه است که من شخصاً عنوان «عادت لفظی» را برایش انتخاب کرده‌ام.

به گمان شما شاعرانی که از نقاط مختلف کشور به مرکز می‌آیند چرا بعد از مدتی بومی سرایی را از یاد می‌برند؟

خود من همواره به این موضوع فکر می‌کنم. شاید یکی از دلایلش همان ننگنجیدن شاعر در محیطی خاص باشد. یعنی این که شاعر همواره در پی کشف دنیاهایی دیگرگونه است که قبلاً شاهدش

نبوده. البته من گمان می‌کنم این موضوع فقط مختص شاعران نباشد. من فکر می‌کنم که هر فردی خودش را از آنچه که هست بالاتر می‌بیند و همیشه دوست دارد این موضوع را به گونه‌های مختلف به دیگران منتقل کند.



اوضاع نشر در آنجا چگونه است و از آنجایی که یک ناشر شهرستانی کار شما را منتشر کرده کمی از این موضوع بگویید.

بدون تعارف باید گفت که حس همکاری در شهرستان‌ها بسیار بیشتر از مرکز است. اهالی فرهنگ در شهرستان‌ها تا آنجایی که از دستشان بر بیاید سعی در حل مشکلات همدیگر دارند، همانگونه که ناشر من نهایت تلاش را برای چاپ کتاب من به کار گرفت.

خواننده در یک بار خواندن مجموعه متوجه می‌شود که توان شما در سرودن شعرهای کوتاه بیشتر است. چرا سعی دارید که شعرهایتان بلند باشند.

کوتاه و بلند بودن شعرها بستگی به ضرورت به کار گرفتن واژگان دارد و بسیاری مواقع شاعر فکر می‌کند که هنوز نتوانسته آنچه را که می‌خواهد بگوید اما من گرایش اصلی‌ام سرودن شعر کوتاه است و امیدوارم که حال و هوای کلی شعر به سمتی برود که در کوتاه‌ترین حجم بالاترین معانی را انتقال بدهد.

از کارهای آینده‌تان بگویید. باید بگویم که در شعرهای جدید تا حدودی از خودم فاصله گرفته‌ام و مجموعه‌ای آماده چاپ دارم که وسواس نمی‌گذارد چاپ کنم و امیدوارم بتوانم بر این وسواس پیروز شوم و یک بار دیگر دنیای خودم را با دیگران تقسیم کنم.

در شعرهای مجموعه شما در مقایسه با کارهای دیگران نوعی شتاب برای شکستن فضاهای اثبات شده در شعر دیده می‌شود. آیا این مسئله عمدی است یا ناخودآگاه؟

به گمانم هر شاعری بر اساس تئوری‌های رایج ادبی زمانه خودش کار می‌کند و اگر فراز و فرودی در کارش پدید بیاید کاملاً ناخودآگاه است. یعنی این که شاعر یک شبه تصمیم نمی‌گیرد که به عنوان مثال سبک جدیدی ابداع کند. من فکر می‌کنم که در درجه اول این راه و رسم و سبک جدید باید از دل زمانه بیرون بزند و شاعر هم به عنوان شکارچی لحظه‌ها آن را تبدیل به کلمه کند.

پس این جرقه‌ها به شکل ناخودآگاه پدید آمده‌اند؟

بله، من اعتراف می‌کنم که هیچ فکر از پیش معین شده‌ای در رگه‌هایی که شما اشاره کردید، نداشته‌ام.

شما بیشتر به کشف‌های خودتان در شعر بسنده می‌کنید یا این که در دل آثار دیگران هم به جست‌وجو می‌پردازید؟

در مورد خود من آثار دیگران بسیار مفید بوده‌اند و نمی‌دانم در شاعران دیگر هم وضع به همین منوال است یا خیر. همان گونه که گفتم من در کارهایم هیچ گونه پیش‌آگاهی ندارم و خواندن آثار دیگران سبکی در کلام من پدید



همزمان با عید قربان منتشر شد

سفرنامه حج در دست کودکان اروپا

بگذاریم:

نامه های سری هاینریش بل پیدا شد

بعد از دو دهه از درگذشت هاینریش بل نویسنده صاحب نام آلمانی، در نمایشگاهی ویژه به مناسبت بزرگداشت سالمرگ نامه هایی مخفی نوشته شده توسط این نویسنده به کیو کولوف نویسنده روسی در دوران جنگ سرد به نمایش درآمد که در آن این دو نویسنده اقدام به بررسی راههای کاهش تنش میان شرق و غرب کرده بودند.

این آثار که به همت مرکز ادبی والدترت در شهر گرایفس والد آلمان و در یک نمایشگاه ویژه به نمایش درآمد از وجود ارتباط سالیان طولانی بین هاینریش بل و کیو کولوف نویسنده روسی (۱۹۱۲ - ۱۹۹۷) پرده برداشته است. در این نمایشگاه نامه هایی از این دو نویسنده به نمایش گذاشته شده که در آن نظرات خود را درباره ادبیات و نقش اجتماعی نویسنده به یکدیگر منتقل می کرده اند. هاینریش بل سال ۱۹۸۵ درگذشت ولی این نامه نگاری ها تا سال ۱۹۸۱ به صورت منظم و پیوسته با نویسنده روسی برقرار بود. این دو نویسنده از سال ۱۹۶۲ با یکدیگر آشنا شده بودند.

این تبادل نامه ها در زمانی صورت می گرفت که بین دو بلوک شرق و غرب جنگ سرد در زمینه های ایدئولوژیک، سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک در گرفته بود.

هاینریش بل در سال ۱۹۷۲ توانست به عنوان دومین آلمانی، بعد از توماس مان، جایزه ادبی نوبل را از آن خود کند.

کشف خاطرات گمشده

حال که خبری درباره با نمایش نامه های پنهانی خوانندید، بد نیست خبری هم در خصوص انتشار کتابی با عنوان خاطرات گمشده جین آستین بخوانید که پرده از رازهای پنهان این نویسنده نامدار برمی دارد. خاطرات گمشده جین آستین که داستان زندگی واقعی این رمان نویس را بیان می کند هفته گذشته در قالب کتاب، به بازار جهانی نشر آمد. این رمان به زندگی جین آستین نویسنده رمان معروف غرور و تعصب می پردازد. خاطرات گمشده جین آستین زمانی است که توسط یکی از اساتید ادبیات دانشگاه آکسفورد پس از سالها تحقیق در مورد زندگی آستین و کتکاش روان شناسانه در آثار او نوشته شده است.

جین آستین در سال ۱۷۷۵ به دنیا آمد و در سال ۱۸۱۷ چشم از جهان فرو بست. وی در طول زندگی خود با خلق آثاری پر فروش و محبوب خود را به عنوان یکی از مشهورترین نویسندگان انگلیس معرفی کرد. از آثار او می توان به منسفیلد پارک، عقل و احساس، غرور و تعصب، اما و غیره اشاره کرد. کتاب مورد نظر توسط انتشارات آوون در ۳۵۲ صفحه منتشر شده است.

کتاب ناکامی های رایس

کتاب کاندولیزا رایس، یک زندگی آمریکایی توسط یکی از خبرنگاران نیویورک تایمز هفته گذشته در سراسر آمریکا عرضه و با اقبال خوبی هم همراه شد. الیزابت بیومیر خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز کتابی در بیان ناکامی ها و اشتباهات کاندولیزا رایس نوشته است. در این کتاب اشاره شده که رایس در حد یک سیاستمدار جایگاهی ندارد و تنها تخریب را برای دنیا به ارمان آورده است.

نویسنده در خصوص اعمال رایس نتیجه گرفته که وی در تمامی کارهای خود شکست خورده است. رایس نسبت به این کتاب واکنش نشان داده و آن را اثری فاقد عمق و تهاجر پایه قلمفرسایی های ژورنالیستی عنوان کرده است.



نگاه مجله تایم هستند.

بهار کتاب در زمستان بیروت

نمایشگاه بین المللی کتاب بیروت در حالی هفته گذشته کار خود را آغاز کرد که فضای این شهر به دلیل در پیش بودن انتخابات، سیاسی است. نمایشگاه کتاب بیروت که هر ساله به عنوان یکی از بهترین نمایشگاههای خاورمیانه شناخته می شود امسال تحت تدابیر شدید امنیتی و با سخنرانی فواد سنوره نخست وزیر لبنان آغاز به کار کرد. این در حالی است که اتحادیه ناشران عرب اصرار داشتند به دلیل بحران های سیاسی موجود در لبنان مانند سال گذشته زمان برگزاری نمایشگاه به تعویق بیفتد، اما دولت لبنان با آن مخالفت و اعلام کرد که باید این نمایشگاه برگزار شود.

این در حالی است که نمایشگاه بین المللی کتاب بیروت قدیمی ترین نمایشگاه کتاب در جهان عرب محسوب می شود و سایر اندیشمندان جهان عرب در کنار مردم و دولت لبنان اهمیت بسیاری به برگزاری نمایشگاه بین المللی بیروت می دهند. در نمایشگاه امسال بیروت تنها ۱۳ ناشر عرب غیر لبنانی شرکت دارند. در حالی که شمار ناشران لبنانی حاضر در این فستیوال فرهنگی به ۱۷۰ می رسد.

جمعی از ناشران لبنانی وابسته به اتحادیه ناشران لبنان با صدور بیانیه ای اعلام از حضور کم رنگ ناشران عرب در نمایشگاه بین المللی کتاب بیروت انتقاد کرده اند.

حضور کم رنگ کشورهای عربی در نمایشگاه بین المللی بیروت باعث انتقاد گسترده مطبوعات و رسانه های عربی نیز شده است.

جایزه سلطان برندگان خود را شناخت

موسسه فرهنگی عربی جایزه سلطان بن علی العویس که به جایزه سلطان معروف است، بعد از مدت ها رایزنی به معرفی برندگان دهمین دوره این موسسه مبادرت

هفته گذشته خبری مبنی بر نگارش و آماده سازی کتابی در خصوص آشنایی کودکان ساکن کشورهای غربی با هویت اسلامی روی خروجی خبرگزاری های غربی قرار گرفت. این کتاب که با محوریت دین اسلام تهیه شده، همزمان با عید قربان در اروپا و به خصوص در انگلیس و ایرلند توزیع شد.

این کتاب که بهترین ایام نام گرفته توسط سماء مبین الدین، نویسنده مسلمان ساکن ایالت اوهایو آمریکا و شاغل در دوبلین ایرلند تهیه شده است. نویسنده، کتاب تلاش کرده تا در قالبی ساده و شیرین، درباره اعیاد مسلمانان به ویژه عید قربان به کودکان آموزش دهد. نویسنده این کتاب که این اثر دومین کتاب وی به شمار می رود، با رویکرد کاملاً آموزشی اقدام به تهیه و تدوین این کتاب کرده و آن را برای کودکان مسلمان آمریکا و دیگر کودکان مسلمان ساکن در کشورهای غربی به رشته تحریر در آورده است.

خانم مبین الدین با اشاره به نبود چنین کتاب هایی در آمریکا و اروپا ضمن اشاره به رویکرد نو در نوشتن این کتاب گفته است: موضوع این کتاب به سبک روایی است. این کتاب داستان دختر بچه ای را روایت می کند که والدینش به حج رفته اند و او تنها مانده، ولی با فرارسیدن عید قربان، با فلسفه حج آشنا می شود و از این رهگذر بسیاری از اصول اسلامی را می آموزد. این دختر بچه در نهایت به این نتیجه می رسد که این عید بهترین عید عمرش بوده است و متوجه می شود که باید اعیاد اسلامی را که ریشه در زندگی او دارد، مورد توجه قرار دهد.

این کتاب که پیش از انتشار توسط بسیاری از خانواده های مسلمان پیش خرید شده است و به نظر می رسد در زمان عرضه با استقبال بسیار خوبی روبه رو شود. کتاب مذکور توسط خود نویسنده عرضه و در ۱۲۰ صفحه به بهای ۸۱ پوند به فروش می رسد.

این مجموعه که به صورت سفرنامه تهیه شده، بهار سال آینده انتشار یافته و در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد.

رتبه هشتم برای هری پاتر

همزمان با نزدیک شدن به پایان سال میلادی هفته نامه تایم فهرستی از بهترین آثار داستانی و غیر داستانی سال ۲۰۰۷ را اعلام کرد. بر این اساس، در بخش داستانی، کتاب گزیده زندگی شکفت انگیز اسکار وائو نوشته جونوت دیاز قرار دارد. رتبه دوم متعلق به سرانجام ما به پایان می رسیم نوشته جوشا فریس است. آسب های رمنده نوشته پر پترسون و درخت دود نوشته دینس جانسون نیز در رتبه های دیگر این جدول قرار دارند.

هری پاتر و قدیسان مرگبار، آخرین قسمت از داستان های هری پاتر، نوشته جی.کی. رولینگ نیز در این جدول در رتبه هشتم ایستاده است. خانه گردهمایی ها نوشته مارتین آمیس و هیچ کس بیش از تو به اینجا تعلق ندارد نوشته میراندا جولوی دیگر کتاب های داستانی برتر سال ۲۰۰۷ از نگاه مجله تایم هستند. در بخش غیر داستانی، دنیای بدون ما نوشته آلن ویسمن در رتبه اول است و در رتبه دوم زندگی پیکاسو؛ سال های پیروزی نوشته جان ریچاردسون قرار دارد. پس از کتاب راه طولانی پیموده شده نوشته اسماعیل بائه که خاطرات یک سرپاز است، کتاب میراث خاکستر نوشته تیم ورنر که به تاریخچه سازمان جاسوسی آمریکا نگاشته شده، در این فهرست چهارم است. ایستاده متولد شده نوشته استیو مارتین، مابقی سر و صداست نوشته آلکس روس و کتاب ۹ نوشته جفری توپین، دیگر کتاب های برتر غیر داستانی از



روایت اول شخصی

فرهنگ شاهنامه و تاریخ زبان فارسی

دکتر علی رواقی؛ پژوهشگر و مصحح

در حال حاضر مشغول سامان نهایی به کتاب‌های تاریخ زبان فارسی و فرهنگ شاهنامه هستم.

فرهنگ شاهنامه در مجموع ۳۵۰۰ صفحه خواهد بود. در این فرهنگ که به همراهی جمعی از دانشجویان و پژوهشگران به تالیف آن مشغولم، سعی کرده‌ام بزرگترین فرهنگ لغت را از شاهنامه ارائه دهم.

همچنین برای نخستین بار فرهنگ تاجیکی را در دست تالیف و آماده سازی دارم. تا به حال شش هزار صفحه از این کتاب حروفچینی شده و به احتمال زیاد نگارش آن را سال آینده به پایان می‌برم.

دو کتاب زبان فارسی افغانی (دری) و فرهنگ فارسی افغانستان نیز در حال تکمیل است.

علاوه بر این مشغول آماده سازی یک مجموعه ۱۲ جلدی بزرگ تحت عنوان فرهنگ بزرگ قرآنی هستم. این مجموعه براساس ۵۰ ترجمه قرآنی (از قرن ۴ تا ۱۰) تالیف می‌شود.

جز این آثار، کتاب دیگری با عنوان تاریخ زبان فارسی را هم در دست نگارش دارم. این کتاب که قرار است تا فروردین سال آینده وارد بازار کتاب شود، به تاریخ زبان فارسی کاربردی بعد از اسلام می‌پردازد.

سروده‌های جنگ ۳۳ روزه

محمدامین جعفری حسینی؛ شاعر

نشر شاهد در تدارک است تا مجموعه‌ای از شعرهای سپید مرا در زمینه دفاع مقدس و قدس در یک مجموعه منتشر کند.

این اثر با نام پای حرف‌های حروف دربرگیرنده ۲۰ شعر است که در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ سروده شده‌اند.

علاوه بر این از تازیانه و زیتون عنوان مجموعه شعر دیگری است دربرگیرنده آثاری در قالب‌های سپید، نیمایی، مثنوی و غزل از شاعران جوان در حمایت از انتفاضه فلسطین و مقاومت مردم لبنان که کار گردآوری آن اخیراً تمام شده و به زودی توسط نشر صریح منتشر خواهد شد.

این دفتر با ۶۵ قطعه شعر از شاعرانی چون

علیرضا قزوه، علی محمد مؤدب، فاضل نظری، علی داوودی و تعدادی از شاعران جوان کشور، دربرگیرنده آثاری است که با شروع حمله اسرائیل به جنوب لبنان و آغاز جنگ ۳۳ روزه در حمایت از مقاومت مردم لبنان و انتفاضه فلسطین سروده و به آنها تقدیم شده‌اند.

البته ذکر این نکته نیز ضروری است که این شعرها، پیش از این در طول جنگ ۳۳ روزه روی یک ویلاگ گروهی منتشر شده‌اند.

و سرانجام دست خط‌های بچگانه شامل شعرهای من در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۶ به نشر شانی سپرده شده و تصور می‌کنم تا نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران منتشر شود.

فصل‌های پس از زرد

داود ملکی؛ داستان نویسی

پس از رمان فصل زرد چندی است که یک رمان دیگر با عنوان جاش را سامان داده و آماده انتشار کرده‌ام.

در عین حال یک مجموعه داستان هم آماده انتشار دارم که نام مهم نیست را بر پیشانی خواهد داشت.

این مجموعه دربرگیرنده داستان‌هایی با عنوانین فردا، پشت روشنایی روز، من، کمی آن طرف تر، مهم نیست و شرف است.

علم به روایت مردم

حسن افشار؛ مترجم علوم انسانی

در حال حاضر مشغول ویرایش کتاب تاریخ فلسفه در قرون وسطی هستم که یکی از مجلدات مجموعه مرجع ۱۰ جلدی فردریک کاپلستون است.

علاوه بر این نشر ماهی در تدارک است تا برگردان مرا از کتاب تاریخ علم مردم نوشته کلیفورد کانر را منتشر کند البته باید عنوان کنم که سال قبل کتابی با عنوان تاریخ علم را ترجمه کردم اما تفاوت تاریخ علم مردم با کتاب تاریخ علم این است که این کتاب همان طور که از عنوانش پیداست، به بررسی نقش مردم در تاریخ علم پرداخته است.

کانر این کتاب را دو سال پیش نوشته و در آن به تبیین دیدگاه‌های متخصصان و کارشناسان علمی پرداخته است. کانر در این اثر با استفاده از نظریات مختلف ثابت می‌کند که علم دستاورد مردم است و دانشمندان از این دستاورد استفاده می‌کنند. با انتشار برگردان شش جلد از مجموعه تاریخ هنر قرار است دو جلد باقیمانده این مجموعه نیز با برگردان بنده به زودی منتشر شود.

سنگ بنای معرفت

میرآفاق بایبوردی؛ مترجم و پژوهشگر ادب فارسی

هم اکنون مشغول سامان دادن به مجموعه‌ای از مقالات و سلسله پژوهش‌های ایرانشناس فقید پروفیسور فریتس مایر با عنوان سنگ بناهای معارف اسلامی هستم که قرار است در آینده‌ای نه چندان دور از سوی پژوهشگاه مطالعات و تحقیقات علوم انسانی وزارت علوم تحقیقات و فناوری منتشر شود.

این مقالات در دو مجلد سامان یافته و چند سال پیش به مناسبت هشتادمین سالروز تولد ایشان در اروپا منتشر شد و قرار است با برگردانی از من روانه بازار شود. البته تمام هم و غم من عجالتاً ویرایش و بازبینی نهایی مجلد اول این کتاب است که عنوان یافته‌های جدید در حیطه‌های... را بر روی جلد خواهد داشت. البته کار ترجمه جلد دوم این کتاب نیز تقریباً تمام شده است. این مجلد نیز با عنوان فرعی زبان و ادبیات فارسی و آداب و رسوم قومی در ایران منتشر خواهد شد.

کتاب بعدی من اما برگردانی است از کتاب رباعیات فارسی در عصر سامانی که فریتس مایر برای احراز کرسی استادی در دانشگاه بازل ارائه کرده است.

کار ترجمه این کتاب فعلاً در مراحل میانی است و تصور می‌کنم پایان آن به پس از انتشار کتاب دو جلدی پیشین یعنی سنگ بناهای معارف اسلامی موکول شود. پس از تجدید چاپ کتاب بهاء‌ولد از سوی انتشارات سروش، انتشارات الهدی قصد دارد کتاب دریای جان مرا با الحاقات جدید و ضمیمه‌های کلیدی دیگری برای تجدید انتشار آماده کند.

در چاپ سوم این کتاب ضمایم مفصلی برپایه یافته‌های جدید و ضمیمه‌های کلیدی دیگری به اثر حاضر افزوده و به حجم این کتاب چیزی حدود یکصد و هفتاد صفحه اضافه شده است.

۵۰۰ نماد ایرانی

دکتر بهمن نامور مطلق؛ پژوهشگر

چندی است که به همراه ۱۰ نفر از محققان درگیر گردآوری، تالیف و تدوین کتاب فرهنگ نمادهای ایرانی هستم.

این فرهنگ که ۵۰۰ نماد بسیار مهم ایرانی را دربرمی‌گیرد، تصویر نمادها را به همراه خواهد داشت. البته سعی مجموعه بر آن است تا این کتاب فرهنگی حکمی و هنری باشد. تالیف فرهنگ در مراحل آغازین است، مداخل تعریف و بین محققان توزیع شده است و تصور می‌کنم این فرهنگ فروردین ماه سال آینده وارد بازار شود.

همچنین ترجمه ۴۰ داستان از مثنوی مولوی به زبان فرانسه در

مراحل پایانی چاپ قرار دارد. این اثر همراه با تصاویری از طراحان ایرانی عرضه می‌شود.

نقد تکوینی هم اثر تألیفی مشترک من و شکرالله اسدالهی است که در ۲۰۰ صفحه توسط انتشارات علمی - فرهنگی منتشر خواهد شد. کلیات، نقد تکوینی در ادبیات، نقد تکوینی در هنر، نقد تکوینی و هنرهای دیگر و نقد تکوینی در ایران از فصل‌های کتاب هستند.

تأثیر مولانا بر فرهنگ و ادب غرب، کار مشترک دیگری است که با دکتر امیرعلی نجومیان در دست کار دارم و توضیح مفصل درباره آن را به فرصت دیگری موکول می‌کنم.



علی رواقی



میر آفاق بایبوردی

سیری در اندیشه‌های معتزله و اشاعره

دکتر سیداسعد شیخ الاسلامی؛ دین پژوه

سیری اجمالی در اندیشه‌های کلامی معتزله و اشاعره عنوان کتابی است که تصور می‌کنم در آینده‌ای نه چندان دور در حجمی بالغ بر ۳۰۰ صفحه از سوی انتشارات سمت منتشر شود.

در کتاب حاضر تلاش کرده‌ام تا به مهم‌ترین چالش‌های دینی و اعتقادی که بین اشاعره و معتزله در جهان اسلام در جریان بوده بپردازم چرا که از نخستین دوره‌های ظهور اسلام شاهد برخی رویکردهای عقلانی به دین و مذهب هستیم که به طور طبیعی در چالش با فضای موجود، نزاع‌های مستمر فکری، مذهبی و حتی گاه سیاسی آفریده است.

در این میان معتزله و اشاعره نماینده دو نگاه نسبتاً متفاوت درون گفتمان کلامی هستند که خاستگاه اصلی اختلاف آنها به نوع نگاهشان نسبت به عقل، کارکردها و قلمروی فعالیت و اعتبار آن بازمی‌گردد.

همه حکایات عرفانی در یک کتاب

دکتر حبیب‌الله عباسی؛ متن پژوه

دائرة المعارف حکایتهای عرفانی به کوشش دکتر حبیب‌الله عباسی به زودی از سوی نشر سخن منتشر می‌شود.

من در این دایرة المعارف از روی ۱۵ منبع به استخراج قصه‌های منثور عرفانی پرداخته‌ام. این کتاب از نخستین عرفای ایرانی تا عصر جامی را دربرمی‌گیرد.

در طبقه‌بندی این حکایات ها، توضیحاتی پیرامون جایگاه داستان‌های عرفانی، نقش قصص قرآن در متون عرفانی و تبیین حکایات‌ها بر اساس فرم مدنظر قرار گرفته است.

علاوه بر این کار تصحیح و تحشیه‌نگاری بر جلد دوم تاریخ جهانگشا عظاملک بن محمد جوینی را - که جلد اول آن سال قبل از سوی نشر زوار منتشر شد - به پایان برده و تحویل ناشر داده‌ام و تا جایی که مطلع هستم این کتاب در مرحله حروفچینی قرار دارد.

ماجرای غم انگیز روشنفکری

دکتر یحیی یثربی؛ استاد فلسفه دانشگاه علامه

کتاب زبانه شمس و زبان مولانا که طبقه‌بندی و تحلیل موضوعی گزیده‌ای از دیوان شمس است، تا اواخر هفته آینده توسط انتشارات امیرکبیر به بازار عرضه خواهد شد.

همچنین کتاب روشن‌اندیشی که به بررسی چگونگی جریان روشنفکری در ایران می‌پردازد و شامل دو نامه به روشنفکران داخل و خارج از کشور است، همزمان با زبان شمس و زبان مولانا از سوی نشر قومانت منتشر خواهد شد.

جز این دو کتاب، کار نگارش کتاب دیگری هم با عنوان مدخلی به فلسفه سیاست در اسلام به پایان رسیده، اما هنوز درباره آن با ناشری وارد مذاکره نشده‌ام.



میر آفاق بایبوردی



بهمن نامور مطلق